مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

صدر شهادت

ویژه‌نامه شهادت آیت‌الله سید محمدباقر صدر

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

صدر شهادت: زندگی نامه شهید محمد باقر صدر

نویسنده:

علی جعفری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

صدر شهادت: زندگی نامه شهید محمد باقر صدر

مشخصات کتاب

صدر شهادت

کد: ۹۸۵

نویسنده: علی جعفری

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ: برهان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰-۰۲۵۱ نمابر: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۰-۰۳۹-۵۱۴-۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۵۱۴-۰۳۹-۰

ای برادر عزیز و بزرگوارم، ای پیشوای آزاده، برو به امان خـدا. خدا، خود یار و یاور توست. این راه، راه ما و نیاکان ماست که باید طی کنیم، این همان راه پیامبر و علی و حسین علیهم السلام است.

ص:۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

شهید آیت الله محمد باقر صدر یکی از ممتازترین و شگفت انگیزترین چهره های برجسته حوزه های علمیه در دهه های اخیر است. او ستاره درخشانی بود که با نبوغ فکری و صفای دل خویش، جامعه اسلامی به ویژه حوزه های علمیه را غنا بخشید. پشتکار فراوان و استعداد خارق العاده او، از وی اندیشمندی ژرف نگر در رشته های مختلف علوم اسلامی ساخته بود که با شکستن مرزهای دانش و درک نیازهای روز، به تولید علم و طرح اندیشه های نو با حفظ مبانی اسلامی دست یافت. او با تلاش فکری و اجتهادی خود کوشید تا با روش علمی و منطقی، اسلام را در برابر مکتب های پرآوازه جدید، مکتبی جامع و سرآمد مطرح کند. آیت الله صدر افزون بر موفقیت های فراوان علمی و به جای گذاردن آثار ماندگار علمی در عرصه سیاست و اصلاح جامعه، شخصیتی بیدار و آگاه به زمان و مبارزی سخت کوش نیز بود که سرانجام همچون اجداد طاهرینش، جام شهادت در راه خدا را نوشید و چراغ راه حق جویان گردید.

مجموعه حاضر، نگاهی کوتاه به زندگی این شخصیت کم نظیر جهان تشیع و خواهر مکرمه اش، شهید بنت الهدی صدر است که برای معرفی بیشتر و بهتر شخصیت وی برای جامعه اسلامی در برنامه های صدا و سیما تهیه و تدوین شده است. با سپاس از پژوهشگر ارجمند، جناب آقای علی جعفری و همکار گرامی شان سرکار خانم روشنک جعفری این اثر را به برنامه سازان گران قدر صدا و سیما پیش کش می کنیم.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

در عصر کنونی و شاید در طول تاریخ، به ندرت می توان اندیشمندانی جامع نگر یافت که هم در حوزه های گوناگون فکری و هم در عرصه های عملی خوش درخشیده و آثار جاودانه ای از خود به یادگار گذاشته باشند. شهید آیت الله العظمی سید محمدباقر صدر، یکی از این شخصیت های بزرگ و کم نظیر جهان اسلام است. او نه تنها قهرمان میدان اندیشه بود، بلکه در حوزه سیاست و صحنه های اجتماعی هم حضوری فعال داشت. همه کسانی که دل در گرو حقیقت دارند و در جست وجوی دانش و معنا گام می نهند، می توانند از خرمن وجود ایشان، معرفت بچینند و از زندگی و شخصیت وی سرمشق بگیرند.

ایشان در بُعد علمی، نبوغ سرشاری داشت؛ به گونه ای که در هفده سالگی از استادان خود اجازه اجتهاد گرفت و در همین سن، نخستین کتاب خود را نوشت. به گفته خود وی: «از زمانی که به سن بلوغ رسیدم، از کسی تقلید نکرده ام.»(۱) شهید صدر برای تشکیل حکومت اسلامی، وارد مبارزه ای بی امان با رژیم وقت عراق شد که تشکیل حزب «الدعوه الاسلامیه» یکی از آنهاست.

۱- محمدرضا نعمانی، الشهید صدر، سنوات المحنه و ایام الحصار، نشر مؤلف، ۱۴۱۷ ه . ق، ج ۱، ص ۴۸.

او در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز در فکر و عمل، به پشتیبانی از این انقلاب برخاست و شیعیان عراق را به الگوگیری از حرکت مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله فرا خواند. شهید صدر در این باره می فرمود:

آیا عاقلانه است که مرجع دینی ای چون امام خمینی رحمه الله، حکومت اسلامی ای برپا کند که از رؤیاهای ما بود و ما اکنون به تأیید و پشتیبانی از وی نپردازیم؛ چون رژیم بعث بر ما غضب خواهد کرد.(۱)

او در پای بندی به اصول اخلاقی و آراستگی به ارزش های معنوی نمونه روزگار و انسانی وارسته و باتقوا بود و از دل بستگی به دنیا سخت دوری می کرد. شهید صدر، دوستی دنیا را با دوستی خدا جمع نمی کرد و عقیده داشت:

خداوند در یک دل، دو ولایت را نمی پذیرد و دو عشقِ هم عرض را برنمی تابد؛ یا دوستی خدا یا دوستی دنیا. بیایید قلب هایمان را محک زنیم که آیا مرکز دوستی دنیا است یا دوستی با خدا؟ اگر دوستی خدا در دلمان جای گرفته است، ژرفایش بخشیم و اگر (پناه بر خدا) دوستی دنیا در آن لانه کرده است، بکوشیم خود را از این درد تباه کننده نجات دهیم.(۲)

پرسش مهم این است که شهید صدر چگونه به این مقام عالی علمی و معنوی، به ویژه در ابتدای جوانی رسید؟ او، خود، در پاسخ به این پرسش می فرمود: «باقر صدر، مساوی است با ده درصد مطالعه و نود درصد تفکر».(۳)

۱- اندیشه ماندگار، ویژه کنگره بین المللی آیت الله العظمی شهید صدر، ش۱، شهریور ۱۳۷۹، ص۳.

۲- اندیشه ماندگار، ویژه کنگره بین المللی آیت الله العظمی شهید صدر، ش۵، ص۳.

۳- اندیشه ماندگار، ویژه کنگره بین المللی آیت الله العظمی شهید صدر، ش۵، ص۳.

متأسـفانه امروزه این روش در مجـامع و حوزه هـای علمی دنیـا نادیـده گرفته می شود و بیشتر وقتِ دانش پژوهـان، به فراگیری اندیشه های دیگران می گذرد، نه اندیشیدن.

امیـد که با نشـر افکار و آرای شـهید صدر و الگوسازی از زندگی وی در رسانه های گروهی به ویژه رسانه ملی، در زنده نگاه داشتن یاد و خاطره این شهید بزرگوار و هدف والایش، گامی هر چند کوچک برداریم.

فصل اول: پیشینه خانوادگی شهید صدر

اشاره

فصل اول: پیشینه خانوادگی شهید صدر

شجره نامه شهید صدر با ۳۱ واسطه و از نسل ابراهیم المرتضی (۲۱۰ ه . ق) به امام کاظم علیه السلامی رسد. هیچ گاه میان این خانواده و نهاد مقدس حوزه و مرجعیت جدایی نیفتاد و اجداد ایشان به مقام های معنوی والایی رسیده بودند.(۱)

خاندان ایشان به دلیل منسوب بودن به صدرالدین، به نام «خاندان صدر» شناخته می شوند و به علت سکونتشان در گذشته های دور در کاظمین، «کاظمی» لقب گرفته اند. البته به دلیل انتسابشان به سید حیدر، پدر شهید صدر، به آنان «خاندان حیدری» نیز می گویند. برخی نام های معروف این خاندان در دوره های پیشین عبارت است از: آل ابی سبحه (به علت منسوب بودن به موسی «ابوسبحه» بن مرتضی ابراهیم بن امام موسی کاظم علیه السلام)؛ آل القطعی(در نسبشان به حسین القطعی بن موسی «ابوسبحه»)؛ آل ابی الحسن و آل شرف الدین (در نسبشان به ابراهیم معروف به شرف الدین، جد پنجم شهید

۱- رضا استادی، مقاله «شجره طیبه خاندان شهید صدر»، «اندیشه ماندگار» ج ۱، ص ۲۶.

صدر).

امروزه این خاندان به «آل الصدر» معروفند و اصل آنان، لبنانی است و از منطقه جبل عامل هستند. از اجداد ایشان، می توان از عبدالحسین شرف الدین جبل عاملی، رهبر شیعیان لبنان در عصر خود و نویسنده کتاب های معروفِ المراجعات، ابوهریره، الاجتهاد و النص و... نام برد. برخی معتقدند اصالت این خاندان، عراقی است، ولی تاریخ دقیقی از مهاجرتشان به لبنان در دست نیست و گویا به جد نهم شهیدصدر، شهید عزالدین الحسین بن ابی الحسن معروف به موسوی العاملی الجبعی باز می گردد.(۱)

خاندان صدر

اشاره

خاندان صدر

موسوعه های علم رجال از سرگذشت خاندان صدر و شخصیت های آن خاندان فزون مایه خالی نیست. این خاندان در علم و عمل و تقوا و مکارم اخلاقی، خاندانی نام آشنا برای همه نسل هاست.(۲) خاندان صدر، از خاندان های اصیل و پرآوازه در حوزه دانش اسلامی است و اندیشمندان بسیاری در آن پرورش یافته اند که برخی از آنان را معرفی می کنیم:

۱. سید صدرالدین صدر

۱. سید صدرالدین صدر

جد اعلای شهید صدر، سید صدرالدین، از فقیهان، ادیبان و شاعران بلندپایه

۱- نخبه من الباحثین، محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، مؤسسه دارالاسلام، لندن، ۱۴۱۶ ه . ق، ج۱، ص۵۰.

۲- الشهید صدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۲۶.

عصر خود بود که پیش از رسیدن به سن تکلیف و در سیزده سالگی، از صاحب الریاض، علامه میر اجازه اجتهاد دریافت کرد.(۱)

سید صدرالدین در بیست ویکم ذی القعده سال ۱۱۹۳ ه . ق در روستای «معرکه» ــ یکی از روستاهای جبل عامل ــ به دنیا آمد. او دوران رشد و تحصیل خود را در نجف اشرف گذراند، سپس به کاظمین و از آنجا به اصفهان رفت. وی مرجع بزرگ حوزه علمیه اصفهان و استاد فرهیختگانی چون شیخ مرتضی انصاری و شیخ هاشم چهارسوقی بود.(۲) سید صدرالدین پس از مدتی به نجف بازگشت و سرانجام در شب جمعه اول ماه صفر سال ۱۲۶۴ ه . ق دیده از جهان فروبست و در گوشه غربی صحن شریف علوی، نزدیک باب سلطانی به خاک سپرده شد.

۲. سید اسماعیل صدر

۲. سید اسماعیل صدر

ایشان جد بی واسطه سید محمد باقر صدر است که در سال ۱۲۵۸ ه . ق در اصفهان به دنیا آمد. سید اسماعیل پس از وفات پدرش، سید صدرالدین، در پرتو حمایت برادرش سید محمدعلی معروف به «آقا مجتهد» پرورش یافت. وی به تیزهوشی معروف بود و پیش از رسیدن به سن تکلیف، از علمای فاضل به شمار می آمد. او شاگرد عالمان سرشناسی، چون سید محمدعلی، معروف به «آقا مجتهد» (برادر خودش)، شیخ محمد باقر اصفهانی، شیخ راضی

۱- نشریه حوزه، مقاله «یادنامه شهید احیاگر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر»، ش ۱ و ۲، سال۷۹ ــ ۸۰ ، سال چهاردهم، ص ۳۴۳.

۲- امام موسی صدر، مقاله «نیازها و مقتضیات زمان»، مرکز تحقیقات و مطالعات امام موسی صدر، دانشگاه تهران، لبنان و...، ویژه نامه همایش بین المللی، ش ۸۰، ص ۲.

نجفی (استاد فقه)، شیخ مهدی بن جعفر کاشف الغطا و استاد بزرگ، مجدّد شیرازی بود.

سیداسماعیل در سال ۱۳۰۹ ه . ق هنگام مشرف شدن به کربلا، از نجف اشرف به قصد زیارت امام حسین علیه السلام از سوی استاد خویش، مجدد شیرازی، نامه ای دریافت کرد مبنی بر این که به سامرا مسافرت کند. سید اسماعیل این دعوت را لبیک گفت و در همان جا به درخواست استادش، مسئولیت تدریس را برعهده گرفت. پس از وفات مجدد شیرازی، مرجعیت به سید اسماعیل رسید(۱) و فرزندان مجدد، اموال و حقوق شرعی را به آقای صدر و حوزه ایشان تحویل دادند. سید اسماعیل در سال ۱۳۰۴ ه . ق بیمار شد و برای درمان به کاظمین رفت، ولی در سال ۱۳۳۸ ه . ق در همان جا دار فانی را وداع گفت و در آرامگاه خانوادگی صدر، در کنار جدشان، امام موسی بن جعفر به خاک سپرده شد.(۲)

۳. سید حیدر صدر

۳. سید حیدر صدر

سید حیدر، پدر شهید سید محمدباقر صدر در سال ۱۳۰۹ ه . ق در شهر سامرا دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۱۴ ه . ق همراه پدرش، سید اسماعیل به کربلا مهاجرت کرد. در آنجا درس مقدمات و علوم عربی را نزد تعدادی از علما و درس خارج را نزد سید حسین فشارکی، آیت الله حائری یزدی و سید اسماعیل صدر (پدرش) آموخت و در جوانی از عالمان مشهور شد. او از بزرگ ترین مراجع شیعه در روزگار خود بود و در نهایت پارسایی

۱- نشریه حوزه، ش ۲، ص۳۴۳.

۲- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۳۱.

می زیست. سید حیدر، در شب پنجشنبه ۲۷ جمادی الثانی سال ۱۳۵۹ ه . ق در کاظمین دعوت حق را پاسخ گفت و او را در آرامگاه خانوادگی صدر به خاک سپردند.(۱)

مادر شهید صدر

مادر شهید صدر

مادر شهید صدر، دختر آیت الله شیخ عبدالحسین آل یاسین بود. ایشان از فقیهان برجسته عصر خویش بود که پس از دانش اندوزی در کاظمین، سامرا و کربلا، به مرتبه والای اجتهاد رسید. سپس به کاظمین بازگشت و از مراجع آن دیار شد.(۲) این بانوی بزرگوار، نمونه ای از اخلاص و پرهیزکاری و سرشار از عشق به خداوند متعال، پیامبر و خاندان گرامی اش بود. او حتی در سال های آخر عمر خود که به شدت بیمار بود، به کمک دخترش، بنت الهدی، با تحمل رنج های فراوان به زیارت مراقد مطهر مشرّف می شد. همواره قرآن همدم او بود و لحظه ای از آن جدا نمی شد. وی همیشه در حال ذکر و تسبیح خداوند بود و در روزگار حبس در خانه، تظاهر به تندرستی می کرد و هرگز از کمبود مواد دارویی شکایتی نداشت تا سید محمدباقر متوجه درد ایشان نشود و آزار نبیند.(۳)

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۳۶.

۲- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۴۰.

۳- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۴۱.

تولد و دوران کودکی

تولد و دوران کودکی

سید محمد باقر در بیست و پنجم ذیقعده(۱) سال ۱۳۵۳ ه . ق در شهر کاظمین دیده به جهان گشود. وی دومین فرزند خانواده بود.(۲) پیش از سه سالگی سید محمد باقر، سید حیدر دار فانی را وداع گفت و او از نعمت پدر محروم شد.(۳) از آن سال به بعد، نقش مؤثر مادر گرامی و برادر بزرگ ترش، سید اسماعیل در تربیت او بیش از پیش نمایان است. از سوی دیگر، دایی های سید محمد باقر نیز آغوش گرم و پرمحبت خود را به روی او گشودند و به تعلیم و تربیتش اهتمام ورزیدند. دایی ارشدش، شیخ محمد رضا آل یاسین، بزرگ خاندان آل یاسین، وی را مشمول عنایت و محبت خویش ساخت و دایی دیگرش، شیخ مرتضی آل یاسین همانند شیخ محمدرضا و بلکه بیشتر، به محمدباقر توجه و مهربانی داشت و در زمینه های علمی، اجتماعی و سیاسی زندگانی این شهید وارسته، نقش ارزنده ای ایفا کرد. البته این حمایت ها جنبه مالی نداشت؛ زیرا خود آنان نیز در فقر می زیستند و در میان مردم به ثروتمندی شهره نبودند. ازاین رو، سید محمد باقر نیز در فقر و تنگ دستی زندگی می کرد.(۴)

همسر شهید صدر

همسر شهید صدر

سید محمد باقر صدر با دختر عموی خود، فاطمه، خواهر امام موسی صدر

۱- بیست و پنجم ذیقعده، روز دحوالارض و سالروز تولد ابراهیم خلیل و عیسی بن مریم است.

۲- سید کاظم حسینی حائری، مباحث الاصول، قم، ۱۴۰۷ ه . ق، مقدمه، ص۳۳.

۳- محمد حسن رجبی، علمای مجاهد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ج۱، ص۲۹۳.

۴- محمد باقرالصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، صص۴۶-۴۸.

ازدواج کرد و حاصل آن، پسـری به نام جعفر و پنج دختر به نام های مرام، حوراء، صـباح، نبوغ و اسماء است.(۱) فاطمه صدر، پس از شـهادت ایشان در کاظمین زندگی می کرد، ولی در جریان اشغال عراق به دست نیروهای امریکایی و انگلیسی در سال ۱۳۸۱، زخمی شـد و مـدتی برای درمـان در تهران بـه سـر برد. از پـاییز سـال ۱۳۸۳ تـاکنون نیز به همراه پسـرش، سـید جعفر و دخترانش از جمله سید مرام صدر (همسر سید مقتدا صدر) به شهر مقدس قم مهاجرت کردند.(۲)

۱- جویس. ان. ویلی، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، ج۱، ص۱۰۸.

۲- مصاحبه نویسنده با دوستان خانوادگی صدر.

فصل دوم: زندگی علمی شهید صدر

اشاره

فصل دوم: زندگی علمی شهید صدر

زیر فصل ها

تحصیل

دوره های تحصیل

استادان شهید صدر

اجتهاد

تدریس

شاگردان برجسته شهید صدر

ویژگی های تدریس

نظر شاگردان نمونه شهید صدر درباره روش تدریس ایشان

تحصیل

تحصیل

سید محمد باقر در سال های ابتدایی تحصیل، با هوش و استعداد سرشار خدادادی، مایه شگفتی آموزگاران و هم کلاسی های خود بود؛ به گونه ای که اولیای مدرسه تصمیم گرفتند او را به مدرسه تیزهوشان معرفی کنند تا با هزینه دولت درس بخواند و سپس برای گذراندن رشته های علوم جدید به دانشگاه های اروپا یا امریکا فرستاده شود. با وجود این، ایشان به یادگیری علوم دینی علاقه بیشتری داشت. افزون بر آن، مادر و برادر بزرگ ترش، سید اسماعیل، رضایت ندادند وی با پول دولتِ وابسته به غرب و دست اندرکارانِ خودباخته آموزش و پرورش آن روزِ عراق، درس بخواند.(۱) سرانجام سید محمدباقر با راهنمایی دو دایی فقیه و دانشمندش، آیت الله شیخ محمدرضا آل یاسین و آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین به فراگیری علوم دینی و دروس حوزوی پرداخت.(۲)

۱- مصاحبه نویسنده با دوستان خانوادگی صدر.

۲- مصطفی قلی زاده، شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص۲۳.

شهید صدر تا سیزده سالگی در کاظمین بود و فراگیری علوم دینی را نزد برادرش سید اسماعیل آغاز کرد و دیگر کتاب های دوره مقدماتی را با شوق و تلاش بسیار در مدت کوتاهی خواند و به پایان رساند.(۱) او در نه سالگی به مدرسه «منتدی النشر الامتدائیه» وارد شد که آن را سیدمرتضی عسکری و مرحوم احمد امین در سال ۱۳۶۲ ه . ق تأسیس کرده بودند. سید در همین دوران، توجه هیئت علمی مدرسه و مدیران آن را برانگیخت و آنان نیز به نبوغ سرشار وی پی بردند.(۲)

معلمان شهید صدر با دیدن تلاش ها و نگرانی های فکری وی درمی یافتند که ایشان در آن سن کم، افزون بر مطالعات متنوع و اطلاعاتش درباره مسائل فکری اندیشمندان غرب، در زمینه فلسفه مارکسیسم آگاهی فراوانی دارد.(۳)

در مرحله بعدی زندگی سید محمد باقر، با مهاجرت وی به نجف اشرف، افق های جدید علمی و فکری پیش رویش گشوده شد؛ زیرا در آن زمان، نجف از نظر علمی بر کاظمین پیشی گرفته بود.(۴)

دوره های تحصیل

دوره های تحصیل

تحصیلات علوم دینی، در نجف در سه مرحله صورت می گرفت و هر طلبه بایـد این مراحل را به ترتیب پشت سر می نهاد و آن گاه وارد مرحله بالاتر

۱- مصطفی قلی زاده، شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص۲۴.

۲- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، ص ۵۸.

۳- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، ص۵۹.

۴- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، ص۵۹.

می شد.(۱)

مرحله اول، دروس مقدماتی بود که صرف و نحو، بلاغت، منطق و برخی کتاب های فقهی را دربر می گرفت. مرحله دوم، دروس متوسط بود که در حوزه های علمیه به آنها «سطوح» گفته می شد و شامل دروسی از فقه، اصول، کلام، حدیث و رجال بود. مرحله سوم، دروس عالی بود که در حوزه های علمیه از آنها به «بحث خارج» تعبیر می شد.

شهید صدر، دروس مقدماتی را پیش از مهاجرتش به نجف اشرف، در کاظمین، به همت و اراده خویش و کمک برادرش سید اسماعیل به پایان رسانید.(۲) او دوره سطح را نیز این گونه و با بهره گیری از محضر تعدادی از استادان ادامه داد؛ از جمله مدت کوتاهی در درس اللمعه الدمشقیه استاد شیخ محمد تقی جواهری (م. ۱۳۴۱ ه . ق) در مدرسه «الخلیلی الکبری» حضور می یافت.(۳) این شهید بزرگوار، فلسفه اسلامی را از مرحوم شیخ صدرا بادکوبه ای فراگرفت و در کنار آن در طول سال ها، به تحقیق و نقد فلسفه غرب و دیدگاه های فیلسوفان غیرمسلمان پرداخت.(۴)

او در علوم دیگر چون حدیث، رجال، کلام، درایه و تفسیر نیز سال ها به تحقیق و مطالعه روزگار گذراند و به کمال رسید. شهید صدر با وجود بهره مندی از هوش و استعداد و نبوغ بسیار بالا، روزانه شانزده ساعت مطالعه

۱- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، صص۵۹ و ۶۰ .

۲- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، ص۶۳ .

۳- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، ص۶۳ .

۴- علمای مجاهد، ص۲۹۳.

و تحقیق می کرد.(۱) خود همیشه می گفت: «من به اندازه چند طلبه درس خوان تلاش می کنم.» در سایه این پشتکار جانانه، بر همه مشکلات چیره شد و در راه کسب فضیلت و دانش به مقامی والا رسید؛ به گونه ای که بسیاری می گویند آن شهید بزرگوار از هنگام بلوغ شرعی خود، مجتهد شده بود و از مجتهد دیگری تقلید نمی کرد.(۲)

صدر در مرحله سطح عالی یا درس خارج نیز بیشتر از استعدادهای شخصی خود کمک می گرفت و در عین حال در دروس مکاسب و کفایه الاصول برخی استادان حاضر می شد.(۳)

استادان شهید صدر

استادان شهید صدر

شهید صدر با وجود استعدادهای ذاتی که بیشتر درس ها را به مدد آن، خود مطالعه می کرد، برخی دروس را در محضر استادانی چند آموخته است که به معرفی آنها می پردازیم:

استاد شیخ محمدتقی جواهری، یکی از استادان شهید صدر بود که جزء اول کتاب کفایه الاصول و بخشی از کتاب لمعه را به ایشان آموخت. استاد سید محمدباقر الشخص نیز یکی از استادان شهید است که شهید، بخش دیگری از کتاب کفایه الاصول را نزد وی فراگرفت. شیخ محمدرضا آل

۱- مباحث الاصول، مقدمه، ص۴۴.

۲- مباحث الاصول، مقدمه، ص۵۲.

۳- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، ص ۶۴ .

یاسین، دایی شهید صدر نیز از آموزگاران او به شمار می آید. شهید صدر، بخش دوم کتاب کفایه الاصول و اسفار اربعه را در محضر آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای آموخت. آیت الله شیخ عباس الرمیثی و آیت الله سید ابوالقاسم خویی نیز از استادان او به شمار می آیند.(۱) استاد سید محمد روحانی، استاد دیگر شهید صدر بود که او در درس کفایه الاصول و مکاسب ایشان حاضر می شد.(۲)

اجتهاد

اجتهاد

زمانی که شیخ آل یاسین از دنیا رفت (۱۳۷۰ ه . ق)، شیخ عباس الرمیثی، رساله آل یاسین به نام بلغه الراغبین را شرح و تعلیق کرد و چون به زیرکی و نبوغ سید محمدباقر اعتقاد داشت، از او خواست در این کار یاری اش دهد و در استنباط شرکت کند. در جریان این امر، شیخ عباس الرمیثی به شهید صدر گفت: «به یقین، تقلید برای تو حرام است» و بدین ترتیب، اجازه نامه اجتهاد شهید صدر را امضا کرد. شهید صدر خود نیز بعدها گفته بود: «از زمانی که به سن بلوغ رسیده ام، از کسی تقلید نکرده ام.»(۳) البته شهید صدر در این زمان

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، صص ۴۶ _ ۴۸.

۲- محمدباقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، ص۶۴ .

۳- سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۴۸.

(زمان دریافت امضای اجازه نامه اجتهاد) هفده سال داشت.(۱) مرجعیت یافتن ایشان در ۳۸ سالگی (در سال ۱۳۹۰ ه . ق پس از رحلت آیت الله حکیم) همانند رسیدن به درجه اجتهادش پیش از بلوغ شرعی بسیار شگفت انگیز می نمود.(۲)

تدریس

تدریس

سید محمدباقر صدر از بیست سالگی با تدریس کتاب کفایه الاصول، تعلیم و تربیت طلبه های جوان را آغاز کرد. او از ۲۵ سالگی به تدریس خارج اصول و از ۲۸ سالگی به تدریس دوره خارج فقه بر اساس کتاب العروه الوثقی اثر سید محمدکاظم یزدی رحمه الله پرداخت. ایشان بعدها به تدریس فلسفه و تفسیر قرآن نیز پرداخت.(۳) به طور کلی، شهید صدر دو محفل تدریس داشت.(۴) بحث اصول که بعد از اذان مغرب به مدت یک ساعت در روزهای درسی هفته، در «مسجد جواهری» تشکیل می شد و بحث فقه که ساعت ده صبح هر روز درسی در «مسجد شیخ طوسی» برقرار بود.

شهید صدر پیش از رسیدن به درجه مرجعیت، مباحثه های مهمی را در روزهای وفات ائمه با طلبه هایشان ترتیب می داد. برخی شاگردان وی که آن

۱- سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۴۸. البته در مباحث الاصول، مقدمه، ص۵۲ آمده است: وی از هنگام بلوغ شرعی خود مجتهد شده بود و از مجتهد دیگری تقلید نکرده است. در کتاب محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، ص۷۴ نیز این مطلب آمده است.

۲- روزنامه جوان ۱۹/۱/۱۳۷۸.

۳- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه، گلشن ابرار، نشر معروف، ج۲، ص۸۳۳ .

۴- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۸۸ .

گفت وگوها را ضبط می کردند، بعدها آنها را در قالب کتابی با نام اهل البیت تنوع ادوار و وحده هدف به چاپ رساندند. همچنین بخش گسترده ای از مباحث فقهی و اصولی ایشان ضبط شد که پس از شهادتش، رژیم بعث آنها را مصادره کرد و تنها بخش اندکی از آن، نزد شاگردان شهید باقی ماند.(۱) از آن میان به تقریرات درس اصول ایشان در کتابی با عنوان جواهر الاصول و تقریر بحث فقهی احیاء الموات می توان اشاره کرد که آیت الله انصاری اراکی آنها را گردآوری کرده است.

شاگردان برجسته شهید صدر

شاگردان برجسته شهید صدر

شهید صدر در مدت سی سال آموزش و تدریس، شاگردانی جوان، پژوهشگر، پرشور، پرهیزکار، مجاهد و سیاست مدار تربیت کرد که هر یک از آنان بعدها پرچمدار نشر فرهنگ و علم و آیین جهاد در راه خدا شدند و پس از استادشان، راه علمی، فکری و سیاسی ـ اجتماعی ایشان را ادامه دادند، مانند:

۱. سید محمدباقر حکیم

۲. شیخ مهدی آصفی

۳. سید کاظم حسینی حائری

۴. شیخ محمدابراهیم انصاری

۵. سید محمود هاشمی شاهرودی

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، صص۸۸ و ۸۹ .

۶ . سید عبدالغنی اردبیلی

۷. شیخ غلام رضا عرفانیان

۸ . شیخ محمدرضا نعمانی

۹. شیخ محمدعلی تسخیری

۱۰. سید نورالدین اشکوری

۱۱. سید کمال حیدری

آیت الله سید کاظم حسینی حائری و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، برجسته ترین شاگردان شهید صدرشمرده می شوند که به درجه اجتهاد رسیدند.(۱)

ویژگی های تدریس

ویژگی های تدریس

گستردگی و گونه گونی دانش های سید محمدباقر صدر، محفل درسی ایشان را از دیگر محافل علمی نجف متمایز می ساخت. ایشان در زمینه های فقه، اصول، فلسفه، اقتصاد، منطق، اخلاق و تاریخ صاحب نظر بود و دیگر ویژگی ممتاز محفل درسی او، حاکم بودن منطق و برهان در مباحث به شمار می آمد.

تفاوت روش او در مباحث فقه و اصول با دیگر عالمان، در نوع بحث و ترتیب فنی آن بود. او جنبه ها و موضوع های آمده در سخنان دیگران را تقسیم می کرد به ویژه مسائل پیچیده ای را که فهمشان دشوار و احتمال اشتباه در آنها بسیار زیاد بود، با این شیوه به روشنی بیان می کرد و با منطق و استدلال به

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۵۲.

آنهـا پاسـخ می داد؛ به گونه ای که نظیر آن در محافل درسـی دیگران دیـده نمی شـد. شـهید صـدر بـا هر مسـئله ای به روش اسـتدلالی دقیقی برخورد می کرد و می کوشـید در بحث، طلبه هـا را برای ادامه مبـاحثه تحریـک کنـد و بـدین ترتیب آنهـا را کاملاً وارد بحث می کرد.(۱) او بسیاری از اندیشه وران و عالمان دینی را مجذوب خود کرده بود؛ از جمله دکتر محمد شوقی الفنجری، اسـتاد علم اقتصاد و مشاور انور سادات ــ رئیس جمهور وقت مصـر ــ سـخت تحت تأثیر انـدیشه های ناب و شـفاف شهید صدر قرار گرفته بود. او وقتی فهمید شـهید صدر در هیچ دانشـگاهی تحصیل نکرده و مسجد، تنها دانشگاه او بوده است، شگفت زده شد و گفت: «مساجد، صدها بار از دانشگاه های جهان بهترند.» وی همچنین از دریافت های ژرف و بی نظیر او و از تازه ترین نظریه های پیچیده ریاضی در کتاب الاسس المنطقیه شگفت زده شده بود.(۲)

نظر شاگردان نمونه شهید صدر درباره روش تدریس ایشان

نظر شاگردان نمونه شهید صدر درباره روش تدریس ایشان

آیت الله سیدکاظم حسینی حائری در مورد روش تدریس استادش چنین می گوید:

بحث علمی اسـتاد شهیدمان شهید صدر، [در مقایسه با دیگر] مباحث موجود علمی متعارف، از یک سو با مشخصه هایی چون دقت و عمق، کم نظیر بود و از سوی دیگر، در تمامی جوانب مسـئله مورد بحث، وسـعت و شـمول داشت، تا جایی که محققی جدیـد، کمتر به راهی در جهت توسـعه یا عمقی بیشتر از آنچه که اسـتاد فرموده بود، دست می یافت. مباحث ایشان به آنچه از فقه و اصول در آن زمان در نجف اشرف متداول بود، محدود نمی شد، بلکه شامل

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۸۴.

۲- آرش مردانی پور، میعاد با سپیده گشایان، قم، سماء، ج۱، ۱۳۸۰، ص۱۳۱.

دیگر مسائل اسلامی چون فلسفه، اقتصاد، منطق، اخلاق و تاریخ نیز می شد و در تمامی این مسائل نیز [دو]مشخصه عمق و شمول به چشم می خورد.(۱)

ایشان در جای دیگر به این نکته اشاره می کند که «درس شهید صدر، در عرض پنج سال، هر طلبه ای را مجتهد می کرد».(۲)

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، دیگر شاگرد برجسته شهید صدر نیز می گوید:

حقیقت این است که [دست یابی به مرتبه ها و] ابعاد [وجودی]این عالِم ربانی، برای احدی در چنین مدت تحصیل میسر نیست.[با وجود این، نمی توان]بارزترین نشانه های مکتب علمی و فکری ای را که ایشان به وجود آورد و بر اساس آن نسلی از فرهنگیان، روشن فکران و عالمان فی سبیل الله را تربیت نمود، نادیده گرفت. مهم ترین ویژگی های مکتب علمی و روش تدریس وی عبارتند از: فراگیری و احاطه به تمامی احتمالات موجود بحث موردنظر، نقد کردن و نظر دادن [برای]راه حل آنها، ابداع در مسائل مختلف، دقت فراوان و حفظ ترتیب فنی مباحث، تفکیک مباحث دیگران به ویژه مسائل پیچیده ای که مطرح کرده اند، غلبه منطق و عقل در مباحث، ذوق هنری و احساس عقلایی داشتن در مباحث.(۳) به عبارت دیگر، تدریس ایشان دارای این ویژگی ها بود: دقیق، عمیق، فراگیر و همه سونگر.(۴)

۱- آرش مردانی پور، میعاد با سپیده گشایان، قم، سماء، ج۱، ۱۳۸۰، ص۵۲.
۲- سید کاظم حسینی حائری، زندگی و افکار شهید صدر، ترجمه: حسن طارمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج۱، ۱۳۷۵، ص۵۳.
۳- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، صص ۸۲ _ ۸۶ .
۴- نشریه حوزه، ص۱۸.

فصل سوم: آثار و نگاشته ها

اشاره

فصل سوم: آثار و نگاشته ها

وسعت دانسته ها و مهارت سید محمدباقرصدر در بسیاری از زمینه های علمی، قدرت نوآوری او در تولید افکار جدید و استادیِ علومی که در نجف اشرف ناآشنا بود و نیز تفکر مستقل و نوین شهید، همگی از عواملی شمرده می شد که تنوع و فراوانی آثار شهید صدر را درپی داشت. اگر عمر کوتاه او مانع نمی شد، چه بسا آثار بیشتر و کامل تری از وی به جهانیان عرضه می شد؛ آثاری که در پدید آمدن آنها، شهید صدر به نیازها و شرایط زمان نظر داشت و درصدد بود به عنوان نماینده آیینی کامل، مسائل همه جانبه نیازهای جامعه بشری را پاسخگو باشد. البته بسیاری از آثار آن شهید والامقام، موقعیت مطرح شدن و چاپ را پیدا نکرد و به صورت جزوه هایی در دست طلبه های وی باقی ماند. جالب اینکه شهید صدر نخستین اثر خود را در هفده سالگی نوشت و در ۲۴ سالگی، کتاب گران سنگ فلسفتنا را به رشته تحریر درآورد.(۱)

آثار شهید

آثار شهید

نوشته های شهید صدر عبارت است از:

۱. فدک فی التاریخ

۲. غایه الفکر فی الاصول

۳. فلسفتنا

۱- اندیشه ماندگار، ج ۵، ص ۱۹ نقل از: آیت الله سنجری.

۴. اقتصادنا (دو جزء)

۵. الانسان المعاصر و المشکله الاجتماعیه

۶ . ماذا تعرف عن الاقتصاد الاسلامی

۷. المعالم الجدیده فی الاصول

۸ . البنک اللاربوی فی الاسلام

۹. بحوث فی شرح العروه الوثقی (پنج جزء)

۱۰. تعلیقه علی منهاج الصالحین

۱۱. الفتاوی الواضحه

۱۲. الاسس المنطقیه للاستقراء

۱۳. بحث حول الولایه

۱۴. بحث حول المهدی

۱۵. نظره عامه فی العبادات

۱۶. المرسل الرسول الرساله

۱۷. موجز احکام الحج

۱۸. تعلیقه علی بلغه الراغبین

۱۹. تعلیقات علی صلاه الجمعه من کتاب الشرائع

۲۰. تعلیقات علی کتاب الاسفار للملاصدرا فی الفلسفه

۲۱. دروس فی علم الاصول (چهار جزء)

۲۲. اهل البیت تنوع ادوار و وحده هدف

۲۳. التفسیر الموضوعی و سنن التاریخ(۱)

۲۴. المدرسه القرآنیه

۲۵. المدرسه الاسلامیه

۲۶. خطوط تفصیلی عن اقتصاد المجمع الاسلامی

شهید صدر آثار دیگری نیز داشت که رژیم بعث آنها را مصادره کرد. برای مثال، کتاب او درباره اصول دین که در دوران حصر نوشت. یا کتابی که در مورد تحلیل ذهن بشری بود.(۲)

معرفی کوتاه برخی آثار شهید صدر

اشاره

معرفی کوتاه برخی آثار شهید صدر

زیر فصل ها

۱. فلسفتنا

۲. اقتصادنا

۳. فدک فی التاریخ

۴. دروس فی علم الاصول (حلقات)

۱. فلسفتنا

۱. فلسفتنا

شهید محمدباقر صدر به پیشنهاد مرحوم آیت الله سید محسن حکیم، مرجع تقلید وقت، کتاب کم نظیر فلسفتنا را نوشت.(۳) این کتاب را از زبان خود شهید صدر معرفی می کنیم:(۴)

فلسفتنا، عبارت است از مجموعه مفاهیم اساسی در مورد جهان و روش تفکر در آن. این کتاب، به استثنای مقدمه به دو بحث تقسیم می شود؛ نظریه شناخت و مفهوم فلسفی جهان. بحث اول یعنی نظریه شناخت، دو هدف عمده را دنبال می کند:

۱- صـلاح الفرسان، حزب الدعوه الاسـلامیه حقائق و وثائق، چ ۱، ۱۴۱۹ ه . ق، سوریه، المؤسـسه العربیه للـدراسات و البحوث الاستراتیجیه، صص ۷۲ و ۷۳.

۲- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص ۸۹ .

۳- شهید سید محمد مهدی حکیم، التحرک الاسلامی فی العراق، ص ۶۰ .

۴- شهید سید محمدباقر الصدر، فلسفتنا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، صص۷و۸ .

و اینکه عقل به همراه معارف ضروریِ برتر از تجربه، اساسی ترین ملاک برای سنجش در تفکر بشری است؛ به گونه ای که هر ایده ای، خواه فلسفی و خواه علمی پذیرفته نمی شود، مگر آنکه ابتدا با این ملاک محک بخورد و درستی اش به وسیله آن ثابت شود.

حتی تجربه ای که مادی گرایان آن را اساسی ترین معرفت و ملاک اصلی برای سنجش معارف دیگر می پندارند، در حقیقت، ابزاری است برای یافته ها و ملاک عقلی. ازاین رو، نظریه مادی گرایی تجربی نیز از معیار عقلی بی نیاز نیست.

دو ــ بررسی ارزش شناخت بشری و اقامه دلیل بر اینکه شناخت، فقط وقتی ارزش می یابد که بر اساس منطق عقلی باشد و منطق دیالکتیک نمی تواند ارزش واقعی و درستی را برای معرفت بشری به ارمغان آورد.

بحث دوم، [یعنی مفهوم فلسفی جهان] در پنج مرحله [بررسی می شود]:

در مرحله اول، به [بیان] مفاهیم فلسفی مرتبط و مرزهای آن می پردازیم و به ارائه توضیحاتی [درباره] بحث [بسنده]می کنیم.

در مرحله دوم، به بررسی تفصیلی اصل دیالکتیک، به عنوان مشهورترین منطقی که امروزه مادی گرایی بر آن استوار است، با تمامی [جنبه هایی] که هگل و کارل مارکس برای آن ترسیم کرده اند، می پردازیم.

در مرحله سوم، مبدأ علیت و [قانون هایی را] که بر عالم حاکم است و تفسیر فلسفی کامل آن را [بررسی می کنیم]و به برخی [شبهه های]فلسفی پاسخ می دهیم که [به علت] تحولات علمی نوین، ایجاد شده است.

مرحله چهارم را به بحثی با عنوان ماده یا الله اختصاص دادیم. در این

بحث، نزاع میان تفکر مادی و تفکر توحیدی بررسی می شود و پس از آن، به بیان نگرش توحیدی مان درباره جهان [با رعایت] قوانین فلسفه و علوم مختلف طبیعی و انسانی خواهیم پرداخت.

در مرحله آخر، مهم ترین مشکل فلسفی موجود؛ یعنی مشکل ادراک بررسی می شود. بدون تردید، این مسئله، یکی از جلوه های تضاد میان مادی گرایی و متافیزیسم است. این بحث، ماهیت فلسفی دارد که البته از داده های علوم مرتبط با پزشکی، ریاضی و روان شناسی استفاده می شود.(۱)

اکرم زعیتر، اندیشمند اردنی درباره این کتاب می گوید:

فلسفتنا در هماوردگاه کشمکش فکری جاری میان جریان های مختلف فلسفی [به ویژه میان] فلسفه اسلامی و ماتریالیسم دیالکتیک مارکسیستی، پژوهشی [منطقی و علمی به شمار می رود]. این پژوهش، رنگ دفاع داغ منطقی از متافیزیک یا الهیات به خود گرفته تا آنجا که می توان گفت کوشش فلسفی ـ منطقی [موفقی] در برانداختن پایه های فلسفه الحاد است. من معتقدم که دیالکتیک مارکسیستی، با مناقشات فلسفی آگاهانه و خوش فهم و با پاسخ های کوبنده علمی از سوی هیچ یک از نویسندگان فیلسوف عرب درگیر نبوده است؛ چنان که با این کتاب درگیر بوده و کوبیده شده است.(۲)

۲. اقتصادنا

۲. اقتصادنا

شهید صدر پس از تألیف فلسفتنا، به نگارش کتاب اقتصادنا پرداخت. این کتاب پرارج، نخستین اثری است که ساختار اقتصادی اسلام را در طرحی

۱- شهید سید محمدباقر الصدر، فلسفتنا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، صص۷و۸.

۲- الحیاه، ش۴۲۹۴، ۲۳/۴/۱۹۶۰؛ به نقل از: میعاد با سپیده گشایان، ص۱۴۵.

علمی و محققانه ارائه کرده(۱) و در سه فصل تنظیم شده است:

در فصل اول، به بررسی مکتب مارکسیسم می پردازد. پشتوانه علمی این مکتب در مادی گرایی تاریخی (ماتریالیسم) نمودار شده است. ازاین رو، او ابتدا این پشتوانه فکری را بررسی می کند و پس از آن به نقد مکتب مارکسیسم و ویران ساختن پایه های علمی خیالی ای می پردازد که هستی مکتب مارکسیسم بر اساس آن بنا شده است. در فصل دوم، شهید صدر، سرمایه داری و نقد پایه های آن و نیز شرح رابطه سرمایه داری با علم اقتصاد را بیان می کند.

در فصل سوم، اقتصاد اسلامی را دقیق و روشن بیان می کند. بدین منظور، ابتدا به بررسی مجموعه اندیشه های بنیادین این اقتصاد و سپس به شرح تفصیلی دیگر اصول می پردازد. نویسنده به این مطالب اشاره می کند که نظام توزیع و تولید با مفاهیمی مانند تعادل، تأمین اجتماعی، حدود مالکیت خصوصی، سیاست مالی و اختیارات حکومت در زندگی اقتصادی و نیز عناصر تولید مانند کار، سرمایه، وسایل تولید و حق هر یک از آنها در ثروت تولید شده و مسائل مختلف دیگر، همگی در ترسیم تصویری کامل و مشخص از اقتصاد اسلامی نقش دارند.(۲)

شهید صدر در بخش اول، به بررسی و نقد روشن بینانه مکتب های

۱- التحرک الاسلامی فی العراق، ص۲۱.

۲- سید محمدباقر الصدر، اقتصادنا، مکتب الاعلام الاسلامی، فرع خراسان، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ ه . ق، ص ۴۸.

اقتصادی شرق و غرب می پردازد و آنها را بی ارزش و مردود می داند و در بخش دوم، نظام اقتصاد اسلامی را به طور مفصل طرح می کند.(۱) شهید صدر در این کتاب، با بیان چند دلیل به اثبات می رساند که توانایی اسلام در اجرای طرح های توسعه اقتصادی در جهان اسلام و اداره زندگی بشر، بیشتر از دیگر مکتب هاست. ایشان توضیح می دهد که کار محقق درباره مکتب اقتصادی اسلام، اکتشاف است، نه ایجاد و اختراع.(۲)

۳. فدک فی التاریخ

۳. فدک فی التاریخ

کتاب فدک، یکی از نوشته های ارزشمند شهید صدر است که در هفده سالگی آن را نوشته و در موضوع خود، یکی از ابتکاری ترین کتاب هاست.

شهید صدر با این کتاب، افزون بر اینکه در آغاز جوانی، نبوغ و توان فکری خود را در تحلیل رویدادهای تاریخی نشان داده، نگرانی های اصلی خود را هم در پاسداشت حریم اهل بیت علیهم السلام به نمایش گذاشته است. از دید او، موضوع فدک، موضوعی کاملاً سیاسی است، نه صرفاً اختلافی درباره مالکیت آن.

مطالب این کتاب در پنج فصل گردآوری شده است. شهید صدر در فصل اول کتاب، حرکت حضرت زهرا علیهاالسلامرا قیامی بزرگ می داند که با تمام وسعت و ژرفای غم انگیز خود در تاریخ ثبت شده است. او سپس به شرح صحنه های این قیام می پردازد. در فصل دوم، تاریخچه سیاسی فدک را بررسی

۱- التحرک الاسلامی فی العراق، ص۲۱.

۲- «معرفی کتاب اقتصادنا»، اندیشه ماندگار، ش۴و۵.

می کنـد و دست به دست گشـتن آن را میـان خلفـا و خانـدان اهل بیت علیهم السـلامـی کاود. فصل سوم، فصل قیام است که نگارنده آن، رقابت سیاسـی خلفا با حضـرت علی علیه السـلام و نقش آنان را در زمینه سازی برای خلافت امویان توضـیح می دهد. در فصل چهارم، بخش هایی از خطبه حضـرت زهرا علیهاالسلام تجزیه و تحلیل می شود و سرانجام در فصل پنجم، شهید صـدر به ارزیـابی نهـایی مـاجرا می پردازد و در پایـان این فصـل نیز اسـتناد حضـرت زهرا علیهاالسـلام به قرآن را برای دفاع از ولایت توضیح می دهد.(۱)

۴. دروس فی علم الاصول (حلقات)

۴. دروس فی علم الاصول (حلقات)

این کتاب، سلسـله درس هایی در علم اصول فقه است که آیت الله شـهید سـید محمدباقر صدر به عنوان متن کتاب درسی طلبه های علوم دینی در مرحله مقدماتی (سـطح)، به جای کتاب های درسی قدیم نظیر معالم، رسائل و کفایه، در سه بخش یا حلقه نوشته است.

او معتقـد بود کتـاب هـای درسـی قـدیم، با انگیزه و بیان دیـدگاه های مؤلف و افکار او در مسائل مختلف اصولی بوده و برای تـدریس گردآوری نشده است. پیداست چنین کتاب هایی شایسـتگی این را ندارند که از آنها به عنوان کتاب درسـی اسـتفاده شود، اگر چه از لحاظ علمی ارزش بسیار بالایی دارند.

حلقه های سه گانه این کتاب، همگی روش و برنامه یکسانی دارند و هر کدام از آنها، علم اصول را به صورت کامل در برمی گیرد، ولی عرضه مطالب از نظر کمی و کیفی هم سطح نیست. محتوای حلقه اول، اشاره ای است به

۱- اندیشه ماندگار، ش۱، شهریور ۱۳۷۹، صص۳۸و۳۹.

مطالب و قواعد اصولی، بدون هرگونه استدلال تا آمادگی لازم برای ورود به مرحله بعدی که استدلالی است، به وجود آید. در حلقه دوم، پایه اول استدلال ارائه می شود و در حلقه سوم، پایه عالی استدلال که برای محقق ساختن هدف دروس سطح حوزه کفایت می کند. صاحبان فن معتقدند که این طرح، نیاز اساسی و نقص مهم برنامه درسی طلبه های علوم دینی را برطرف می سازد و می توان در علوم دیگر مانند علم فقه نیز از آن استفاده کرد.(۱)

ویژگی های برتر این کتاب به طور خلاصه عبارت است از:

الف) بیان نظام مند و فنی مسائل علم اصول با عنایت به شیوه های آموزشی؛

ب) به کارگیری نثری گویا و روان و پرهیز از عبارت ها و اصطلاحات پیچیده و معماگونه، به طوری که تنها نگرانی طلبه، درک مفهوم است، نه درگیری با لفظ و یافتن مرجع ضمیر؛

ج) توجه به مباحث اصولی جدید که در کفایه الاصول و فرائد الاصول به آنها پرداخته نشده است.

۱- اندیشه ماندگار، ش ۶ ، بهمن ۱۳۷۹، صص ۵۶ _ ۵۹.

فصل چهارم: ویژگی های اخلاقی شهید صدر

اشاره

فصل چهارم: ویژگی های اخلاقی شهید صدر

زیر فصل ها

زهد

عبادت

اخلاق نیک

صبر

عشق به اهل بیت علیهم السلام

استفاده بهینه از وقت

انس با قرآن

اهمیت دادن به مشورت

هم دردی با نیازمندان

زهد

زهد

شهید صدر، آیینه تمام نمای اخلاق اسلامی و انسانی بود. او زاهدی حقیقی و پیشوایی صالح برای پویندگان راه اهل بیت علیهم السلام به شمار می آمد. زهد شهید از روی فقر و در اختیار نداشتن مادیات نبود، بلکه زهدی کاملاً اختیاری بود که آن را با اقتدا به رهبر خویش، امام علی علیه السلامکه ندا می داد: «ای دنیا، دیگران را بفریب، نه مرا» برای خود برگزیده بود. دارایی شهید صدر پاک و عاری از سهم امام بود و تمکن مالی وی به دلیل دسترسی به اموال امام نبود. او با ثروت بسیار، در خوراک، پوشاک، خرید خانه و ماشین و... زهد می ورزید و این گونه کارها، او را در شمار بزرگان و شایستگان جای می داد.

شهید صدر با توجه به وضعیت اجتماعی زمان خود، در پوشاک مصرفی اش قناعت داشت؛ به گونه ای که ارزان ترین پارچه ها را انتخاب می کرد. همچنین هدایایی را که برایش می آوردند، به طلبه ها می بخشید و از هدایای گران بها چیزی برای خود نگه نمی داشت. لوازم خانه او بسیار اندک بود که البته بعد از شهادت، رژیم بعث آنها را نیز مصادره کرد. این شهید بزرگوار تا آخر عمر شریف خود خانه ای نخرید و می گفت هر وقت تمام طلبه ها از عهده خرید خانه برآیند، او هم خانه می خرد. بدین گونه بود که تا

زمان شهادت، صاحب خانه شخصی نشد.(۱)

شهید صدر اتومبیل نداشت و هنگامی که شخص نیکوکاری اتومبیل گران قیمت خود را به وی بخشید، در عین نیاز بسیار، آن را فروخت و پولش را میان طلبه ها و نیازمندان تقسیم کرد. او خانواده خود را هم بر همین رویه پرورش داده بود. شهید صدر در تمام کارها و رفتارهایش هدف داشت و در راه خدمت به دین مبین اسلام می کوشید. او معتقد بود که سطح زندگی مرجع نباید بالاتر از سطح زندگی تهی دستان باشد. ایشان به سبب پاره ای مسائل منفی و زیان بار که در رفتار بعضی افراد دیده می شد و مردم را بر ضد دین تحریک می کرد و اعتماد آنان را به عالمان دین سست می ساخت، در پی راهکارهای اصلاحی و اجرای آنها بود. هم سطح کردن زندگی خود با زندگی تهی دستان و طلبه ها یکی از این راهکارها، به شمار می آمد.

شهید صدر بسیار غم خوار مردم بود. گرفتاری های مردم را درمی یافت و از اوضاع و احوال آنها جویا می شد. با آنان هم دردی می کرد و برای حل مشکلاتشان تا حد امکان می کوشید. این روحیه مهربان و خستگی ناپذیر او سبب شده بود تا هر که وی را می بیند، دوستش بدارد و به طرزی عجیب دل باخته او شود.(۲)

عبادت

عبادت

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، صص ۱۱۲ _ ۱۱۷.

۲- میعاد با سپیده گشایان، صص۱۲۶و۱۲۷ مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

یکی از جنبه های زیبای زندگی شهید صدر، ایمان قوی و عبادت های خالصانه اوست. او در عبادت هایش بیشتر به حالات درونی آن اهمیت می داد تا مقدارش و ازاین رو، به واجبات و مستحبات مهم بسنده می کرد.

ویژگی برجسته در عبادت های شهید، اخلاص و جدایی کامل از هر چیزی جز خدا، برای رضای حق تعالی بود و تا حضور قلب تام نمی یافت، به راز و نیاز نمی پرداخت. او در شرایطی بحرانی و ناآرام می زیست و مشکلات بسیار و غم های فراوان زندگی اش را فرا گرفته بود؛ با این حال، روزی چندین مرتبه حالت انقطاع و خشوع را در خود ایجاد می کرد. شهید صدر، پیش از خواندن نماز چند لحظه به فکر فرو می رفت و پس از مدتی تفکر، ناگاه برمی خاست و نماز می خواند. در واقع، هرگاه مضطرب می شد، با این عمل، افکار نادرست را از ذهن آشفته خود بیرون می راند تا با اخلاص و صفای باطن، به درگاه خداوند نماز بگزارد.(۱)

اخلاق نیک

اخلاق نیک

در اخلاق شهید صدر، گوشه ای از اخلاق والای اهل بیت نمود داشت. هر کس به مجلس ایشان وارد می شد ــ چه عوام چه خواص ــ بی درنگ جذب منش عالی و اخلاق ناب او می گردید. شهید صدر، در بدو ورود هر فردی از هر طبقه و قشری، با احترام از جای برمی خاست و همواره لبخند بر لب هایش بود. مردم را از صمیم قلب دوست داشت و با همین محبت ها آنان را شیفته خود می ساخت.

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، صص۱۱۹-۱۲۱.

صبر

صبر

دیگر ویژگی مهم اخلاقی او که شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به یاد می آورد، بخشندگی او در عین ناداری اش بود. برای مثال، گاهی تمام دارایی اش را به کسی که برای طلب مال و کمک به خانه ایشان می آمد، انفاق می کرد و از کمیِ آن عذر می خواست.(۱)

فداکاری

از خودگذشتگی، خصلتی بود که از سال های جوانی و پیش از مرجعیت در وجود او پدیدار بود. دراین زمینه گاه با مرجعیت خود و گاه با نوشته های خود یا با مال و مقامش فداکاری می کرد که سرانجام با خون خود، این جانبازی را کامل کرد.(۲) نمونه ای از ایثارگری های این شهید بزرگوار ماجرایی است که آیت الله سید کاظم حائری آن را چنین نقل می کند:

استاد صدر روزی به بنده فرمود: به نظر بنده، آنچه ملت در این روزها به آن مبتلاست، همان بیماری است که در دوران امام حسین علیه السلامبه آن دچار بود [و آن]مرضِ بی ارادگی [است]. ملت عراق، حزب بعث و حکمرانانش را می شناسند و در فسق آنها شکی به خود راه نمی دهند، ولی کفر و ظلم و طغیان آنها را به مردم نادیده می انگارند؛ زیرا اراده ای را که باید [با]آن در راه خداوند جهاد [کنند،]از دست داده اند؛ اراده ای که [به کمک] آن بتوانند این گروه کافر را از حکومت خلع [کنند] و این کابوس ظلم را از خود دور [سازند].

ما باید این بیماری را درمان [کنیم] تا اراده و [انگیزه]زندگی کردن را، در [وجود]این ملت مرده به جریان اندازیم و این کار همان گونه انجام می پذیرد که امام حسین علیه السلام در آن دوران، بیماری ملت را با آن معالجه کرد [و

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، صص۱۲۵و۱۲۶.

۲- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۱۲۹.

آن]، جانبازی عظیمی است که احساسات را به لرزه درآورد و زندگی را به این ملت بازگرداند، همان که به برافتادن دولت بنی امیه انجامید. ما نیز باید با [بذل] جان [و] خون خود، در راه پیروزی دین اسلام [گام برداریم].

[وظیفه ما] امروزه این است که تعدادی از طلبه ها و یارانی که به راه و هدف، ایمان دارند و آماده فداکاری اند، جمع شوند تا با هم به صحن شریف [حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام] برویم و هم قسم شویم که زنده از صحن بیرون نخواهیم رفت. بنده علیه حکومت وقت خطبه [می خوانم و لازم است] طلبه های همراهم مرا یاری کنند تا علیه ظلم و ستم قیام کنیم. گروه ستمگر که ما با آنها مخالفیم، به مقابله با ما خواهند آمد و ما را در صحن شریف به شهادت [خواهند] رساند. در این میان، گروه سومی باید زنده بمانند و پس از ما، از ثمره های این جانبازی و فداکاری در جامعه استفاده مثبت [کنند]. [اجرای] این کار دو شرط دارد: یکی اینکه باید در حوزه علمیه، گروهی انجام این[گونه کارها را به عهده بگیرند]؛ زیرا اگر پس از این کار، حوزه در مقابل آن قرار گیرد و آن را عملی دیوانه وار یا مخالف با تقیه قلمداد [کند] و از این کار حمایت نکند، تأثیر آن بر مردم از بین می رود و نتایج مطلوبی به بار نمی آورد. شرط دوم این است که یکی از مراجع بزرگ قبل از انجام آن، [با چنین اقدامی موافقت کند] تا عمل به آن در ذهن مردم و ملت وجه قانونی کامل [داشته]باشد.

ایشان در ایجاد [زمینه های لازم برای عملی شدن] این دو شرط، تلاش های بسیاری کرد: شرط اول را نتوانست عملی کند؛ زیرا چنان [رعب و] وحشتی [بر جوّ جامعه]حاکم بود که [موقعیت] این کار در حوزه به وجود نیامد و در زمینه شرط دوم، وی معتقد بود یگانه مرجع قوی، امام خمینی رحمه الله [است].

وقتی به ایشان مراجعه [کردند] امام فرمود: «نمی دانم». و شاید معتقد بود [آثار]زیان باری که فقدان شهید صدر برای ملت عراق دارد، بسیار بیشتر از

فایده های آن است و بدین ترتیب، این گونه اعمال متوقف شد.(۱)

علت تردید حضرت امام خمینی رحمه الله در مورد تأثیر این اقدام ایثارگرانه در جامعه آن روز عراق آن بود که خود امام در آن هنگام در عراق می زیست. ایشان به وضع مردم آن دیار کاملاًـ آگاه بود و زمانی در دیدار معاودین عراقی با ایشان در سالگرد شهادت آیت الله صدر فرمود:

قبل از اینکه تبعید شوم و منتهی بشود که به عراق بیایم، گمان می کردم که عشایر عرب که دارای سلاح هم بودند در مقابل این حکومت خواهند ایستاد... . لکن بعد از اینکه آمدم به عراق، تعجبم بیشتر شد که دیدم در حضور همین عشایر عرب و در حضور همان ملت، رئیس روحانی ملت عراق (شهید صدر) را محاصره کردند و تحت الحفظ به نجف آوردند و باید بگویم آن هم مظلومانه به شهادت رسید.(۲)

عشق به اهل بیت علیهم السلام

عشق به اهل بیت علیهم السلام

شهید صدر، اوصاف و اسماء حق تعالی را قله کمال انسان و امامان معصوم علیهم السلام را انسان هایی می دانست که به آن قله رسیده اند. به باور ایشان، باتقوایان باید با عشق و محبت خالص، به ائمه اطهار علیهم السلامنزدیک تر شوند و در همه عرصه های شخصی و اجتماعی زندگی، آنان را اسوه خویش قرار دهند.

شهید صدر به امیرمؤمنان علی علیه السلام بسیار دل بسته بود و در حرم آن بزرگوار به اندیشه و تأمل می پرداخت و گره های فکری خود را به مدد ایشان

۱- نک: الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، صص۱۳۴و۱۳۵.

۲- «یادمان سالگرد شهادت آیت الله صدر»، روزنامه سلام، ۱۹/۱/۱۳۷۸.

می گشود.(۱) از مادر شهید صدر نقل شده است:

ایشان در آغاز زندگی علمی خود هر روز به حرم حضرت علی علیه السلامعی رفت، نماز می گزارد و زیارت می[کرد]. سپس در حرم می نشست و به مسائل پیچیده می اندیشید و از [آن]حضرت که دروازه شهر دانش [است]، درخواست کمک [می کرد]؛ به گونه ای که حل هیچ مسئله ای برایشان در حرم حضرت علی علیه السلام مشکل نبود. چند وقتی شهید این مراجعه به حرم را ترک [کرد] و هیچ کس از این ماجرا آگاه نبود تا اینکه یکی از خادمان پدر شهید (که پس از وفات پدر شهید [آن زمان]خادم ایشان بود) در عالم رؤیا امیرمؤمنان علی علیه السلام را دید که فرمود: به فرزندم سید محمدباقر بگو چرا حضور در مجلس درس ما را ترک گفته است؟ خادم پس از بیداری این قضیه را برای شهید نقل [کرد] و این گونه بود که دیگران [نیز] از حضور [سید محمدباقر] در حرم حضرت علی علیه السلامآگاه شدند و شهید صدر [از آن پس]تا روز قبل از بازداشتش، در جلسات درس حضرت[امیرمؤمنان علی علیه السلامحاضر می شد].(۲)

ایشان مرجعیت خویش را با نام و یاد امام حسین علیه السلام و فرهنگ حماسه ساز حسینی درآمیخت و جلسه روضه خوانی سالار شهیدان را چهارشنبه هر هفته در خانه خویش برپا می کرد.(۳)

استفاده بهینه از وقت

استفاده بهینه از وقت

۱- مجله حوزه، ص۱۳.

۲- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، صص۷۹و ۸۰ .

۳- «با کاروان علویان»، روزنامه جوان، ۱۹/۱/۱۳۷۸.

نظم شـهید صـدر و بهره وری منـاسب ایشان از وقت، مطلبی است که تمام شاگردان وی بر آن صـحه می گذارنـد. او کمترین فرصت را نیز از دست نمی داد و عمر خود را در راه دانش آموزی و تدریس صـرف می کرد و زمان مرده برایش معنا نداشت. مصداق این سخن، خاطره آیت الله محمد علی تسخیری است:

متعارف بود که شهید صدر در [طول] مسیر خانه و مسجدی که در آن درس می گفت، مباحث آن روز و نیز چگونگی عرضه و بیـان آن را در ذهن خـویش مرور می کرد. به همین [سـبب] گـاهی ایشـان می آمـد، از جلو در مسـجد عبور می کرد و دور دیگری می زد تـا وقت درس برسـد و [تـا آن موقع] مطلب را کامـل تر در ذهنش دوره کنـد. ایشـان به برخی از شـاگردان که هنگام عبور و مرور این طرف و آن طرف را نگاه می کردنـد، اعتراض می کرد که چرا فرصتی را که در حال راه رفتن داریـد، ضایع می کنید و مسئله ای را در ذهنتان حلاجی نمی کنید و به راه حلش نمی اندیشید، شاید به راه حلی برسید.(۱)

انس با قرآن

انس با قرآن

شهید صدر هنگام قرائت قرآن دو عنصـر حضور قلب در پیشـگاه خداوند و جدایی از غیر خدا را مدنظر داشت و با تدبر بسـیار در معانی آیات، به قرائت می پرداخت و در تمامی مراحل زندگی خود برای عمل به آنها می کوشـید. ایشان در روزها و شـب های رمضانِ دوران حصـر در منزل، با صوتی حزین، قرآن می خوانـد و اشک می ریخت؛ به گونه ای که صـدایش قلب انسان را متأثر می ساخت. او با حالتی عجیب معانی قرآن را مدنظر داشت و

۱- اندیشه ماندگار، ج۴، ص۱۷، مصاحبه با آیت الله تسخیری، از شاگردان شهید صدر.

نوع لحن وی، دل هر شنونده ای را به لرزه درمی آورد.(۱)

اهمیت دادن به مشورت

اهمیت دادن به مشورت

شهید سید محمدباقر صدر در مهم ترین کارها و تصمیم هایش از روش شورایی بهره می گرفت. ایشان صاحب نظران و خبرگانی را که به آنان اطمینان داشت، گرد هم می آورد و اموری را که نیاز به نظر کارشناس داشت، برایشان مطرح می کرد. اگر در جمع، نظری بر خلاف نظریه شخصی او داده می شد و اکثریت با آن موافق بودند، آن را با احترام می پذیرفت.(۲)

هم دردی با نیازمندان

هم دردی با نیازمندان

شهید صدر از نظر مالی، در برخی موقعیت ها در تنگ دستی می زیست. با این حال همواره در فکر مستمندان بود و عقیده داشت اگر زمانی چیزی برای کمک به آنها نداشته باشد، کوچک ترین کاری که می تواند بکند این است که خود نیز مانند آنان زندگی کند. روزی یکی از طلبه ها به طور خصوصی به دیدن شهید آمد و از ایشان برای پرداخت هزینه عمل جراحی همسرش تقاضای کمک مالی کرد. این شهید بزرگوار در حالی که در وضعیت مالی خوبی نبود، به محض آگاهی از نیاز آن طلبه، صد دینار به وی داد و از کمی آن پوزش خواست و آن مرد با رضایت کامل و شاکرانه، خانه او را ترک کرد.

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۱۲۱.

۲- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص۱۲۴.

فصل پنجم: مبارزات سیاسی شهید صدر

اشاره

فصل پنجم: مبارزات سیاسی شهید صدر

زیر فصل ها

موقعیت سیاسی عراق

تأسیس حزب الدعوه

مبارزات شهید صدر با حکومت

بازداشت های شهید صدر

تلاش حکومت برای ترور شهید صدر

شهادت

شهید صدر، انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی رحمه الله

موقعیت سیاسی عراق

موقعیت سیاسی عراق

اوضاع و شرایط جامعه، نقش اساسی در تحریک یک مجاهد دارد. ازاین رو، برای درک صحیح فعالیت های مبارزاتی شهید صدر، لازم است موقعیت سیاسی عراق را در آن دوره بررسی کنیم.

مبارزات شهید صدر در دوره ای صورت گرفت که حزب بعث در عراق حاکم بود. این حزب شیطانی که ریشه در افکار میشل عفلق داشت، در سال ۱۹۶۸م. با کودتایی در عراق بر سر کار آمد و زمام حکومت را به دست گرفت. از آن پس، در راه دین زدایی و نابودی مراکز و پایگاه های مذهبی و حذف ارزش های والای اسلامی دست به هر جنایتی زد. حزب بعث در نخستین بیانیه خود اعلام داشت: «از جمله هدف های ما، نابودی ارتجاع مذهبی است.» ازاین رو، سازمانی با عنوان «سازمان مبارزه با ارتجاع مذهبی»، در بغداد تأسیس شد. این سازمان همانند شیوه رضاشاه در ایران و آتاترک در ترکیه، از برپایی مجالس مذهبی، از جمله برگزاری عزاداری حسینی جلوگیری می کرد و جوانانی را که به مسجدها و مجلس های عزاداری اهل بیت علیهم السلام رفت و آمد می کردند، تعقیب و بازداشت می کرد. همچنین برای از بین بردن روح ایمان و معنویت،

زمینه های فساد و فحشا را گسترش می داد.

حزب بعث به منظور تضعیف مقام مرجعیت شیعه و نابودی حوزه های علمیه بسیار کوشید؛ زیرا حوزه علمیه، تنها نهاد نیرومندی بود که با اندیشه های الحادی حزب بعث درگیری داشت. همچنین این سازمان، طرح «بعثی کردن آموزش و پرورش» را به اجرا گذاشت و برای ادامه کار معلمان و استادان، شرط عضویت در حزب بعث و آموزش آموزه های سوسیالیستی کمونیستی حزب به نوجوانان و جوانان را قرار داد.

در این دوره، افزون بر گسترش فساد و ایجاد فضای خفقان، حزب بعث برای پیش گیری از قیام مردمی، ملت عراق را با وجود ثروت سرشار ملی، به وادی فقر و فلاکت کشاند تا تمام همّ و غم آنها پرکردن شکم هایشان باشد و هرگز به فکر قیام و مبارزه نیفتند. حزب بعث برای رسیدن به اهداف شوم خود، همراه با این اقدامات، برای خالی کردن حوزه های علمیه عراق از نیروهای کارآمد و در نتیجه، ناتوان ساختن حوزه ها از ادامه راه، بسیاری از علما و طلبه ها را از عراق بیرون راند و پراکنده ساخت.

حزب بعث، برای کم کردن تعداد شیعیان و از هم گسستن جامعه و تشکیلات شیعی، بسیاری از شیعیان را به بهانه ایرانی الاصل بودن، از خانه و کاشانه خود آواره کرد و از عراق بیرون راند. همچنین برخی از طلبه ها را به بهانه وابستگی شان به احزاب دینی یا سرباز زدن آنان از انجام خدمت در نظام، تعقیب و اعدام کرد.(۱)

۱- میعاد با سپیده گشایان، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

تأسیس حزب الدعوه

تأسیس حزب الدعوه

شهید صدر با توجه به شرایط سیاسی آن زمان عراق، «حزب الدعوه الاسلامیه» را پایه گذاری کرد. این اقدام در زمان خود، با توجه به سطحِ فکر سیاسی آن دوره در حوزه های علمیه نجف اشرف، از شعور سیاسی عمیق ایشان حکایت می کرد.

آیت الله صدر برای آمادگی افکار عمومی، مقاله ای در وجوب برپایی حکومت اسلامی در عصر غیبت امام عصر عج الله تعالی فرجه الشریف نوشت.(۱) پس از آن، در ربیع الاول ۱۳۷۷ ه . ق با وجود مشکلات بسیار، «حزب الدعوه الاسلامیه» به همت و همکاری آیت الله صدر، شهید سید محمد مهدی حکیم، شیخ مهدی سماوی، شیخ عبدالهادی الفضلی و سیدطالب رفاعی تأسیس شد و خود آنان از نخستین اعضای حزب بودند.(۲) در اساس نامه ای که آیت الله صدر بر پایه باورهای اسلامی برای این حزب تنظیم کرده بود، محورهای فکری زیر به چشم می خورد:

۱. ایجاد تحول فکری و گسترش آگاهی های مؤثر و تربیت افرادی که مسئولیت تغییر فکری امت را برعهده گیرند.

۲. مبارزات سیاسی و نظامی (که در این مرحله بر جهاد سیاسی بر ضد دشمنان اسلام و بر رهبری توده مردم تأکید و از شیوه های مختلف سیاسی و نظامی به طور علنی و مخفی، استفاده می شود).

۳. رسیدن به قدرت و ایجاد حکومت اسلامی با رهبری مرجعیت.

۱- التحرک الاسلامی فی العراق، ص۳۷.

۲- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص۵۴.

۴. رسیدگی به مصلحت های اسلام و امت اسلامی، پس از به دست گرفتن قدرت.(۱)

آنچه ذکر شد، نظر شهید صدر در ابتدای مبارزه انقلابی خود بود که می توان از آن به عنوان راهبرد گام به گام یاد کرد. در ادامه راه، نظر ایشان تغییر کرد. نظر نهایی شهید صدر درباره مراحل چهارگانه پیش گفته، چنین بود:

اگر ما در کشوری می زیستیم که نظام دموکراسی بر آن حکم فرما بود و به حقوق و نظریه های ملت احترام می گذاشت و حکومت از طریق قتل و تبعید بی حساب، با افراد مقابله نمی کرد، امکان آن بود که تأسیس حزبی سیاسی را فرض کنیم؛ حزبی که با مقصدی معیّن و اساسی مخفیانه پی ریزی شود. سپس حرکت سیاسی خود را آشکارا انجام دهد، در راه جذب ملت به سوی خود بکوشد و آنان را به پذیرش و تأیید موضع های سیاسی خود فرا خواند.

در کشورهایی مانند عراق واقعیت چنین نیست. در این کشورها هرگاه قدرت حاکم از وجود حزبی اسلامی آگاه شود که با سازمان دهی، در راه کسب قدرت و حاکمیت بخشی به اسلام می کوشد، پیش از آنکه مردم به این حزب بگروند و با اهداف آن آشنا شوند، قدرت موجود به کشتار، تبعید، زندان و شکنجه همه دست اندرکاران حزب روی خواهد آورد و هر نوع حرکت مخالفی را در کشور، سرکوب خواهد کرد. ازاین رو، تا زمانی که تحول بین المللی در جهان پدید نیاید و محاسبات کنونی را بر هم زند، برای حزب این امکان نیست که از مرحله نخستین به مرحله بعدی برسد.(۲)

شهید صدر، به علت فعالیت های حزبی اش از سوی دو گروه در فشار

۱- زندگی و افکار شهید صدر، ص۹۶.

۲- زندگی و افکار شهید صدر، ص۹۷.

بود. گروهی، متحجران و مقدس مآبانِ عاجز از درک افکار شهید صدر بودند که گمان می کردند کسی مثل شهید صدر فقط باید مشغول درس و بحث و تدریس باشد و نباید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی دخالت کند. گروه دوم، رژیم سفاک بعث بود که وجود یک حزب اسلامی پرطرفدار و مخالف حکومت را برنمی تابید. نتیجه کار این گروه ها این بود که عده ای همواره نزد آیت الله العظمی حکیم، از شهید صدر بدگویی می کردند و حتی برنامه های عملی او را منجر به بی آبرویی حوزه علمیه می دانستند! آیت الله حکیم هم در پاسخ این افراد می گفت: آیا شما بیشتر از سید محمدباقر به مصلحت های حوزه می اندیشید و به آن دل سوزترید؟! سرانجام پس از گذشت پنج سال از فعالیت حزب، آیت الله حکیم که از اقدامات توطئه گران در مورد شهید صدر نگران بود، او را از ادامه همکاری با حزب برحذر داشت.(۱) شهید صدر هم با توجه به احترام ویژه ای که برای مرجعیت و شخص آیت الله حکیم داشت، خطاب به همکاران خود در حزب چنین نوشت:

حضرت آیت الله حکیم از من خواسته است که در این تشکیلات حضور رسمی نداشته باشم. من از این خواسته ایشان بوی ضرورت و الزام می شنوم. ازاین رو، دیگر خود را وابسته و منسوب به این سازمان سیاسی نمی دانم، ولی از شما می خواهم که این حرکت اسلامی را با پی گیری دقیق دنبال کنید و من در این اقدام ارزشمند پشتیبان شمایم.(۲)

شهید صدر پس از رحلت آیت الله حکیم و عهده دار شدن مرجعیت، از

۱- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، صص۵۶_۵۸.

۲- زندگی و افکار شهید صدر، ص۹۵.

دخالت در امور حزبی دوری می جست و معتقد بود مرجعیت، تنها باید ناظر و راهنمای احزاب سیاسی اسلامی باشد و خود، به طور مستقیم به کارهای حزبی نپردازد. در سال های آخر دهه نود قمری، حزب الدعوه و جامعه شیعه، از انقلاب اسلامی ایران تأثیر گرفت. دولت عراق نیز حزب الدعوه را همچون ستون پنجم می دانست که هدفش ادغام ایران و عراق بود(۱) و بر این اساس از هیچ اقدامی برای سرکوب آن دریغ نکرد.

مبارزات شهید صدر با حکومت

مبارزات شهید صدر با حکومت

آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، لحظه ای از مبارزه و تلاش برای سرنگونی رژیم فاشیستی عراق آسوده ننشست و با سخنرانی ها و فتواهای شجاعانه خود، در برابر طرح های شیطانی حزب بعث می ایستاد. پس از طرح «بعثی کردن آموزش و پرورش» که بر اساس آن، تمام دبیران و استادان باید به عضویت این حزب درمی آمدند و متعهد به آموزش افراد می شدند، شهید صدر فتوایی تاریخی و حماسی را به این بیان صادر فرمود:

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

به اطلاع عموم مسلمانان می رساند که پیوستن به حزب بعث، با هر عنوانی، شرعاً حرام و هرگونه همکاری با آن، به منزله یاری ظالم و کافر و دشمنی با اسلام و مسلمانان است.(۲)

شهید صدر، نخستین مرجعی بود که با صراحت، حزب بعث را تحریم و

۱- هرایر دکمجیان، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، ۱۳۷۷، چ۳، ص ۲۳۱.

۲- علمای مجاهد، ص ۲۹۴.

ضربه مهلکی به آن وارد کرد. یکی از سران حزب در این باره گفته بود:

فتوای سید محمدباقر صدر، همه نقشه های ما را نقش برآب کرد و هیچ کس جز عده کمی ترسو و بزدل، عضویت در حزب و همکاری با آن را در زمینه طرح بعثی کردن نظام آموزش و پرورش نپذیرفت و اجرای این طرح با شکست روبه رو شد.(۱)

بدین گونه حزب بعث، دشمن اصلی خود را شناخت.

در سال ۱۳۹۶ ه . ق هنگامی که استاندار نجف اشرف به خانه آیت الله صدر رفت، شهید عزیز خطاب به او فرمود:

شما چرا تمام شعایر اسلامی و هیئت های عزاداری امام حسین علیه السلام را ممنوع کرده اید؟ من به شما به صراحت می گویم که حاکمان بعث عراق، مانند یزید بن معاویه هستند که در زباله دان تاریخ مدفون گردیده است. شما مگر نمی دانید که یزید تنهاست و پیروانی ندارد، پس چرا راه یزید را پیش گرفته اید و با شعایر اسلام محاربه می کنید؟ مگر نمی دانید که امام حسین علیه السلام پیروز شد و یزید خسارت دید؛ زیرا امام حسین علیه السلام به هدفش که اسلام و قرآن بود رسید و اکنون پرچم اسلام در سراسر دنیا در اهتزاز است.(۲)

شهید صدر در جایی دیگر فرموده است:

من کنار ملت عزیزم هستم و تا آخرین نفس همراه فرزندان رشیدم مبارزه خواهم کرد. به خدا سوگند، شهادت در راه خدا آرزوی من است و مرگ برای من بسیار شریف است. من نمی توانم در برابر رژیم مزدور بعث عراق ساکت بنشینم، در حالی که با دین مقدس اسلام و تمام شعایر اسلامی محاربه می کنند و تمام کتاب هایی را که دارای افکار روشن فکرانه اسلامی است، منع کرده اند و جز تألیف و تدریس، نمی گذارند کار دیگری انجام دهم. ولی من نسبت

۱- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص۸۴ .

۲- کریم جوان شیر، نامداران راحل، زندگی نامه چهل تن از مشاهیر شیعه، تبریز، انتشارات سالار، ۱۳۷۵، چ۱، ص۲۸۷.

به اسلام احساس مسئولیت می کنم و وظیفه خود می دانم که تا آخرین قطره خون خود با رژیم دست نشانده امریکایی بعث عراق مبارزه کنم.(۱)

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شهید صدر برای شکستن سد رعب و وحشت مردم عراق، قیام مسلحانه را بر ضد حزب بعث و سرکرده های آن انتخاب کرد و چنین فتوا داد:

بِسْمِ اللّه ِالرَّحْمنِ الرَّحیم

بر همه ملت مبارز و مسلمان عراق واجب کفایی است که به قیام مسلحانه بر ضد حزب بعث و سردمداران آن اقدام و مسئولان این حزب کافر را ترور کنند تا خود را از چنگال این دژخیمان خون خوار نجات دهند.(۲)

این فتوا، حاکمان بعثی عراق را به وحشت انداخت و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی عراق را ناآرام ساخت، چنان که از سایه خود نیز می ترسیدند. اگر باخبر می شدند کسی کمترین ارتباطی با آیت الله صدر دارد، او را دستگیر می کردند. خانه شهید صدر را هم به محاصره درآوردند و حتی مانع دیدار حجت الاسلام سید محمود دعایی، سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در عراق با آیت الله صدر شدند و او را به زور به بغداد برگرداندند.(۳)

آیت الله صدر می دانست که صدام حسین، دیکتاتور عراق، روحیه قدرت طلبی دارد و بدین منظور دست به هر جنایتی، از جمله کشتارهای

۱- کریم جوان شیر، نامداران راحل، زندگی نامه چهل تن از مشاهیر شیعه، تبریز، انتشارات سالار، ۱۳۷۵، چ۱، ص ۲۸۸.
۲- علمای مجاهد، ص۲۹۵.
۳- گفت وگویی با سید محمدباقر مهری، ضمیمه اطلاعات، ۱۹/۱/۱۳۶۱؛ به نقل از: شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۹۷.

فـاجعه آمیز و شـکنجه هـای غیرانسـانی می زنـد تا برای تحکیم پایه های حکومت سیاهش، مردم مسـلمان عراق را مطیع خود سازد. ازاین رو، شـهید صدر یکی از راه های پیروزی انقلاب اسلامی مردم عراق را از میان برداشتن شخص صدام تکریتی می دانست.

خلبان هواپیمای اختصاصـی صدام، جوانی انقلابی و مقلد آیت الله صدر بود که بارها نیز با ایشان تماس گرفته و آمادگی خود را برای هرگـونه اقـدام انقلابی بر ضـد صـدام اعلام کرده بـود. آیت الله صـدر پس از مطمئن شـدن از این جـوان، به او وقت ملاقـات داد و در همـان دیـدار، طرح ترور صـدام ریخته شـد، ولی تقـدیر چنین بـود که این جوان هم به قـافله شـهدای مظلوم انقلاب اسـلامی عراق بپیونـدد. چنـد سـاعت پیش از اجرای عملیـات ترور، گارد مخصوص صـدام از این طرح آگاه شدنـد و خلبان جوان را دسـتگیر کردند و کشتند.(۱) شـهید صدر در راه مبارزه با حکومت از هیچ راهی اعم از سـخنرانی های انقلابی، فتواهای حماسی، مقاله، کتاب و حتی نقشه ترور صدام غافل نبود.

بازداشت های شهید صدر

بازداشت های شهید صدر

آیت الله صـدر، نخستین بار در سال ۱۳۹۲ ه . ق دسـتگیر شد؛ به این ترتیب که روزی اسـتاد شـهید به اطرافیان خود می گوید: «به من خبر رسیده است که بعثی ها امشب مرا دستگیر خواهند کرد.» در حالی که آن شب کسی مزاحم ایشان نشد. شب بعد، آیت الله صدر بیماری سختی گرفت که او را به

۱- گفت وگویی با سید محمـدباقر مهری، ضـمیمه اطلاعات، ۱۹/۱/۱۳۶۱؛ به نقل از: شـهید صـدر بر بلنـدای اندیشه و جهاد، صص۱۰۳و۱۰۴.

بیمارستان نجف انتقال دادند. پس از این اتفاق، مأموران امنیتی عراق برای دستگیری ایشان، خانه او را محاصره کردند، ولی متوجه شدند که او در بیمارستان نجف بستری است. به دنبال دریافت این خبر، مأموران امنیتی، بیمارستان نجف را به محاصره درآوردند و با اینکه شهید صدر حال مساعدی نداشت، او را به بخش بازداشت شدگان بیمارستان کوفه منتقل کردند.

آیت الله سید کاظم حائری نقل می کند: «من [بی] درنگ به بیت حضرت امام خمینی رحمه الله که آن روزها در نجف می زیست، رفتم و داستان دستگیری آیت الله صدر را بازگو کردم.» بعد از اطلاع علما و مردم از این ماجرا و رفتن آنها به بیمارستان، رژیم بعث از پی آمدهای کار بیم ناک شد و او را آزاد کرد. ایشان به بیمارستان نجف بازگشت و پس از بهبودی به خانه آمد. بسیاری از مردم به دیدار وی می آمدند، تا اینکه آیت الله صدر فرمود: «این دستگیری سبب افزایش گرایش مردم به ما شده است و پیوند عاطفی آنان را با ما از گذشته استوارتر ساخته است».(۱)

دو سال پس از نخستین دستگیری شهید صدر، یعنی در سال ۱۳۹۴ ه . ق، رژیم بعث، پنج تن از شاگردان نزدیک ایشان را دستگیر و اعدام کرد.(۲) در روز اربعین حسینی سال ۱۳۹۷ ه . ق نیز با هدایت غیرمستقیم شهید صدر، تظاهرات مردمی بر ضد رژیم بعث برگزار شد و روز بعد مأموران رژیم، ایشان را دستگیر کردند.(۳) شهید صدر در برنامه مبارزاتی خود، به مناسبت های مذهبی به ویژه ایام عزاداری سید الشهداء عنایت ویژه ای داشت. ایشان بر این

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص۱۱۳_۱۱۵.

۲- علمای مجاهد، ص۲۹۴.

۳- زندگی و افکار شهید صدر، ص۱۱۵.

عقیده بود که برپایی مراسم اربعین و مانند آن، خاری است در چشم حاکمان جور و می فرمود:

همین دسته ها و تجمع های دینی هستند که دوستی حسین بن علی علیه السلام و عشق به اسلام را در جان و روان نسل های انسانی بارور کرده اند، پس باید همچنان [پابرجا باشند]؛ اگر چه احتیاج به پالایش و اصلاحی مناسب با نیازها و مقتضیات زمانه دارند.(۱)

در اربعین آن سال، با وجود اینکه استاندار نجف، قانون منع پیاده رفتن به کربلا را ابلاغ کرده بود، سنت پیاده روی عزاداران از نجف به کربلا، با شکوه تر از سال های گذشته برگزار و شعارهایی نیز بر ضد سران حزب بعث داده شد. فردای اربعین، سید شهید بازداشت و به بغداد منتقل گردید. در بغداد، رئیس اداره امنیت به دیدار ایشان رفت و کینه شورای رهبری حزب بعث عفلقی عراق را همراه با کلمات تهدیدآمیز و انتقام جویانه به شهید صدر اعلام کرد. در این دوره آیت الله صدر، شکنجه بسیار دید، به گونه ای که آثار ناگوار جسمی آن تا بعد از آزادی همچنان باقی بود و نمی توانست به راحتی از پله بالا برود. با این حال، او همیشه این سختی ها را از افراد پوشیده نگاه می داشت و می فرمود:

پافشاری من بر پوشیده نگاه داشتن این رنج جسمانی، به دلیل آن است که مبادا موجب ترس و گریز افرادی شوم که هنوز آمادگی لازم را [برای] پایداری و ثبات قدم ندارند.(۲)

آیت الله صدر، پس از آزادی به یکی از شاگردان خود فرموده بود:

رئیس اداره امنیت به من می گفت: ما می دانیم که دست تو در پشت این اقدامات دشمنانه

۱- زندگی و افکار شهید صدر، ص۱۱۵.

۲- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۱۱۷.

وجود دارد و می دانیم که تو برای هیئت ها و دستجات عزاداری پول فرستاده ای، [ما هم] در وقت مناسب انتقام [سختی] از تو خواهیم گرفت. آن گاه مرا به اعدام تهدید کرد و گفت: اگر در حال حاضر گرفتار محاکمه این آشوب طلبان و ماجراجویان نبودیم، همین روزها حکم اعدام تو را به اجرا درمی آوردیم، ولی تو به زودی خواهی دانست که چه سرنوشتی را در پیش داری.(۱)

این سال ها مصادف بود با آخرین سال های تبعید امام خمینی در پاریس و نیز فرصتی بود تا با ایشان در پاریس مکاتبه کند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شهید صدر در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ در سخنرانی خود در «مسجد جواهری» نجف، شکر خداوند را به جا آورد و پیام تبریکی هم برای امام رحمه الله فرستاد.(۲)

در سال ۱۳۹۹ ه . ق آیت الله صدر برای بار سوم بازداشت شد که البته از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأثیر می پذیرفت. رژیم بعث به خوبی دریافته بود که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می تواند خطر بزرگی به شمار آید و آینده نظام حاکم را تهدید کند. بعثی ها، همان هایی بودند که از زبان صدام جنایت کار تکریتی و با آرزوی موهوم باقی ماندن شاه در ایران، گفته بودند: «شاه برجای مانده، بر جای مانده و بر جای ماندنی است» و همان هایی بودند که چون می خواستند امام خمینی رحمه الله را در نجف از رهبری انقلاب باز دارند؛ او را ناگزیر به ترک عراق کردند. بعثی ها، آنهایی بودند که تظاهرات مردم عراق را که در دفاع از انقلاب اسلامی، بعد از نماز مغرب از «مسجد

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص۱۱۷و۱۱۸.

۲- علمای مجاهد، ص ۲۹۵.

خضرا»ی نجف آغاز شده بود، درهم شکستند.

دیگر نمونه وحشت حاکمان بغداد، ایجاد اخلال در موج رادیویی بخش برون مرزی صدای جمهوری اسلامی ایران بود که به زبان عربی پخش و در سراسر عراق شنیده می شد. پس از مدتی، حکومت بعثی قانون ممنوعیت شنیدن این رادیو را تصویب کرد و برای متخلفان مجازات هایی در نظر گرفت. همه این کارها به منظور فرونشاندن موج اسلام خواهی و حرکت های انقلابی انجام می شد تا روحیه انقلابی پدید آمده در بسیاری از مردم عراق، به نابودی گراید.

با صدور تلگراف امام خمینی رحمه الله، هرگونه شک درباره ارتباط و همدلی امام با شهیدصدر از میان رفت. امام خمینی رحمه الله در این تلگراف خطاب به شهیدصدر نوشته بود:

اطلاع پیدا کردیم که حضرت عالی به خاطر برخی از رویدادها، قصد ترک عراق را دارید. این جانب بیرون آمدن شما را از نجف اشرف، مرکز علوم اسلامی مصلحت نمی دانم و از وقوع چنین امری نگرانم. امیدوارم ان شاءالله مشکلات جناب عالی برطرف گردد.(۱)

شهید صدر نیز در پاسخ، چنین تلگرافی فرستاد:

بِسْمِ اللّه ِالرَّحْمنِ الرَّحیم

حضور مستطاب رهبر مجاهد، حضرت آیت الله العظمی سید روح الله الخمینی دام ظله.

تلگراف گران قدر حضرت عالی را که نشانه نظر پدرانه و مراقبت روحی شما بر نجف اشرف بود، دریافت داشتم. شهر نجف از آن زمان که جناب عالی

۱- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۱۲۶.

آنجا را ترک کرده اید، همگام و همراه با پیروزی های بزرگ شما پیش می رود. من از این توجه ارزشمند شما نیروی روحی می گیرم. همچنان که مسئولیت عمیق در راه حفظ کیان علمی حوزه و نجف را باور دارم. در همین جا مناسب می بینم که سلام گرم میلیون ها انسان مسلمان و مؤمن را که در عراق عزیز ما هستند، به حضور جناب عالی ابلاغ کنم. این مردم، به حقیقت دریافته اند که در آیین اسلام که بار دیگر به دست شما حیاتی نو یافته است، نور هدایت برای همه جهان و قدرت روحی برای نابود کردن استعمار کافر و به ویژه آمریکای پلید از جمله، توان آزادسازی جهان از هرگونه ستم و طغیان و از همه مهم تر باز پس گرفتن سرزمین غصب شده فلسطین، وجود دارد. از درگاه خدای سبحان درخواست می کنم که ما را با پایداری وجود گران قدر حضرت عالی بهره مند سازد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

پنجم رجب ۱۳۹۹ ه . ق نجف اشرف. محمدباقر صدر.(۱)

شهید صدر، در شانزدهم رجب سال ۱۳۹۹ ه . ق اعتصاب عمومی اعلام کرد و بازارها تعطیل و مردم عازم خانه شهید صدر شدند.(۲)

با وجود این رویدادها، دستگیری آیت الله صدر حتمی به نظر می رسید. سرانجام در بامداد روز سه شنبه هفدهم رجب، رئیس اداره امنیت نجف برای انتقال آیت الله صدر به بغداد، به خانه ایشان رفت. هنگام عبور از کوچه، بانوی شهید، بنت الهدی در میان نیروهای امنیتی که تعدادشان بیش از دویست نفر بود، سخنرانی زینب گونه ای بیان فرمود:

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص ۱۳۱و۱۳۲.

۲- علمای مجاهد، ص۲۹۵.

بنگرید! این برادر من است، یکه و تنها، بی هیچ مدافعی و بدون کوچک ترین سلاح جنگی، [ولی] شما صدها نفر هستید... .آیا هیچ از خود پرسیده اید این همه مأمور برای چیست؟ این همه سلاح و ابزار جنگی به چه کار می آید؟ پاسخ روشن است. شما می ترسید؛ زیرا می دانید که برادر من تنها نیست، بلکه همه مردم عراق پشتیبان و همراه اویند. شما می ترسید و به خدا سوگند اگر جز این بود، هرگز برای دستگیری برادرم در این ساعت از صبح زود نمی آمدید... .

آن گاه رو به برادر کرد و گفت:

ای برادر عزیز و بزرگوارم، ای پیشوای آزاده، برو به امان خدا، خدا خود، یار و یاور توست. این راه، راه ما و راه نیاکان ماست که باید طی کنیم. این همان راه پیامبر و علی و حسین علیهم السلام است و این همان جهاد در راه خداست.(۱)

در پی دستگیری شهید صدر و خطابه های بنت الهدی، مردم نجف و دیگر شهرها به خیابان ها ریختند و خواستار آزادی ایشان شدند.(۲) این تظاهرات گسترده به تغییر رفتار رژیم در برخورد با شهید صدر انجامید؛ به طوری که هنوز ساعتی از آغاز بازجویی نگذشته بود که یکی از افسران پلیس وارد شد و برگه کوچکی به فاضل برّاک (مأمور بازجویی شهید صدر) داد. ناگهان برّاک با لحنی کاملاً متفاوت با گذشته، خطاب به شهید صدر گفت: «هدف ما، در حقیقت دستگیری شما نبوده است، بلکه می خواستیم [درباره اتفاقات پیش آمده] به تفاهم برسیم.» سپس ایشان را با احترام راهی نجف کردند.

۱- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص۱۱۴.

۲- علمای مجاهد، ص۲۹۵.

به گفته یکی از اعضای شورای رهبری حزب:

سران کشور از برپایی این تظاهرات به هراس افتادنـد و از گسـتاخی و شـجاعت تظاهرکننـدگان و روح بلنـد آنان که [در برابر]خصلت های وحشیانه و رفتارهای [ددمنشانه] مزدوران رژیم [ایستاده] بودند، شگفت زده شدند.(۱)

در هجدهم رجب، مردم به خانه شهید صدر رفتند و با ایشان بیعت کردند.(۲)

این پیمانِ دوباره امام و امت، حاکمان بغداد را بیش از پیش به وحشت انداخت و در نتیجه، آنها دستور محاصره خانه آیت الله صدر و قطع رابطه او را با دیگران صادر کردند. در پی این دسـتور، در سر کوچه آیت الله صدر و کوچه های اطراف، نیروهای امنیتی مسـتقر شدنـد و از رفت و آمـد به خانه او جلوگیری کردند. این گونه بود که دوره محاصـره و کنترل نُه ماهه خانه آیت الله صدر آغاز و در پایان، با شهادت ایشان ختم شد.(۳) در این نه ماه، رخدادهای آموزنده بسیاری پیش آمد که برخی از آنها را از زبان آیت الله سید کاظم حائری که از نزدیک ترین شاگردان ایشان بود، نقل می کنیم:

بعـد از آنکه چنـد روزی گـذشت، رژیم، آب، برق و تلفن را قطع و ورود و خروج هر انسانی، حتی خـدمتکار منزل را به خانه ممنوع اعلام کرد. در خـانه مقـداری آذوقه موجود بود، ولی بسـیار کم بود و در مـدتی کوتـاه به اتمـام رسـید. تنها چیزی که برجای مانده بود، جعبه ای پر از نان خشک بود که [نمی شد از آن] استفاده [کرد .]همسر محترم سید، از این نان خشک ها

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص۱۴۱و۱۴۲.

۲- علمای مجاهد، ص۲۹۵.

۳- یادواره شهید صدر، ص۱۳، ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۱۹/۱/۱۳۶۱.

غذایی محلی تهیه کرد. مدت ها این برنامه [ادامه] داشت. در یکی از این روزها، هنگام ظهر، در خدمت استاد در حال صرف غذا بودیم. استاد در چهره من نشانی از اندوه و افسردگی یافت؛ چنین نیز بود و من از اینکه مردی با این عظمت در این شرایط سخت قرار گیرد، دل آزرده بودم. ایشان به من فرمود: «به خدا سوگند، لذیذترین غذایی که در دوران زندگانی ام خورده ام، همین غذاست.» چرا چنین نباشد و حال آنکه این سختی ها را در راه خدا و برای خدا پذیرفته بود.(۱)

در یکی از روزهای توقیف، در حدود ساعت ۵/۲ بعد از ظهر من (سید کاظم حائری) در کتاب خانه شهید صدر خوابیده بودم که با صدای ایشان از خواب بلند شدم. استاد را دیدم که با آهنگی ملکوتی می گفت: «لا حول و لا قوّه الا بالله العلی العظیم. انّا لله و انّا الیه راجعون.» به ایشان عرض کردم: «سید، ان شاءالله که خیر است.» ایشان فرمود:

داشتم به این مأموران پلیس (همان ها که خانه ایشان را محاصره کرده بودند) می نگریستم، دیدم اینان سخت تشنه اند و عرق از سر و رویشان می چکد. دل آزرده شدم و با خود اندیشیدم که ای کاش توان آن را داشتیم که اینان را سیراب کنیم.

من با تعجب گفتم: «استاد، این تبه کاران ما را حبس کرده اند و خانواده و فرزندان شما را ترسانده اند»، استاد پاسخ داد:

فرزندم، آنچه تو می گویی درست است. [با این حال] بر ما لازم است که حتی در مورد این افراد نیز دل سوزی کنیم؛ زیرا انحراف بیشتر اینان مربوط می شود به [عدم] شرایط مناسب یا پرورش نیافتن در محیطی انسانی و بر اساس تربیت دینی. اگر این مأموران نیز به خود واگذاشته شوند یا محیط

۱- یادواره شهید صدر، ص۱۶۵.

مناسب و شایسته ای بیابند به ایمان و دیانت روی خواهند [آورد].

سپس شهید صدر به خادم خانه (حاج عباس) گفت که برای آنان آب خنک ببرد؛ زیرا او پیرو امامی بود که در صحرای سوزان کربلا، لشکریان محاصره کننده اش را سیراب ساخت. این یکرنگی و صفای عمیق استاد، به طور ناخودآگاه بر این مأموران نیز اثر گذاشته بود تا جایی که برخی از ایشان به دلیل موضع گیری های شجاعانه درباره سید شهید، محکوم به اعدام شدند.(۱)

شیخ محمدرضا نعمانی، درباره محدودیت های شهید صدر در ایام حصر می گوید:

رژیم بعث برای واداشتن سید شهید به پذیرش شرط های خود، طرح های بسیاری را اجرا کرد، از جمله قطع آب و برق و تلفن به مدت یک ماه، جلوگیری از رسیدن مواد غذایی [به آنان] به مدت یک هفته، جلوگیری از رساندن دارو[هایی مانند] قرص های فشار خون که برای آن شهید و مادر گرامیِ هفتاد ساله اش بسیار ضروری بود.

به یاد دارم آن صحنه های غم انگیزی که سید شهید را در تنگنا قرار می داد، مانند وقتی که می دید فشار خون مادرش بالا رفته و نزدیک است از هوش برود یا دختر بچه ای که از درد شکم رنج می برد، ولی آن سید مهربان نمی توانست کاری بکند.(۲)

شهید صدر در بیست رجب همان سال، یعنی تنها سه روز پس از آزادی، خطابه ای بیان فرمود که حیثیت و ادعای رژیم را از بین برد:

۱- یادواره شهید صدر، صص۱۶۴و۱۶۵.

۲- میعاد با سپیده گشایان، صص۱۲۳و۱۲۴.

بِسْمَ اللّه ِ الرَّحْنِ الرَّحیم وَ الْحَمدُلِلّهِ رَبِّ الْعالَمین وَ الصَّلاهُ وَ السَّلامُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ عَلی آلِهِ الطّاهرینَ وَ صَحْبِه الْمَیامِین.

ای ملت مسلمان عراق، من با تو سخن می گویم ای ملت آزاد، ظلم ستیز و ارجمند، من بیش از هر انسانی، به تو، به روح بزرگ تو و به تاریخ پرافتخار تو ایمان دارم. من بیش از هر کسی، به این آتش افروخته شده در دل های فرزندان پاک باخته تو احترام می گذارم؛ آتشی شعله ور از احساس دوستی، همرنگی و فرزندی در پیشگاه مقام مرجعیت. اینان، امروز نزد پدر خویش آمده اند تا با قلب هایی آکنده از غیرت دینی و تقوا بر پیوند استوار خود با اسلام تأکید ورزند و از من بخواهند که با ایشان همراهی کنم و دردهایشان را از نزدیک بازشناسم؛ چرا که دردهای ایشان همان دردهای من است و اکنون خوش وقتم که با تو ای ملت پدری و اجدادی ام، به صراحت بگویم که من همراه تو و در اعماق وجود تو هستم، هرگز از رنج های تو جدا نخواهم شد و آخرین قطره خون خود را نیز در راه خدا برای تو فدا می کنم. نیز لازم می بینم به مسئولان کشور هشدار دهم که این سرکوبی که با زور سرنیزه و سلاح آتشین به مردم عراق [وارد می شود] و آنان حتی از ساده ترین حقوق انسانی خود و از کمترین آزادی های اجتماعی در راه انجام شعایر دینی شان محروم می شوند، هرگز دوام نخواهد یافت و هیچ گاه نمی توان با قوه قهریه در برابر روح مقاومت مردم ایستادگی کرد. اگر زور و خودکامگی همیشه و در همه جا چاره اصلی به شمار می آمد، فراعنه و جباران روزگار هیچ گاه از صحنه حکومت رانده نمی شدند.

اینان برنامه اذان را از رادیو حذف کردند و ما صبر کردیم. پخش مراسم نماز جمعه را از رادیو برداشتند، شکیبایی ورزیدیم. مراسم سوگواری سرور شهیدان، حضرت حسین بن علی علیه السلام را تحریم کردند، ما همچنان به صبر خود ادامه دادیم. مساجد را محاصره کردند و این مکان های شریف را از نیروهای امنیتی و جاسوس های مخفی انباشتند، باز هم صبر کردیم. مردم کشور را با اجبار و اکراه به ثبت نام در حزب خودشان واداشتند، ما به صبر خود ادامه دادیم. به مردم گفتند که [اکنون] دوره انتقال است و باید ملت،

زیر پوشـش برنامه نظامی اداره شود، باز هم شـکیبایی خود را از دست ندادیم، ولی آخر این دوره انتقال تا به کی ادامه خواهد یافت؟

اگر دوره ده ساله حکومت شما برای ایجاد فضای مناسب به منظور انتخاب روش حکومتی توسط مردم عراق کافی نیست، پس چه دوره ای را انتظـار می کشـید؟ اگر دوره ده ساله حکومت مطلقه شـما ـ ای مسـئولان کشور ـ به شـما این امکان را نـداده است که مردم را برای پیوستن به حزب خود قانع کنید و ناگزیرید به اکراه و اجبار روی آورید، پس به امید چه نشسته اید؟

اگر حکام کشور به راستی مایلنـد بداننـد که چهره حقیقی این مردم [چیست] و اینان رو به کدام سو دارند، کافی است فقط به مـدت یک هفته نیروهای نظامی و انتظامیِ سرکوب گر خود را از صـحنه کشور دور سازنـد و به مردم اجازه دهنـد تا در طول این یک هفته آنچه را می خواهند، صریحاً بازگو کنند.

من به نام شما مردم عراق، خواستار آزادی، انجام شعایر دینی و شعایر حسینی هستم. به نام شما مردم، از دولتمردان می خواهم که برنـامه اذان، نمـاز جمعه و [دیگر] شـعایر اسـلامی را [باز هم] از رادیو پخش کننـد. به نام شـما می خواهم که ثبت نام های اجبـاری را در حزب بعث برای همیشه و در همه [موقعیت هـا] قطع کننـد. من بـا تکیه بر کرامت انسـانی، خواسـتار آزادی همه زندانیانی [هسـتم] که به وضع ناگواری دستگیر شده اند و نیز خواستار پایان بخشیدن به این روش نادرستِ بازداشت و محکوم کردن افراد بـدون [اعتنا به] موازین قضایی هسـتم. در پایان، به نام ملت عراق و به نام ارزش هایی که بـدان پای بنـد است، می خـواهم که به ملت مـا اجـازه داده شـود تـا به گـونه ای جـدی در اداره امـور شـهرهایشان نقش داشـته باشـند و این، جز از راه برگزاری انتخابات آزاد به منظور تشکیل مجلس مردمی، امکان پذیر نیست.

من نیـک می دانم که [تلاش برای تحقق] این خواسـته ها برایم گران تمام می شود و چه بسا زنـدگی ام را نیز دسـتخوش خطر قرار دهد، [ولی] اینها

خواسته های فردی نیستند که با مرگ یک تن از میان برود. اینها خواسته های یک امت [است] و امتی که روح پیامبر، امیرمؤمنان علی علیه السلامو برگزیدگانِ دودمان و یارانشان بر آنان سیطره دارد، هرگز تن به مرگ [ذلت بار] نمی دهد. پس اگر حکومت از برآوردن این خواسته ها سرباز زند، من فرزندان مقاوم عراق را به پی گیری جدی این مطالبات، با هر بهایی فرا می خوانم؛ زیرا این حرکت، حرکتی است در راه دفاع از کرامت انسانی، روح دینی و ارزش های اسلامی (یعنی دین جاوید خدا). والله ولی التوفیق.(۱)

تلاش حکومت برای ترور شهید صدر

تلاش حکومت برای ترور شهید صدر

در برهه ای از زمان، شهید صدر برای اعتراض به رژیم بعث، فعالیت های عادی خود را کنار گذاشت. او در خانه را بست و برای تدریس و کار دیگر از خانه خارج نشد تا مردم بدانند که درگیری میان مرجعیت و نظام حاکم همچنان ادامه دارد. پس از گذشت مدتی، چند تن از مقام های امنیتی، پیوسته با ایشان تماس گرفتند و خواهان خروج ایشان از خانه و ادامه تدریس شدند، ولی اطلاعاتی که از منابع موثق به دست آمد، خبر از توطئه ای جدید می داد.

سران رژیم منتظر بودند تا شهید صدر برنامه همیشگی خود را از سر بگیرد و مثل همیشه برای زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام به حرم مشرف شود یا برای تدریس به «مسجد شیخ طوسی» برود و هنگامی که ایشان از کنار مأموران پلیس در حال عبور است، آنها با به راه انداختن نزاعی ساختگی، به سوی یکدیگر تیراندازی کنند و یکی از این تیرها، اتفاقی، به شهید صدر

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص۱۵۶_۱۵۸.

اصابت کنـد(!) و دیگر، رژیم، مسئول اعـدام و گرفتار پی آمدهای آن نباشد تا بدین وسـیله از ننگ اعدام شـهید صدر رهایی یابـد و حتی بـا مجـازات و اعـدام قاتل ایشان، مردم را به خود خوش بین کنـد. با وجود این، پس از اصـرار آنها مبنی بر شـروع درس و بحث، شهید صدر تا مدتی تمام برنامه های معمول خود را تعطیل کرد و این گونه، نقشه آنها نقش بر آب شد.(۱)

شهادت

شهادت

پس از محاصـره خـانه شـهید صـدر به مـدت نه مـاه و کنترل هرگونه رفت و آمـد، ایشان در ساعت ۵/۲ بعد از ظهر روز شـنبه نوزدهم جمادی الاول ۱۴۰۰ ه . ق برابر بـا ۱۶ فروردین ۱۳۵۹، برای چهارمین و آخرین بار بازداشت و به بغـداد منتقل شد که به شهادت ایشان انجامید.

در روزهای پایانی محاصره، نماینده صدام حسین (عیسی خاقانی) به همراه یکی از مأموران سازمان اطلاعات ریاست جمهوری به نام ابوعلی، به خانه شـهید صدر رفت و خطاب به ایشان گفت: صدام می خواهد به محاصره خانه شما [پایان] دهد و رفت و آمد را آزاد کند، ولی این کار شرایطی دارد که شما باید [دست کم] به یکی از آنها عمل کنید و در غیر این صورت، به گفته صدام، سـزای شـما مرگ است. شـرط اول این است که از تأیید انقلاب اسـلامی ایران و سید خمینی دست بردارید. شرط دوم اینکه با صدور بیانیه ای، از موضع گیری های ما پشتیبانی کنید و حزب بعث نیز در برابر آن، از شما حمایت خواهد کرد. شرط سوم اینکه گرایش وعضویت در حزب الدعوه

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

الاسلامیه را تحریم کنید. شرط چهارم اینکه فتوای تحریم عضویت در حزب بعث را پس بگیرید و بر جواز آن فتوا دهید. پنجم اینکه خبرنگاران جراید و نشریه های خارجی و داخلی را به حضور بپذیرید تا درباره مسائل فقهی از شما سؤال کنند.

آیت الله صدر از این سخنان برآشفت و گفت:

مرا از مرگ نترسانید. برو به صدام بگو من در انتظار چنین روزی هستم و هرگز تسلیم زورگویی قلدران ظالمی چون شما نخواهم شد. من در طول زندگی ام، در آرزوی برپایی حکومت اسلامی و اجرای احکام خدا در زمین بوده ام و اکنون چنین حکومتی در ایران و به رهبری یگانه پیشوای بزرگ همه [مسلمانان] جهان، یعنی حضرت امام خمینی و به همت ملت غیور و مسلمان آن سرزمین استقرار یافته است. سپاس خداوند را که من با تحقق این حکومت، به آرزوی دیرینه خود رسیده ام و دیگر، مرگ و زندگی در نظرم یکسان است. شما از من می خواهید که موضع گیری های حزب بعث را تأیید کنم، آیا این با حرف های پیشین شما در تناقض نیست؟ مگر شما از من نخواسته بودید که در مسائل سیاسی دخالت نکنم. وانگهی من عضویت و فعالیت در حزب الدعوه الاسلامیه را هرگز تحریم نخواهم کرد و فتوای تحریم حزب بعث را نیز پس نخواهم گرفت. درباره مصاحبه با مطبوعات، باید بگویم که حوصله این کار را ندارم! به صدام بگو هر وقت خواست، مرا اعدام کند؛ دیگر مرا با شما حرفی نیست، اگر شما هم حرفی ندارید، برخیزید و بروید!(۱)

فردای آن روز، شیخ محمدرضا نعمانی، یکی از شاگردان شهیدصدر به ایشان می گوید: حضرت استاد، امروز خیلی آرام هستید و حرف نمی زنید، مثل اینکه به چیزی می اندیشید؟ آن گاه آیت الله صدر خوابی را که شب

۱- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، صص ۱۳۱_۱۳۵.

گذشته دیده بود، برای او تعریف می کند:

امشب در خواب، برادرم، مرحوم اسماعیل و دایی ام، مرحوم شیخ مرتضی آل یاسین را دیدم. آنها روی صندلی نشسته بودند، وقتی مرا دیدند، برخاستند و یک صندلی در وسط نهادند و من میان آن دو نشستم، در حالی که بسیاری از مردم مرا می نگریستند و در انتظارم بودند. اینک شهادت برایم قطعی شده [است] و خودم را به آن بشارت می دهم و دیگر دلم آرام است.(۱)

یکی دو روز پس از آن، در بعد از ظهر گرم و سوزان روز شنبه نوزدهم جمادی الاول ۱۴۰۰ ه . ق، ابوسعید، رئیس سازمان امنیت نجف با عده ای از مزدوران امنیتی، آیت الله صدر را دستگیر و به سرعت از نجف به بغداد منتقل کرد.(۲)

پس از آن نیز خیال بعثیان آسوده نشد و نگران اوضاع بودند؛ زیرا بنت الهدی، خواهر مجاهد سید محمدباقر صدر هنوز آزاد بود و بیم آن می رفت که مانند نه ماه پیش، در قضیه دستگیری برادرش در آن زمان، مردم را به کوچه و خیابان بریزد و تظاهراتی به پا کند. بنابراین، فردای آن روز ابوسعید بار دیگر به خانه آیت الله صدر رفت و گفت: «آقای سید محمدباقر صدر، خواهرش بنت الهدی را می خواهد.» بدین ترتیب بنت الهدی را نیز به بغداد بردند و سنگر مبارزه خالی ماند.(۳)

برزان ابراهیم، معروف به برزان تکریتی، برادر ناتنی صدام و رئیس وقت

۱- فاضل نوری، الشهید الصدر؛ فضائله و شمائله، ص۱۴۵.

۲- گلشن ابرار، ج۲، ص۸۳۸ .

۳- شهید صدر بر بلندی اندیشه و جهاد، صص ۱۴۰و۱۴۱.

سازمان امنیت کشور، خود، از آیت الله صدر و خواهرش بازجویی و آنها را تهدید به مرگ کرد و از آیت الله صدر خواست فقط چند کلمه بر ضد انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمه الله بنویسد تا از مرگ حتمی نجات یابد، ولی شهید صدر که از مدت ها پیش خود را آماده شهادت کرده بود، همانند جد بزرگوارش، «هیهات من الذله»گویان، تسلیم فشارهای بعثیان مزدور نشد، بلکه فرمود:

هرگز امکان ندارد مرجعیت را خوار و زبون کنم و به انقلابیان و به شهیدانی که برای انقلاب، از آنان دعوت کردم و پاسخ گفتند و به مبارزه برخاستند، خیانت کنم و سپس پیشاپیش کسانی باشم که عقب می کشند و در می مانند، در برابر دست یافتن به چند سال زندگی که هیچ ارزشی ندارد.(۱)

در نهایت، پس از تحمل سه روز شکنجه های بی رحمانه، در ۲۲ جمادی الاول به گونه ای دل خراش به شهادت رسید.

بنت الهدی پیش از برادرش و در برابر چشمان برادر، به وحشیانه ترین شکل کشته شده بود. در میان مردم عراق شایع است که شهید صدر به بازجویان خود که صدام هم در لحظه های آخر به آنها پیوست، گفته بود: شما مشکلتان با من است، با خواهرم چه کار دارید؟ آنها گفته بودند: یک اشتباه در تاریخ، برای ما بس بود؛ زنده ماندن زینب در کربلا بعد از امام حسین علیه السلام؛ زنده ماندنی که تاوانش را ما داده ایم و مسلمان از یک سوراخ دو بار

۱- میعاد با سپیده گشایان، ص۱۳۹.

گزیده نمی شود!!(۱)

شیخ محمدرضا نعمانی می گوید:

بنا بر آنچه از [گفته های] شاهدان عینی دریافتم، صدام تکریتی ملعون، شخصاً سید [محمدباقر صدر] و خواهر گرامی اش را پس از شکنجه های فراوان و با بدترین شیوه ها به قتل رساند. سید شهید را با بندهای آهنی بسته بودند و صدام جنایت پیشه، با تازیانه بر سر و صورت وی می کوبیده و می گفته است: تو مزدور ایرانیان هستی و می خواهی برای آنان در عراق انقلاب اسلامی برپا کنی.

شهیده بنت الهدی با برادر گرامی اش در یک اتاق بوده اند. بنت الهدی در گوشه اتاق به خاطر شکنجه های زیاد، بی هوش بوده و به هر آنچه پیرامونش می گذشته، متوجه نبوده است و پس از [تحمل همه]این [سختی ها]، صدام جنایت کار با شلیک گلوله، به زندگی آن دو عزیز خاتمه می دهد.(۲)و(۳)

پیکر شهید صدر در قبرستان «وادی السلام» نجف مدفون شد، ولی شیعیان عراق از زیارت قبر او محروم بودند؛ زیرا از محل آن آگاهی نداشتند تا اینکه پس از گذشت ۲۲ سال و سقوط رژیم بعث، این راز بر مردم آشکار شد. هنگامی که جنازه شهید صدر دفن می شد، دو جوان ۲۵ ساله از مریدان سید ، در آن نیمه شب و از پشت ستون سنگی شاهد ماجرا بودند. آنها ساعت

۱- کیهان، ۲۷/۱/۱۳۸۳.

۲- میعاد با سپیده گشایان، ص۱۴۰ مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

۳- پس از سقوط رژیم بعث و محاکمه صدام، یکی از پرسش ها در محاکمه صدام همین موضوع شهادت شهید صدر و خواهرش است و قرار است دکتر موفق الربیعی، نتایج تحقیقات قضایی در این باره را به زودی اعلام کند. کیهان، ۱۸/۱/۱۳۸۴ مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

دو و نیم صبح جنازه شهید صدر را از دل خاک بیرون کشیدند و در جایی دیگر دفن کردند؛ پیکری که سر آن از قفا بریده شده و به یک تکه گوشت بی خون و سرد آویزان بود. نیمی از محاسن و تمامی گوشت سمت راست صورتش سوخته و سرتاسر بدن نش کبود و زخم بود. بعثی ها ناخن هایش را هم کشیده بودند و می گفتند لباس سید سوراخ سوراخ بود. آن دو ابتدا گمان کردند سید را تیرباران کرده اند، ولی این هشت سوراخ را گلوله های سربی نمی توانست به وجود آورده باشد؛ سوراخ ها به حفره هایی شبیه بودند که تنها با مته می توانست ایجاد شود. آنها محل دفن را حتی به مجتهدان نجف نگفته بودند و قبر این مرجع والامقام، بیش از بیست سال گمنام بود.(۱)

شهید صدر در آخرین روزهای زندگی اش، در مورد سرنوشت بعثی ها پیش گویی جالبی کرده بود. او می گفت:

حیات شما پس از من کوتاه خواهد بود. خدا دشمنی به مراتب قدرتمندتر از شما بر شما مسلط خواهد کرد که طعم شکست و خواری را به شما خواهد چشاند. ارتش و قدرت شما و صلابت توخالی که فخر شماست، تکه تکه و در صحرا و افقی دور پخش خواهد شد و شما و فرزندانتان در آن صحرا خواهید زیست.(۲)

خداوند را شاکریم که با چشمان خود، تحقق پیش بینی این شهید بزرگوار را دیدیم که البته سرانجام تمام ظالمان است.

شهید صدر، انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی رحمه الله

شهید صدر، انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی رحمه الله

۱- گفت و گوی سید یاسر هشترودی با دفن کنندگان شهید صدر، کیهان، ۲۷/۱/۱۳۸۳.

۲- گفت و گوی سید یاسر هشترودی با دفن کنندگان شهید صدر، کیهان، ۲۷/۱/۱۳۸۳.

اگر تاریخ عراق را بازبینی کنیم، درمی یابیم که شهید صدر تنها مرجعی است که با صراحت و شجاعت در کنار انقلاب اسلامی ایران و پیشوای آن، امام خمینی رحمه الله ایستاد. یکی از شرط های رژیم بعث برای دست برداشتن از آزار وی و خانواده اش و به شهادت نرساندن او، این بود که ایشان از تأیید انقلاب اسلامی ایران و رهبر عزیز آن دست بردارد. به گفته هرایر دکمجیان پژوهشگر مسیحی و استاد دانشگاه های امریکا:

اعلام حمایت مطلق شهید صدر از انقلاب اسلامی ایران و تشویق مبارزه مسلحانه، رژیم بعث را واداشت تا او را به طرح ریزی [برای]تشکیل یک حکومت شیعه در عراق به خیانت متهم و در آوریل ۱۹۸۰ اعدام کنند.(۱)

از این روست که از شهید صدر، به درستی به عنوان شهید انقلاب اسلامی ایران نام می برند.(۲)

با وجود این، آن انسان والامقام با تمام گرفتاری های جانکاه، هیچ گاه از تأیید حرکت امام خمینی رحمه الله دست برنداشت. وی بر این باور بود که امام خمینی رحمه الله با انقلاب خود، خواست و آرمان پیامبران بزرگ الهی و ائمه هدی علیهم السلامرا تحقق بخشید.

شهید صدر می توانست ادامه دهنده حقیقی انقلاب اسلامی ایران و پیونددهنده مردم عراق به آن حرکت بزرگ تاریخی باشد. او از نظر فکری و علمی پشتیبان انقلاب اسلامی بود. محتوای ژرف پیام های آن شهید بزرگوار

۱- جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص۲۳۱.

۲- کیهان، ۱۸/۱/۱۳۸۴، مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

نیز که در تأیید انقلاب اسلامی، آشکارا و بی هیچ ملاحظه و احتیاطی صادر می کرد، بر رژیم بعث پوشیده نبود.

ایشان پس از تبعید امام خمینی رحمه الله به ترکیه، در نامه ای به یکی از دوستانش چنین نوشت:

... اما در مورد ایران، وضع همچنان است که بود و آقای خمینی از سوی مزدوران امریکا در ایران به ترکیه تبعید شده است. این بار آقای خمینی توانست دهان شاه را ببندد... .

پس از انتقال امام از ترکیه به نجف اشرف، آیت الله صدر با اشتیاق فراوان به همراه گروه زیادی از شاگردانش به پیشواز امام شتافتند و در طول اقامت امام در نجف، همواره با وی ارتباط نزدیکی داشت و به او عشق می ورزید.(۱)

شهید صدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در پیامی به شاگردانش در ایران نوشت:

بر هر یک از شما و بر هر فردی که بخت بلندش، زیستن در پرتو این تجربه پیشاهنگ را نصیبش کرده واجب است تمام نیروی خود را و هرگونه توانی که دارد، در حمایت این حرکت مقدس به کار گیرد و از هیچ [کوششی]دریغ نورزد و آنچه دارد در اختیار این تجربه قرار دهد. این بنا، برای اسلام [ساخته] می شود و نباید در بذل و دهش، حد و مرزی شناخت.

رایت این [پیروزی] با نیروی اسلام به اهتزاز درآمده است و نباید از کمک به آن اندکی غافل شد. باید بر محور مرجعیت آقای خمینی که در ایران امروز، امیدهای اسلام را مجسم کرده است، گردآمد و برای آن اخلاص

۱- «با کاروان علویان» ، روزنامه جوان، ۱۹/۱/۱۳۷۸.

ورزیـد و منـافع آن را حمـایت کرد و در وجود سترگ وی ذوب شـد، همان طور که او خود، در هـدف [والایش] ذوب شـده است.(۱)

این متن، به معنای چشم پوشـی از مرجعیت خود و محو شدن در رهبری امام خمینی است. بارها آن شـهید مظلوم سخنی به این مضمون تکرار می کرد:

اگر امام خمینی از من بخواهـد برای خـدمت به اسـلام در یکی از روسـتاهای ایران زنـدگی کنم، هیچ تردیدی در پذیرش این خواسته به دل راه نخواهم داد.(۲)

شیخ محمدرضا نعمانی می گوید:

برای رژیم صـدام بعثی روشن گشت که شـهید صـدر طرفـدار انقلاب اسـلامی ایران و امام خمینی است و این، برای کشـتن او کافی بود.(۳)

رابطه شـهید صدر با امام خمینی رحمه الله تنها پیوندی عاطفی و احساسـی نبود، بلکه بر ارزیابی ویژه از امام اسـتوار بود. شهید صـدر به نشانه پشتیبانی از حرکت امام و اندیشه های آن مرد بزرگ، پس از انتشار کتاب حکومت اسـلامی نوشـته امام خمینی رحمه الله، از شاگردان خود خواست در بحث های ایشان شرکت کنند. وی در آن روزها می گفت:

امام، کسـی است که امیدها بدو بسته است، برای اینکه با روشنی [و قاطعیت]، افراد را به برپایی حکومت اسلامی فرا می خواند و از این راه در برابر گروه هایی که [تحقق این هدف] را پیش از قیام حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

۱- (ذوبوا فی الامام الخمینی کما ذاب هو فی الاسلام)، زندگی و افکار شهید صدر، سید کاظم حائری، صص ۱۵۴و۱۵۵.

۲- میعاد با سپیده گشایان، ص۱۲۸.

۳- میعاد با سپیده گشایان، ص۱۲۹.

ناممکن می دانند، [با صلابت به رویارویی]پرداخته است.

امام خمینی با دوراندیشی و [درک]نیازها و خواسته های عصر خود و حکمت و شجاعتی که شهید صدر در او یافته بود، برای آن شهید عزیز، همیشه تحسین برانگیز بود.(۱)

شهید صدر در جای دیگر درباره امام خمینی رحمه الله چنین می نویسد:

امام خمینی در طرح شعار جمهوری اسلامی، استمرار دهنده دعوت انبیا و تداوم بخش نقش حضرت محمد و حضرت علی علیهماالسلام در اقامه حکم خدا بر روی زمین شد و مظهر صادقانه ای از عمق وجدان این امت گردید که هیچ بزرگی و عظمتی را برای خود، جز در سایه اسلام نمی بیند... .(۲)

شهید صدر با اینکه خود مرجع دینی بود، رهنمودها و سخنان امام را با دقت به کار می بست. برای مثال، هنگامی که شهید صدر بنا بر علتی قصد ترک عراق را داشت، امام در تلگرافی او را از این کار باز داشت و ایشان نیز پذیرفت. این تلگراف، بعدها مبنای بازجویی ها و آزار و اذیت های رژیم شد. در دوران حصر شهید صدر نیز، امام خمینی رحمه اللهتلگرافی به منظور احوال پرسی برای ایشان فرستاد که شهید صدر این خبر را از رادیو ایران شنید و پاسخی به این مضمون نوشت:

حضور فقیه مجاهد آیت الله العظمی امام خمینی دام ظله.

تلگراف مسرت بخش حضرت عالی را که نشان [دل سوزی]پدرانه شما به این جانب بود، شنیدم. این جانب در حال حاضر امکان پاسخ گویی به تلگراف را

۱- مجله حوزه، ش۱و۲، سال چهاردهم.

۲- مقاله «آیت الله صدر مجاهد بزرگ و پاسدار راه حق»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰/۱/۱۳۷۷.

ندارم؛ چرا که در گوشه خانه زیر نظر هستم و نه کسی را می توانم ببینم و نه کسی می تواند به دیدار من آید. راهی جز این ندارم که از خدای سبحان درخواست کنم تا سایه بلند شما را بر [سر] امت اسلامی [پایدار]بدارد و دین حنیف را با مرجعیت پیشتاز شما نگاهبان باشد.(۱)

شهید محراب، آیت الله سید محمدباقر حکیم نقل می کرد:

شهید صدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نماینده ای خدمت حضرت امام خمینی رحمه الله فرستاد تا اعلام کند که آماده است همه توان و نیروی خویش را در خدمت انقلاب و رهبری آن قرار دهد. شهید صدر تنها به اعلام آمادگی [بسنده]نکرد، بلکه این آمادگی را در موارد شخصی به نمایش گذاشت. [برای] نمونه، شهید صدر در بُعد فکری به نوشتن قانون اساسی جمهوری اسلامی اقدام کرد و آن را زمانی که انقلاب در فکر تدوین این قانون بود، برای حضرت امام فرستاد. بعدها مجلس خبرگان قانون اساسی نیز به نتایجی رسیدند که شباهت بسیاری با طرح تدوین شده شهید صدر داشت.(۲)

ژرفای رابطه عاطفی امام خمینی رحمه الله و شهید صدر، پس از شهادت سیدمصطفی خمینی رحمه الله در نجف نمایان بود. پس از این حادثه، همسر امام با ام جعفر، همسر شهید صدر، تماس گرفت و گفت که آقامصطفی فوت کرده است و ما بیم آن داریم حضرت امام با شنیدن این خبر، آسیب جدی ببیند.(۳) بنابراین، مناسب ترین فردی که می تواند این خبر را به درستی به امام بدهد، آقای صدر است.(۴)

۱- نک: زندگی و افکار شهید صدر، ص۱۴۷.

۲- نک: اندیشه ماندگار، ج۲، ص۱۵.

۳- امام سابقه حمله قلبی داشت.

۴- کیهان، ۱۸/۱/۱۳۸۴ مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

فصل ششم: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی شهید صدر

اشاره

فصل ششم: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی شهید صدر

زیر فصل ها

همکاری با جماعه العلماء

همکاری با جماعه العلماء

ژنرال عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸م. به حکومت عراق رسید و زمینه ترویج افکار کمونیستی را فراهم آورد. از سوی دیگر، طرفداران جمال عبدالناصر و ناسیونالیسم عرب، افکار ناسیونالیستی و ضددینی خود را تبلیغ می کردند. در نتیجه، موج الحاد و مخالف اسلام، عراق را فرا گرفت. این رویداد، واکنش عالمان آگاه و متعهد شیعه را برانگیخت. آنها در نخستین حرکت، «جماعه العلماء فی النجف الاشرف» را تشکیل دادند. شهید صدر در آن هنگام به علت پایین بودن سن (کمتر از سی سال) عضو رسمی این گروه نبود. با این حال، نقش مؤثری در شکل گیری آن داشت و آن را هدایت می کرد. نخستین بیانیه آن را نیز خود شهید صدر نوشت؛ زیرا قلمی توانا و نثری استوار و آگاهی ژرفی به مسئله داشت.

از جمله فعالیت های این گروه، انتشار مجله «الاضواء» در سال ۱۹۶۱ م. بود. این نشریه زیر نظر هیئت بررسی و نظارت چاپ می شد. اعضای این هیئت، دانشمندان جوان حوزه علمیه بودند که پیوند مستحکمی با شهید صدر

داشتند. سرمقاله های پنج شماره اول این مجله، با عنوان «رسالتنا» به قلم آیت الله صدر نگارش یافت و خواهر دانشمندش، آمنه بنت الهدی نیز در این مجله مقاله می نوشت.(۱)

دانشکده اصول دین

دانشکده اصول دین

شهید صدر در پایه گذاری این دانشکده و همچنین در برنامه ریزی درسی، تنظیم شیوه های آموزشی و تدوین طرح های فرهنگی نقشی به سزا داشت. ایشان برخی متون درسی این دانشکده، از جمله کتاب المعالم الجدیده در علم اصول، جزوه ای درباره اقتصاد اسلامی و جزوه ای درباره علوم قرآنی را برای استفاده دانش پژوهان تألیف کرد. همچنین با مجله «رساله الاسلام» که دانشکده اصول دین منتشر می کرد، همکاری جدی و فعال داشت.(۲)

حمایت علمی و معنوی از مدرسه العلوم الاسلامیه آیت الله العظمی حکیم

حمایت علمی و معنوی از مدرسه العلوم الاسلامیه آیت الله العظمی حکیم

این مدرسه به دستور مرجع فقید، آیت الله حکیم رحمه الله برای دانشجویان علوم دینی تأسیس شده بود. شهید صدر با کمک تعدادی از شاگردانش که در آنجا تدریس می کردند، بر این مرکز علمی نظارت پی گیر داشت.(۳)

اصلاح وضعیت حوزه

اصلاح وضعیت حوزه

۱- ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۲۰/۱/۱۳۶۰؛ به نقل از شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص۴۴؛ سید محمدباقر حکیم، مجله الجهاد، ش۱۴، جمادی الثانی ۱۴۰۱ ه . ق.

۲- زندگی و افکار شهید صدر، ص۸۶ .

۳- زندگی و افکار شهید صدر، ص۷۹.

شهیـد صـدر برای اصـلاح وضـعیت حوزه و نهـاد مرجعیت، طرح هـای نوینی داشت، ولی عـده ای بـا اجرای آنها مخالفت می کردنـد. ایشـان برای دور کردن مرجعیت از حـالت فردی و نهـادینه کردن آن برنـامه ریزی می کرد. او طرحی را بـا عنـوان «مرجعیت واقع گرا» نوشـته بود که نهاد مرجعیت را به کمال هـدایت می کرد؛ این گونه که اگر مرجعی زمام امور را به دسـت می گیرد، مرجعیت پیشین را کمال ببخشد، نه اینکه پس از وفات مرجع گذشته، از نو شروع کند.

تلاش های سید شهید برای اصلاح حوزه، چند جنبه داشت؛ از جمله تغییر کتاب های درسی و روشمند کردن آنها که هم روحِ مبـانی پیشـین را و هم آخرین دسـتاوردهایی را که علم اصول، فقه و... بـدان ها رسـیده انـد، دارا باشـد. وی در پی آن بود که جوانان کارآمد و شایسته دانشگاه ها و روشن فکران را به حوزه جذب کند تا برای بالا بردن سطح حوزه علمیه مشارکتی فعال پدید آید؛ به گونه ای که متناسب با نیازهای زندگی و جامعه باشد. شـهید صدر می کوشـید نیازهای مادی طلبه ها را برآورده کند تا حدی که آنها بتوانند تمام وقت خود را به درس و تحصیل علم اختصاص دهند.

ایشان بر اساس اندیشه های ناب شخصی، کتاب دروس فی علم الاصول را نگاشت و بر آن بود که کتاب دروس فی علم الفقه را نیز بنویسد و در آن، از فتوای محض شـروع کند تا به مرحله اسـتدلال عمیق برسد. بدین گونه فراگیری بحث های خارج که عمق بیشتری داشتند، بر طلبه آسان می شد.(۱)

این شهید گران قدر درصدد بود تا مدت دوره لازم برای کسب درجه

۱- میعاد با سپیده گشایان، صص ۱۳۲ _ ۱۳۴.

اجتهـاد کم شود و علم افراد، زودتر و بیشتر به نیـاز جامعه پاسـخ دهـد. او خود در همین باره به شاگردش (سـید کاظم حائری) گفتـه بـود: «برای شـما تضـمین می کنـم، اگر پنـج سـال بـه طـور مـداوم در درس من شـرکت کنی، به رتبه اجتهـاد دست می یابی».(۱)

تلاش برای هم بستگی میان مذاهب اسلامی

تلاش برای هم بستگی میان مذاهب اسلامی

اهمیت نزدیـک شـدن مـذاهب اسـلامی به یکـدیگر، هنگـامی نمایان تر می شود که دشـمنان ریاکار تلاش خود را برای ایجاد اختلاف میان پیروان مذاهب اسـلامی عمیق تر سازند؛ همان گونه که مبنای کار انگلیسـی ها همواره بر اصلِ «اختلاف بینداز و حکومت کن» اسـتوار بوده است. شـهید صـدر با توجه به احترام خاصـی که در میان تمام مذاهب اسـلامی داشت، برای بی اثر کردن نقشه هـای اسـتعمار، طرح جـامعی در نظر داشت. متأسـفانه جنـایت کـاران بعثی در همـان آغاز کار، امت اسـلامی را از وجود او محروم ساختند و این شـهید بزرگوار فرصتی برای اجرای کامل این طرح ها نیافت. مهم ترین اقدامات شـهید صدر در این راستا عبارتند از:

۱. شـهید صدر در نگاشـته های خود، هیچ گاه تنها به منابع شیعه استناد نمی کرد، بلکه به منابع اهل تسنن نیز اطمینان می کرد. وی معتقد بود گرچه فقه اسـلامی مذاهب متعددی دارد، از اصول یکسانی پیروی می کند؛ همچنان که کتاب اقتصادنا را نیز با این روش تـدوین کرد. در این کتاب که بازتابی از نظام اقتصادی اسـلام است، به تعـدادی از منابع فقه اهل تسـنن اسـتناد شـده است. این دید مثبت و علمی، به برادران اهل تسنن می فهماند که نظر فقهی

۱- زندگی و افکار شهید صدر، ص۵۳.

آنان نزد شیعیان اهمیت بسیاری دارد.

۲. پیام های شهید صدر به ملت عراق همواره با معنویت اسلامی آمیخته و از هرگونه کوته نظری و طایفه گری به دور بود.

با مطالعه دقیق آخرین پیام سیاسی این شهید بزرگوار که پیش از شهادتش بیان کرده بود، به نکته های با ارزشی می رسیم:

الف) شهید صدر همه وجود خود را از آنِ مسلمانان شیعی و سنی به طور یکسان می داند؛

ب) با روحی فراخ و پدرانه، همه را اعم از شیعه و سنی مورد خطاب قرار می دهد؛

ج) او بر این باور بود که اختلاف های عقیدتی میان مسلمانان نباید مانع همیاری آنان در راه خدمت به اسلام باشد و برای این امر، دو مثال می زد؛ مثال اول، جنگیدن حضرت علی علیه السلام در زیر پرچم خلیفه اول بود و مثال دوم، دفاع عالمان شیعی عراقی از حکومت عثمانی عراق، هنگامی که با ارتش استعمار انگلیس در جنگ بود و بر همین اساس فتوای وجوب دفاع را صادر کردند؛

د) امت را باید در برابر دسیسه های طاغوت هشیار کرد، طاغوت می کوشد از راه برانگیختن اختلاف های مذهبی، میان مسلمانان جدایی بیندازد.

۳. شهید صدر در نوشته های خود از جمله کتاب فدک فی التاریخ، مسائل اختلافی را با روش خاصی بررسی می کرد. با دقت در این روش، این مطالب به چشم می خورد:

الف) پرهیز از الفاظ و عبارت هایی که عواطف اهل سنت را جریحه دار کند؛

ب) پرداختن به این مسئله حساس به صورت موضوعی.

ایشان در آغاز کتاب می گوید:

اگر بخواهی آزاداندیش و برای مردم، مورّخ باشی و نه یک روایت کننده دنیای ذهن خود، باید عواطف و احساسات خود را کنار بگذاری. تو می توانی فقط نفس خودت را از این عواطف سیراب کنی، ولی باید فکر خود را که وسیله پرداختن به این بحث است، از این امور دور کنی؛ زیرا اندیشه و فکر تو از آنِ خودت نیست؛ چرا که مسئولیت تاریخ نویسی را به عهده گرفته ای و با خود عهد بسته ای که امانت دار باشی تا تحقیق و بحث بر اساس شرایط صحیح اندیشیدن و استنتاج استوار شود.

شهید صدر با این روش منطقی که از هرگونه جانب داری از طایفه خاصی به دور است، همه ابعاد این بحث را بررسی کرده است. این سبک دارای شفافیت و آزاد اندیشی خاصی است.

اگرچه این تلاش ها به علت عمر کوتاه شهید صدر اندک است، نمایانگر افق روشنی است که ایشان برای وحدت امت در اندیشه داشت و کارشناسان و اندیشمندان شایسته برای بررسی همه جانبه آن باید با شوق فراوان بکوشند؛ زیرا امروزه بیش از هر زمانی دیگر، به وحدت کلمه و هم بستگی امت اسلامی نیاز داریم.(۱)

۱- اندیشه ماندگار، ج ۲، صص ۴۰ و ۴۱.

فصل هفتم: اندیشه های شهید صدر

اشاره

فصل هفتم: اندیشه های شهید صدر

زیر فصل ها

حکومت اسلامی

اشاره

حکومت اسلامی

شهید صدر درباره ضرورت ایجاد حکومت اسلامی بر دو اصل تکیه می کرد:

۱. اصل ضرورت دینی

۱. اصل ضرورت دینی

بر پایه این دیدگاه، وجود دولت اسلامی برای اقامه حدود الهی، ادامه خط نبوت و امامت و حفظ و گسترش دین الهی ضروری است؛ زیرا بدون آن، حدود و فرمان های الهی اجرا نمی گردد، به سیره پیامبر و امامان علیهم السلام رفتار نمی شود و دین الهی در امان نمی ماند و گسترش نمی یابد و البته این اصلی عقلی است.

۲. ضرورت تکوینی

۲. ضرورت تکوینی

از دیدگاه شهید صدر، ایجاد حکومت اسلامی نه تنها ضرورتی شرعی است، بلکه ضرورتی عینی و طبیعی برای تمدن و اجتماع بشری است. ازاین رو، بهترین وسیله برای تحقق خلافت عمومی بشر در زمین و یگانه راه آدمی برای دست یابی به جامعه ای پیشرفته، متحد و با سعادت، ایجاد دولتی بر اساس مبانی اسلام است؛ زیرا پس از شکست مکتب های سوسیالیسم،

لیبرالیسم و دیدگاه های فکری متعدد دیگر درباره ایجاد دولتی صالح و مبتنی بر سعادت بشر، ضرورت وجود حکومتی اسلامی نمایان می شود که بتواند آزادی انسان را بر مبنای خلافتش در زمین تأمین و عدالت اجتماعی را بر اساس عدل الهی در جامعه اجرا کند. از دیدگاه شهید صدر، حکومت اسلامی، همان حکومت مردم بر سرنوشت خویش است که آن را با عنوان «خلافت انسان و شهادت انبیا» مطرح کرده است. بر این اساس، خداوند بر پایه رسالت خلیفه اللهی انسان، او را جانشین خود در زمین قرار داده است. همچنین بر پایه سنت شهادت انبیا، خداوند با فرستادن پیام آوران خود می خواهد اصل خلیفه اللهی انسان را حفظ کند تا به انحراف و انحطاط نیفتد. از نظر ایشان، زمانی که جامعه بشری به علت وجود حکومت های طاغوتی به رشد کافی نرسد، خط خلافت و خط شهادت (نظارت) متحد می شوند؛ پیامبران، امامان و فقها، هم خلیفه اند و هم شاهد. زمانی که آدمیان به رشد و کمال لازم برسند، این دو خط از هم جدا می شوند؛ انسان ها، خلافت را برعهده می گیرند و معصومان و فقها، شهادت را.(۱)

اندیشه سیاسی آیت الله صدر، بر مبنای اصل اساسی توحید استوار است که سه اصل دیگر از آن به دست می آید:

۱.اصل حاکمیت مطلقه الهی؛

۲. اصل سنت های حاکم بر جهان هستی؛

۳. اصل آزادی و اختیار انسان.

۱- سید محمدباقر صدر، الاسلام یقود الحیاه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، صص۱۲۸_۱۳۰.

خداوند بر اساس حاکمیت مطلقه خویش و نسبت های طبیعی و فطری حاکم بر جهان هستی، انسان را به سبب داشتن عقل و اختیار، خلیفه خود در زمین قرار داد و انسان، مسئولیت تحقق خلافت عمومی خود را در زمین برعهده گرفت. از نظر شهید صدر، برجسته ترین وظیفه انبیا، برقراری حکومت و نظام سیاسی صحیح و شایسته در جامعه بشری است.(۱)

به نظر ایشان، سه نوع دولت و حکومت وجود دارد: دولت اقلیمی که وحدت سیاسی آن، از وحدت منطقه ای ناشی شده است؛ دولت ملی که وحدت سیاسی آن، به دلیل قومیت یکسان و متحد است؛ دولت فکری که وحدت سیاسی آن، به علت وحدت فکری آن است، نه اقلیم قومیت. چنین دولتی رسالت فکری دارد و محدودیتی را جز محدوده آن فکر نمی پذیرد؛ ازاین رو، می تواند در گسترده ترین شعاع انسانی ممکن، رسالت خویش را تحقق بخشد و حکومت انسانی از این نوع است.(۲) «وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلّا کَافَّةً لِلنّاسِ بَشیرًا وَ نَذیرًا». (سباء: ۲۸)

شهید صدر، سه دیدگاه مختلف در مورد حکومت اسلامی ارائه کرده است: نظریه اول، حکومت انتخابی بر اساس شوراست. این دیدگاه در مجموعه ای با عنوان الاسس الاسلامیه مطرح شده است.(۳) نظریه دوم، ولایت

۱- روزنامه سلام، ۱۹/۱/۱۳۷۸.

۲- عبدالله امینی و عبدالهادی فضلی، «ساختار ملی حکومت اسلامی»، فصل نامه حکومت اسلامی، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۰، ص ۸۳.

۳- این نظریه را آقای محمد الحسینی به عنوان ملحق اول در کتاب الامام الشهید السید محمد باقر الصدر؛ دراسه فی سیرته و منهجه در سال ۱۴۱۰ ه . ق در بیروت چاپ کرده است.

انتصابی عامه فقیهان است. این نظریه در رساله های علمیه، حاشیه منهاج الصالحین و الفتاوی الواضحه ارائه شده است. نظریه سوم، خلافت مردم با رهبری ولایت فقیه است. این نظریه، یک سال پیش از شهادت آیت الله صدر، در پاسخ به جمعی از عالمان لبنان در توضیح مبانی فقهی جمهوری اسلامی در مجموعه الاسلام یقود الحیاه آمده است. نظریه سوم، در واقع ترکیبی از دو دیدگاه پیشین است که نظر نهایی شهید صدر در این باره تلقی می شود. اکنون به بررسی کوتاه هر یک از این نظریه ها می پردازیم.

نظریه اول (حکومت انتخابی بر اساس شورا)، برای حکومت اسلامی چند وظیفه و هدف تعیین می کند:

۱. بیان احکام شرعی و قوانین ثابت دینی؛

۲. وضع تعالیم و بندهای قانونی که بر اساس احکام شرعی در دوره های مختلف زمانی جعل می شود و پایداری آن به زمان و مکان و شرایط موجود بستگی دارد؛

۳. بازنگری و هماهنگ سازی احکام شرعی اعم از ثابت و متغیر بر امت اسلامی؛

۴. قضاوت در خصومت های میان امت و دولت، بر اساس احکام (ثابت) و آموزه های (متغیر).

در این نظریه، حکومت دینی دو شکل اصلی دارد: شکل اول، شکل الهی است که با حاکمیت معصوم علیه السلامتحقق می یابد و شکل دوم، حکومت

شورایی یـا حکومت امت است. در عصر غیبت، شـکل جـایز، حکومت شوراست. در زمـان غیبت از میان چهار هـدف اصـلی حکومت، دو وظیفه بر عهـده مجتهـدان جـامع الشـرایط است؛ بیـان احکـام ثـابت شـرعی، فتوادهی و قضاوت. امت و حکومت انتخابی ایشان، نه در بیان احکام ثابت شرعی حقی دارند و نه در نصب و عزل قاضیان. در این نظریه، امت، توانایی خود را تنها در وضع احکـام متغیر و در هماهنگی و اجرای احکام به کار می برد. انواع مختلف حکومت شورایی تا زمانی که در محـدوده شرع فعالیت کنند، معتبر هستند و مستند آن، آیه «وَ أَمْرُهُمْ شُورا بَیْنَهُمْ» (شورا: ۳۸) است.

نظریه دوم (ولایت انتصابی عامه فقیهان) بر دو نکته اصلی استوار است:

۱. در این نظریه، مردم، بدون صلاحیت و مرجع ولایت فقیه، شایستگی تدبیر امور حکومتی را ندارند؛

۲. شارع مقدس، مقام ولایت جامعه بشری را به طور مستقیم بدون واسطه مردم، به فقیهان عادل تفویض می کند.

نظریه سوم (خلافت مردم با رهبری ولایت فقیه)، حاصل تلاش شـهید صدر برای ترکیب دو عنصـر نظارت دینی مرجع صالح و حـق خـدادادی خلافـت انسـان است که این دیـدگاه در جمهوری اسـلامی جلوه می کنـد. در این نظریه، امت، حق خـدادادی خلافـت خود را بر اسـاس روش هـای زیر به کـار می گیرد: انتخـاب رئیس قوه مجریه؛ انتخاب اعضای مجلس اهل حل و عقد (قوه مقننه)؛ انتخاب فتواهای مناسب تر از میان فتواهای مجتهـدان جامع الشـرایط در موارد اختلاف بر اساس مصـلحت عمومی؛ وضع قوانین مورد نیاز در منطقه الفراغ و تسلط کامل بر نحوه اجرای قانون اساسی و

نظارت بر قوه مجریه.

برای آنکه خلافت الهی انسان از انحراف در امان مانـد و به سوی اهداف والا هدایت شود، در زمان غیبت، مراجع صالح تقلید یا مراجع اعلم به عنوان شاهدان الهی آن عمل می کنند و اصول و وظایف زیر را در نظر دارند:

۱. مرجع، عالی ترین نماینده دولت و فرمانده کل نیروهای مسلح است؛

۲. مرجع، نامزدی افرادی را برای ریاست جمهوری تأیید می کند. همچنین تنفیذ حکم کاندیدای انتخاب شده از سوی مردم بر عهده اوست که به رئیس قوه مجریه مشروعیت و قداست می بخشد؛

۳. تطبیق قانون اساسی وضع شده با شریعت؛

۴. اظهارنظر در [مورد] قوانینی که مجلس شورا برای پرکردن بخش آزاد قانون گذاری در منطقه الفراغ [وضع کرده است]؛

۵. تأسیس دادگاهی عالی برای رسیدگی به تمام خلاف های احتمالی در زمینه های [یاد شده]؛

۶ . ایجاد دیوان مظالم و دادخواهی در تمام نقاط کشور.

همچنین مرجـع، مجلسـی را به نـام «شـورای مرجعیت» به وجود می آورد که مرکب از صـد نفر از آگاهـان است. اعضـای این مجلس، از میان عالمان برجسـته حوزه، خطیبان، پژوهشـگران و اندیشمندان اسلامی برگزیده می شوند و دست کم باید ده نفر از مجتهدان در میان آنها باشند. مرجعیت، از راه این

مجلس، صلاحیت ها و اختیاراتش را اجرا می کند.(۱)

عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر

عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر

آیت الله صدر در تعریف عدالت می فرماید: «العداله عباره من الاستقامه علی شرع الاسلام و طریقته؛ عدالت، استقامت بر شرع و طریقت اسلام است.»(۲) ایشان با استناد به آیه های ۱۲ سوره هود و ۱۶ سوره جن می افزاید: [تحقق]این عدالت به این شرط است که این استقامت و حرکت بر راستی و حق، مثل عادت، به طبیعت ثابت و کاملی برای شخص عادل تبدیل شود.

شهید صدر در جای دیگری می فرماید: «العداله هی الوسیطه و الاعتدال فی السلوک؛ عدالت، رعایت حد وسط و اعتدال در سلوک و رفتار است».(۳)

این تعریف ها، عدالت فردی را در برمی گیرد و تعریف عدالت اجتماعی هم از دیدگاه شهید صدر این گونه است:

عدالتی که در خلافت عمومی انسان، مسئولیت های اجتماعی او بر آنها استوار است [و این] همان وجهه اجتماعی عدل الهی است که پیامبران منادی آن بوده اند و رسالت آسمانی بر آن تأکید داشته است.(۴)

عدالت اقتصادی در اندیشه شهید صدر

عدالت اقتصادی در اندیشه شهید صدر

۱- سید محمدباقر صدر، لمحه فقهیه تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران، تهران، جهاد البناء، ۱۳۹۹ ه . ق، ص۲۷.

۲- اندیشه ماندگار، ویژه نامه کنگره بین المللی شهید آیت الله صدر، ش ۳، ص ۳۲.

۳- اندیشه ماندگار، ویژه نامه کنگره بین المللی شهید آیت الله صدر، ش ۳، ص ۳۲.

۴- اندیشه ماندگار، ویژه نامه کنگره بین المللی شهید آیت الله صدر، ش ۳، ص ۳۲.

شهید صدر در اقتصادنا در تبیین ارکان اقتصاد اسلامی، سه رکن ذکر می کند که رکن سوم آن، عدالت اقتصادی است. ایشان عدالت اقتصادی را به طور کامل بررسی می کند و سپس معیارهایی برای آن برمی شمارد:

۱. تأمین حداقل رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه؛

۲. تعیین مرزها و [میزان] مصرف و جلوگیری از بالارفتن سطح زندگی و [فراهم آوردن] حد معقول رفاه افراد؛

۳. جلوگیری از انحصار و احتکار اموال و تجمع ثروت در دست طبقه ای خاص و نیز تلاش برای فراهم کردن امکانات کار و فرصت تولید برای همگان.

شهید صدر خواسته اسلام را در عرصه اقتصاد، تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی می داند:(۱)

دولت باید موقعیت هایی را که عدالت اجتماعی را به خطر می اندازد، شناسایی کند و با سیاست های مناسب، جلو [پیشروی]آن را [بگیرد].(۲) از جمله اینکه، دولت باید از [کسب]هرگونه ثروتی که زاییده احتکار ارزش های نقدی و بهره های ربوی [است،] جلوگیری کند؛(۳) چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر فرمود:

برخی بازرگانان، نیازمندی ها و مواد خوراکی مردم را می اندوزند. این کار، بر مردمان

۱- سید محمدباقر صدر، طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه: فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۹، ص۲۸.

۲- سید محمدباقر صدر، طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه: فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۹، ص۱۱۴.

۳- سید محمدباقر صدر، طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه: فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۹، ص۱۲۷.

زیان بار است و بر حاکم عیب. بنابراین، از احتکار جلوگیری کن که پیامبر خدا مردمان را از آن بازداشته است. دادوستد باید آسان و از روی عدالت انجام گیرد. قیمت اجناس باید چنان باشد که نه فروشنده زیان برد و نه خریدار. محتکر را پس از آنکه از احتکار برحذر داشته شد و [باز]مرتکب آن شد، به سزای کردارش برسان؛ لیکن در مجازات زیاده روی نکن.(۱)

ایشان در جای دیگر می فرماید:

دولت اسلامی باید یک زندگی همسان آمیخته با رفاه و آسایش را برای همه افراد جامعه، از راه بالا بردن سطح زندگی مستمندان و جلوگیری از زیاده روی و اسراف توانگران فراهم [سازد] و با جلوگیری از تمرکز ثروت و انباشته شدن سرمایه ها، عدالت اجتماعی را برقرار سازد. دولت باید با وضع مالیات بر پول های انباشته، از رکود آن جلوگیری کند (تا به جریان تولید تزریق شود) و واسطه های زاید بین تولید و مصرف [را از میان بردارد].(۲) بر دولت اسلامی است که از راه درآمدهای همگانی، تمام مراحل آموزشی و نیز خدمات پزشکی و بهداشتی را رایگان [کند].(۳)

به اعتقاد شهید صدر، عدالت اجتماعی دو اصل عمومی دارد که عبارتند از: اصل همکاری عمومی (تکافل عام) و اصل موازنه اجتماعی. وی اصل کفالت همگانی را مسئولیت متقابل افراد در برابر همدیگر می داند که به موجب آن، مسلمانان جهان کفالت یکدیگر را برعهده دارند و اسلام در حدود و امکانات، اجرای آن را مانند دیگر فرضیه ها لازم دانسته است. همچنین منظور از توازن اجتماعی، توازن همه افراد جامعه از نظر سطح

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳ (به نقل از: همان، ص۱۵۲).

۲- سید محمدباقر صدر، نهادهای اقتصادی اسلام، ترجمه: غلام رضا بیات و فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۸، ص ۹۸ با اندکی تصرف.

۳- سید محمدباقر صدر، نهادهای اقتصادی اسلام، ترجمه: غلام رضا بیات و فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۸، ص ۹۹.

زندگی است.

قانون مندی تاریخ در قرآن

قانون مندی تاریخ در قرآن

یکی از مسائل بحث برانگیز نزد اندیشمندان و تاریخ نگاران، روشمندی و قانون مداری تاریخ است. این مفهوم را از پدیده های فکری هگل و پیروانش می دانند، ولی ریشه آن به افلاطون، ارسطو و سنت آگوستین می رسد. قرآن کریم هم به این بحث پرداخته و آنچه سبب مطرح شدن این بحث شده مسائل زیر است:

۱. سنت های حاکم بر حرکت تاریخ کدامند و محرک تاریخ کیست یا چیست؟

۲. آیا حرکت تاریخ، قانون مند است یا از روی تصادف و اتفاق؟

۳. نظر قرآن در این باره چیست؟

قرآن کریم، رویدادهای تاریخی را محصول اتفاق و تصادف نمی داند و بر قوانین تاریخی تأکید می کند و یادآور می شود که مردم می توانند با استفاده از سنت های موجود در تاریخ، سرنوشت خود را نیک یا بد کنند. دیدگاه های شهید صدر در این باره، در کتاب السنن التاریخیه و الفلسفه الاجتماعیه فی المدرسه القرآنیه بیان شده است.

میان صاحب نظران، در علم بودن تاریخ اختلاف نظر دیده می شود. شهید صدر با بررسی این مطلب، با استناد به قرآن بیان می کند که پژوهش در قوانین تاریخی، بحثی علمی است؛ همانند تحقیق در قواعد فیزیک، گیاهان و غیره، ولی قرآن، کتاب هدایت است، نه کشفیات علمی. بنابراین، پرسشی که به ذهن می رسد این است که چرا قرآن به آن می پردازد. شهید صدر

می فرماید:

درست است که قرآن کتاب هـدایت است، نه کتاب علمی، ولی پژوهش در زمینه تاریـخ و کشف قانون منـدی های آن، یک ویژگی اساسـی دارد که آن را از دیگر مسائل علمی متمایز می سازد و با هـدایت بشـر که هـدف قرآن است، مرتبط می کنـد. هدایت بشر دو جنبه دارد:

۱. جنبه نرم افزاری و محتوایی که احکام و شریعت الهی را دربر می گیرد؛

۲. جنبه سخت افزاری یا فرآیند تحقق هدایت الهی بر روی زمین و در صحنه تاریخ.

این جنبه، تـاریخی است و سـنت هـا و قوانین تاریـخ در آن جریـان دارد. انسان هایی که مشـعل دار هدایتنـد، بایـد سـنت های تاریخی را بشناسند تا بتوانند آن را به پیش ببرند؛ زیرا هرچند شریعت الهی شکست ناپذیر است، ولی انسان حتی اگر پرچمدار شریعت الهی باشـد، ممکـن اسـت شـکست بخـورد (ماننـد جنـگ احـد). به این ترتیب، مشـخص است که پژوهش در قـوانین تاریخی، هر چنـد بحثی علمی است و اصالتاً با قرآن ارتباطی نـدارد، به لحاظ نقشـی که در هـدایت بشـر بازی می کنـد، مورد بحث و بررسی قرآن کریم قرار می گیرد.(۱)

پوزیتیویست ها بر این عقیـده انـد که حرکت و تحول تاریـخ بشـر، از قانون خاصـی پیروی می کنـد. عده ای دیگر برای تاریخ هیچ گونه قانون در نظر نمی گیرند. شهید صدر می گوید:

همان گونه که پدیده های دیگر دارای سنن و قوانین است، پدیده های تاریخی هم قواعد و سنن مخصوص به خود دارد.(۲)

۱- نک: سید محمد باقر صدر، السنن التاریخیه فی القرآن الکریم، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۰ ه . ق، صص۴۷_۵۰.
۲- سید محمد باقر صدر، السنن التاریخیه فی القرآن الکریم، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۰ ه . ق، صص۴۷_۵۰.

قرآن، تاریخ بشری را دارای نسبت ها و قانون هایی می داند، ولی هیچ گاه مانع بروز استعدادهای بشری هم نشده است.

نیروی محرک جامعه و تاریخ

نیروی محرک جامعه و تاریخ

بحث نیروی محرک تاریخ، از مسائلی است که قانون مندی تاریخ را به روشنی نشان می دهد. عده ای معتقدند که نژادها و جنسیت ها محرک تاریخ است. جمعی دیگر، محیط و عوامل جغرافیایی را عامل می دانند و گروهی عقیده دارند که قهرمانان، تحولات تاریخی را به وجود می آورند. جمعی از مسلمانان و اشاعره بر این باورند که همه چیز به قضا و قدر الهی بستگی دارد و خواست الهی، عامل تحولات است و از نظر مارکسیست ها، اقتصاد، محرک تاریخ است. در تفسیر تاریخ، روش درست این است که آدمی با فروتنی پیشه کردن، به ناتوانی عقل خویش برای درک امور پنهانی اعتراف کند؛ زیرا عوامل بی شماری تاریخ را می سازند و نمی توان به یک مورد بسنده کرد.

نقش انسان ها در صحنه تاریخ

نقش انسان ها در صحنه تاریخ

جمعی بر این عقیده اند که انسان دخالتی در پیشامدهای تاریخی ندارد و جمعی دیگر نقش انسان ها، به ویژه قهرمانان را تأثیرگذار می دانند. بر پایه نظر شهید صدر، قوانین و رویدادهای تاریخی با اختیار و اراده انسان، منافات ندارد و انسان با کمال اختیار می تواند تاریخ ساز باشد. وی اثبات می کند که قرآن کریم به بهترین شیوه میان جبر و اختیار آشتی برقرار کرده است. از نظر قرآن، سنت های تاریخی، هم دارای سرشت علمی و هم دارای سرشت الهی

و ربانی اند. شهید صدر با بررسی آیه های قرآنی در زمینه قوانین تاریخی، موفق به دریافت سه حقیقت می شود و به شرح آنها می پردازد:

۱. قانون تاریخ کورکورانه و اتفاقی نیست، بلکه عمومیت دارد و در حالات عادی تخلف ناپذیر است؛

۲. قوانین تاریخی جنبه خدایی دارند؛

۳. جبر و قوانین تاریخی، با اختیار و اراده انسان منافات ندارد.

نقش دین و انبیا در حرکت تاریخ

نقش دین و انبیا در حرکت تاریخ

شهید صدر معتقد است که قرآن کریم، دین را مهم ترین مصداق سنت های تاریخی می داند. از دیدگاه قرآن، دین، فقط تشریع و قانون گذاری نیست، بلکه سنتی از قوانین تاریخ نیز به شمار می آید. برای درک درست مسئله سنت ها و قوانین حاکم بر تاریخ، قرآن همواره انسان را به مطالعه دقیق نمونه های تاریخی آن دعوت می کند و از او می خواهد که با بصیرت، مطلب را بررسی کند و امکانات خود را به کار گیرد.(۱)

اباحی گری و حق الطاعه

اباحی گری و حق الطاعه

بر اساس نظر شهید صدر، در مسلک حق الطاعه، اصل اولی، خطر و منع است، نه اباحه؛ زیرا همه عالم مِلک خداست و انسان حق تصرف ندارد. در دنیای کنونی که همگان حق محور شده اند و فقط به فکر حقوق و مطالبات

۱- میرزا محمد مهرابی، مقاله «دیدگاه شهید صدر پیرامون قانون مندی تاریخ در قرآن»، اندیشه ماندگار، ج ۴، صص ۳۰ _ ۳۲.

خود هستند (و نه تکالیف خود) و نگرانی آنها انتظار بشر از دین است، نه انتظار دین از بشر، این نظریه شهید صدر می تواند راه گشا باشد و دیدگاه های افراطی را تعدیل کند.

بر پایه مسلک حق الطاعه، انسان باید تکلیف خود را در زندگی بشناسد و آن را ادا کند. در نگاه این مسلک، آدمی موجودی است اصالتاً مکلف، و در اصل، در فضای تکلیف زاده می شود. از آنجا که حق طاعت و سعه مولویت مولا، بر همه هستی و از جمله بر انسان ها سایه افکنده است، اصل اولیه، تکلیف است، مگر در جایی که به نبودن آن، علم پیدا شود.(۱)

نظریه منطقه الفراغ

نظریه منطقه الفراغ

از اندیشه های شهید آیت الله سید محمد باقر صدر در حوزه فقه، حقوق و اقتصاد، نظریه منطقه الفراغ است. ایشان با این دیدگاه می خواهد جایگاه انعطاف پذیری قوانین را در اسلام، و تشریع الهی را در زندگی اجتماعی بیابد و حوزه قانون گذاری دولت اسلامی را بیان کند. آنچه این نظریه را از نظریه های مشابه دیگر علما، برجسته می کند، تبیین و مرزبندی منطقه ای معیّن است که به سبب دگرگونی و بی ثباتی آن، حاکم و دولت اسلامی می تواند در آن، بر اساس اصول، ضوابط و اهداف مشخص، به وضع قانون های متناسب با اوضاع بپردازد.

به عقیده شهید صدر، اسلام در نظام قانون گذاری خود، منطقه ای را خالی

۱- محسن غرویان، مقاله «شهید صدر و نظریه حق الطاعه»، اندیشه ماندگار، ج ۲، صص ۲۵و۲۶.

از حکم الزامی (وجوب و حرمت) قرار داده است. خـالی بودن این منطقه از حکم الزامی و وضع نکردن قواعـد تفصیلی ثابت، امری تصادفی یا برخاسـته از اهمال یا نقص در نظام قانون گذاری اسـلام نبوده است، بلکه از ماهیت متغیر این منطقه سرچشمه می گیرد. این کار با عنایت و از روی حکمت انجام شده است و اسلام با آن، می خواهد نظام قانون گذاری خود را برای همه زمان ها و مکان ها جاودانه سازد. اسلام این منطقه خالی را در اختیار ولی امر نهاده است تا آن را بر اساس مصالح و مقتضیات زمان و اهداف شریعت پر کند.(۱)

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به لحاظ اینکه هم مبلّغ شـریعت و هم ولیّ امر ملت بود، خود در این منطقه، قواعـدی را وضع کرده است که از سـوی اولیـای امـور بعـدی تغییرپـذیر باشـد. نکته مهم این است که ولیّ امر و دولت اسـلامی بـا دقت در این احکام و روایت های دربردارنده آن، آنها را ثابت نمی داند و با رعایت ضوابطی، خود به وضع قانون می پردازد.(۲)

نکته دیگر اینکه نظریه منطقه الفراغ، با جامعیت و ابـدیت شـریعت و احادیثی نظیر «حلال محمـد، حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه»(۳) منافاتی ندارد؛ زیرا این روایت ها درصدد نفی اجتهاد به رأی و قیاس هستند که در دوره ای از تاریخ فقه، به شدت جریان داشته است.

از سوی دیگر، این روایت ها، ضابطه و معیار درست اجتهاد را در کتاب

۱- اقتصادنا، صص ۷۲۱_۷۲۶.

۲- نک: اقتصادنا، ص۶۸۶ .

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۲۱، ص۱۶۹.

و سنت قرار می دهد. نظریه منطقه الفراغ نیز ادعا نمی کند که خارج از چارچوب کتاب و سنت و به صورت اجتهاد به رأی عمل می کند، بلکه مدعی است که خداوند در کتاب، به مقتضای «أَطيعُوا اللّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) صلاحیت خاصی به اولیای امور بخشیده و فرمان های آنان را لازم الاتباع دانسته است. حال منطقه ای که ولی امر می تواند اعمال صلاحیت کند، حوزه های گوناگونی دارد که یکی از آنها به موضوع های منظور، ناظر است. ازاین رو، قانون گذاری در منطقه الفراغ، بر کتاب مبتنی است و مؤیدهای بسیاری در سنت نیز دارد.(۱)

آزادی

آزادی

آزادی، از آغاز پیدایش انسان تاکنون، همواره موضوع بحث برانگیزی بوده است. از قرآن کریم برمی آید که پیشینه این بحث تا پیش از آفرینش آدمی می رود.(۲) شهید صدر نیز در کتاب المدرسه الاسلامیه به این موضوع پرداخته است.

او می گوید: «آزادی در غرب، مدلول ایجابی و سلبی دارد.»؛(۳) به این معنا که غرب وقتی سلطه دیگران را از خود نفی می کند، این حق را به خود

۱- محمود حکمت نیا، مقاله «تبیین نظریه منطقه الفراغ»، فصل نامه اقتصاد اسلامی، ش۸ ، زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۰۷ _ ۱۲۰ تلخیص.

۲- نک: بقره: ۳۰.

۳- سید محمد باقر صدر، المدرسه الاسلامیه، تهران، مکتبه اعتماد کاظمی، ۱۴۰۱ ه . ق، ص۷۸.

می دهد که هرکاری دوست دارد و می تواند، انجام دهد. در مقابل، اسلام رویکردی انقلابی به اصل آزادی دارد؛ به این معنا که وقتی انسان در مکتب اسلام مبارزه و تلاش خود را برای رها شدن از تمام نیروها و سلطه ها آغاز می کند، هیچ گاه این حق را به خود نمی دهد که بر خویشتن خویش، این گونه حکم روایی کند، بلکه خود را در کنار دیگر قوا قرار می دهد. چنان که دیگران حق سلطه بر انسان ندارند، خود انسان نیز چنین حقی بر خود ندارد و فقط، پروردگار یکتاست که حق سلطه و تصرف در انسان و در جهان اطراف او را داراست. در غرب، آزادی، حق انسان است. ازاین رو، انسان می تواند هرگاه خواست، از حق خویش بگذرد، ولی در اسلام چنین نیست؛ زیرا آزادی در اسلام رابطه تنگاتنگی با بندگی خداوند دارد. انسان مسلمان در برابر آزادی خویش مسئول است و اجازه ندارد خود را ذلیل کند.

معنای آزادی در غرب، فقط رد حاکمیت دیگران نیست، بلکه اثبات حاکمیت انسان بر رفتار و مذهب خویش نیز هست. اسلام، بخش دوم این گزاره را نمی پذیرد و آزادی و رهایی از بت ها و بندهای ساختگی را نتیجه بندگی مخلصانه خدا و نفی سلطه غیر او می داند،(۱) نه حاصل سلطه انسان بر خویش.

برداشت شهید صدر در این باره، آنجا که می گوید: «حاکمیت مطلق از آن خداست؛ یعنی انسان آزاد است و هیچ کس و هیچ طبقه و گروهی بر وی

۱- سید محمد باقر صدر، المدرسه الاسلامیه، تهران، مکتبه اعتماد کاظمی، ۱۴۰۱ ه . ق، صص۱۰۸و۱۰۹.

سروری ندارد.»[(۱)] این است که آزادی انسان، تنها و تنها در گرو تحقق حاکمیت الهی است. با این دیدگاه، پذیرش حاکمیت الهی نه فقط مغایر با اصل آزادی نیست، بلکه هماهنگ با آن است. شهید صدر، آزادی و مسئولیت را لازم و ملزوم هم می داند و می فرماید:

انسان، مسئول است؛ زیرا آزاد است. خداوند طریق هدایت و گمراهی را برای انسان آزاد مقرر فرموده و عقل و اراده را ارزانی او داشته است تا خود انتخاب کند: إِنّا هَدَیْناهُ السَّبیلَ، إِمّا شاکِرًا وَ إِمّا کَفُورًا (انسان: ۳).[(۲)]

نقش آزادی در حیات اجتماعی (در دو تمدن غربی و اسلامی)

نقش آزادی در حیات اجتماعی (در دو تمدن غربی و اسلامی)

در میان مذهب ها و مکتب های فکری، درباره آزادی اجتماعی با انواع چهارگانه اش؛ آزادی اقتصادی، سیاسی، شخصی و فکری، بحث و تبادل اندیشه بسیاری صورت می گیرد. شهید صدر این بحث را در کتاب هایش به طور کامل و جامع مطرح ساخت و اشاره کرد که هدف اصلی در بحث، آزادی در چارچوب اجتماعی است.

آزادی غربی به معنای وسیعش که عبارت است از اندیشه رهبری انسان بر خویش و نفی حکمرانی غیر، پس از دوره های مختلف زمانی، در نهایت به سیادت ماده منتهی گشت. این در حالی است که اسلام می خواهد انسان را از بندگی ماده، به بندگی خدا برساند و از بندگی شیء پست، به بندگی موجود مطلق ارتقا دهد. اسلام آمد که بندهای ماده را از انسان بردارد و به او بگوید:

۱- لمحه فقهیه تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهور الاسلامیه فی ایران، ص۱۲.

۲- رسالتنا، صص۶۷-۶۸ .

آزادی؛ یعنی یکدیگر را ارباب خود نگیریم؛ «جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگیریم»(۱)؛ بندگی امثال خود زشت است(۲) و بندگی موجود مطلق، نه تنها قبیح نیست، بلکه فطری و راه کمال شمرده می شود.(۳)

شهید صدر بارها در نوشته های خود تأکید می کند که توحید، قالب و اساس تمدن اسلامی است و تمدن اسلامی ویژگی های مثبت و تأثیرگذار (از جمله خصیصه آزادی) را از آن می گیرد:

توحید، محتوای حقیقی آزادی را در زمینه های اجتماعی، سیاسی، فکری و شخصی، به خود آزادی عطا می کند؛ زیرا آزادی حقیقی، آن است که انسان بتواند انسانیتش را با اندیشه درباره تعیین راه و نیز ترسیم نشانه ها و گرایش هایش حفظ کند و این، بسته به آن است که انسان پیش از هر چیز، از عبودیت شهوات آزاد گردد.(۴)

نقش دیگر توحید، نقش انقلابی آن است. اسلام به سبب ویژگی توحیدی اش، انقلابی اجتماعی بر ضد ظلم و طغیان و انواع بندگی ها به شمار می آید، ولی این انقلاب نوعاً با انقلاب های اجتماعی دیگر متفاوت است؛ چون این انقلاب، انسان را از درون آزاد می گرداند و هستی را از خارج، آزادی اول، جهاد اکبر و آزادی دوم، جهاد اصغر نامیده می شود.(۵)

انسان اروپایی در آغاز رنسانس، حریت را به مثابه ارزش اعلا پذیرفت؛ زیرا خود را در همه زمینه های زندگی مقید دیده بود، حتی در عقاید علمی و مذهبی. غرب آمد که از انسان، موجود مختاری بسازد که هروقت خواست کاری انجام دهد، بتواند و با عقل خود بیندیشد، نه

۱- «أَلّا نَعْبُدَ إِلاَّ اللّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئًا» آل عمران: ۶۴ .

۲- «إِنَّ الَّذینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ عِبادٌ أَمْثالُکُمْ» اعراف: ۱۹۲.

۳- «فِطْرَتَ اللّهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها» روم: ۳۰.

۴- المدرسه القرآنیه، صص۱۶۷و۱۶۸.

۵- الاسلام یقود الحیاه، ص۲۷.

با عقل دیگری. تا اینجا [سخن] درست بود، [ولی] خطا آن بود که این تصمیم افقی بود (نه عمقی). آزادی، به معنای شکستن قیود از انسان، ارزش دارد و قالب ارزش هاست، [بااین حال] به تنهایی انسان ساز نیست. نمی توان بندها را از انسان برداشت و فقط به او گفت: هر چه می خواهی بکن و کسی ــ چه سلطان و چه قسّیس ــ بر تو تسلطی ندارد. شکستن قیود بدون معنا و محتوا، چارچوب شایسته رشد بشر را مختل می کند. قالب، محتوا و رهنمود نیاز دارد و این، همان چیزی است که انسان اروپایی از آن غفلت کرد. آزادی، قالب است، [ولی]انسان اروپایی آن را ارزش و هدف نهایی دانست. اگر قالب بدون محتوا باشد، به هرج و مرج می انجامد؛ چیزی که امروز تمدن غرب را تهدید می کند.(۱) ارزش مطلق آن است که حد نپذیرد و وقتی حد آمد، ارزش مطلق وجود نخواهد داشت. در تعریف منتسکیو از آزادی، برای آن حد و قید ذکر شد. به ناچار حد و مرز را باید کسی گذاشته باشد که در مرتبه واضع، از انسان برتر باشد وگرنه حد او مؤثر نخواهد بود.(۲)

اندیشه ها و راهکارهای اقتصادی شهید صدر

اندیشه ها و راهکارهای اقتصادی شهید صدر

نخستین مطلب شهید صدر در اقتصاد اسلامی، پاسخ به این پرسش است که مقصود از اقتصاد اسلامی چیست و ماهیت و ساختار آن چگونه است؟ او معتقد است آنچه اسلام ارائه می دهد، مکتب اقتصادی اسلام است، نه علم اقتصاد اسلامی. علم، مربوط است به آنچه هست و مکتب، بر آنچه باید باشد، انگشت می گذارد. علم اقتصاد، پدیده های اقتصادی را تفسیر می کند و ارتباطشان را با اسباب و علل آنها بیان و قوانین حاکم بین پدیده های عینی را

۱- المدرسه القرآنیه، صص۱۶۷-۱۶۸.

۲- عبدالکریم آل نجف، مقاله «آزادی در نگاه شهید آیت الله محمدباقر صدر»، ترجمه وتلخیص: عبدالله امینی و مهدی علی زاده، حکومت اسلامی، ش۱۹، بهار ۱۳۸۰، صص۱۵۹_۱۷۸.

کشف می کند. مکتب اقتصاد اسلام، عهده دار پرداختن به موضوع عدالت اجتماعی است و روشی عادلانه برای تنظیم زندگی اقتصادی ارائه می دهد و در پی یافته های علمی در حوزه های اقتصاد نیست. برای مثال، اسلام در حجاز در پی کشف علت ها و عوامل رباخواری نبود، بلکه آن را ممنوع کرد و نظام جدیـدی بر اساس مضاربه در عرصه فعالیت اقتصادی جای گزین نظام ربوی ساخت.(۱)

شهید صدر در کشف مکتب اقتصادی اسلام گام های زیر را برداشت:

۱. جدا دانستن علم اقتصاد و مکتب اقتصادی؛

۲. تفاوت گذاشتن میان مکتب و قانون؛ به گونه ای که خود می گوید:

درست نیست که پژوهشگر اسـلامی مجموعه ای از احکام اسـلام را که در واقع، به مفهوم امروزی هم طراز قوانین هسـتند، بر اسـاس متون شـرعی و فقهی به صورت مکتب اقتصـادی اسـلام مطرح سـازد، بـا اینکه پیونـدهای نیرومنـدی میان آن دو برقرار است، زیرا هر دو به ارگانیسم نظری واحدی تعلق دارند.(۲)

بنابراین، قانون، روبنای مکتب به شمار می رود.

۳. تأکید بر اینکه کار پژوهشگر اسلامی، تکوین و ایجاد مکتب نیست، بلکه یافتن آن است و در این راه، طرح یکایک احکام جزئی راه به جایی نمی برد، بلکه باید هر کدام را به صورت جزئی از کل مطالعه کرد تا به کشف قاعده عامی رسید که از کل سرچشمه گرفته است.

۱- المدرسه الاسلامیه، صص ۱۵۱و۱۷۹؛ اقتصادنا، صص ۲۸،۳۱و۳۳۱.

۲- اقتصادنا، صص ۳۶۵ و ۳۶۶.

۴. ایشان بر این باور است که:

در اینجا و در جریان کشف مکتب اقتصادی اسلام، باید به مناطق آزاد فقهی (منطقه الفراغ) توجه کنیم. با این توضیح که نظام اقتصادی، مشتمل بر دو جنبه است؛ جنبه ای که به طور کامل بدان پرداخته شده و جنبه دیگری که تصمیم گیری درباره آن به دولت اسلامی واگذار شده [است] و منطقه آزاد فقهی به شمار [می آید]. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جنبه نخست را خود اجرا کرد و در جایگاه ولی امر، [مسئولیت پرداختن به]جنبه دوم [را] نیز [بر عهده گرفت] و با اینکه فرمان هایی که بر اساس ولایت امری صادر می شوند، احکام ثابتی به شمار [نمی آیند]، چنین فرمان هایی (فرمان های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره پرکردن منطقه آزاد فقهی) می توانند [روشنگر]و الهام بخش روش های انجام این کار، متناسب با تحقق اهداف عالی اقتصادی باشند.(۱)

۵. ایشان عقیده داشت که احکام و مفاهیم، دروازه های ورود ما به محورهای مکتب هستند. همچنین متون دینی، بیشتر وقت ها به طور مستقیم این احکام و مفاهیم را در اختیار ما قرار نمی دهند. ازاین رو، به اجتهاد پیچیده ای برای پرداختن به آن متون و کشف مضمون ها نیاز است:

تصویری که از مکتب اقتصادی اسلام ایجاد می کنیم، چون در پیوند با احکام و مفاهیم است، در واقع، بازتاب اجتهاد معیّنی است و تا وقتی جنبه اجتهادی دارند، نمی توان قاطعانه به واقعی بودن این تصویر حکم داد؛ زیرا امکان بروز خطا در اجتهادِ به عمل آمده وجود دارد. به همین [علت،] ممکن است پژوهشگران اسلامی متناسب با اجتهادهای خود، تصویرهای متفاوتی از مکتب اقتصادی اسلام ارائه دهند که البته هر کدام از آنها، تصویری اسلامی به شمار می رود؛

۱- اقتصادنا، ص ۳۸۰.

زیرا بیانگر اِعمال روند اجتهادی است که خود اسلام آن را روا و مقرر داشته است.(۱)

نکته مهم دیگر اینکه آنچه شهید صدر در اقتصاد اسلامی به آن نظر ویژه دارد، نظام کامل اقتصاد اسلامی است که لازمه داشتن چنین نظامی، وجود حکومت اسلامی است. شهید بزرگوار در مقدمه جلد دوم کتاب خطوط تفصیلی عن اقتصاد المجمع الاسلامی که با عنوان طرح گسترده اقتصاد اسلامی به فارسی برگردانده شده است، چنین می نویسد:

این دستورات (احکام ثروت در اسلام) از دیدگاه اسلام، در دو قلمرو طرح می شود:

۱. سیستم کامل اقتصاد اسلامی که جامعه اسلامی در پرتو دولتی مسلمان، بر پایه اسلام و جانشینی الهی در پرتو شریعت آسمانی برپا می شود.

۲. سیستم محدود اقتصاد اسلامی، برای فرد معتقد و مسلمان که در جامعه ای غیراسلامی می زیید.

در این سیستم، هدف، تثبیت نظام اقتصادی برای جامعه اسلامی [نیست]، بلکه راه گشایی برای فردی با ایمان و معتقد به مکتب اسلام است که در جامعه ای ناصالح و غیراسلامی زندگی می کند و می خواهد تا حد امکان کردار و سلوکش بر پایه اسلام باشد.(۲)

میان این دو حالت، تفاوتی ژرف حاکم است و اختلاف زیادی میان این دو سیستم اقتصادی اسلامی دیده می شود.(۳)

۱- اقتصادنا، ص ۳۸۳؛ نک: محمدعلی تسخیری، مقاله «شیوه شهید صدر در شناخت مکتب اقتصادی اسلام و پاسخ به منتقدان»، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۲، ش ۱۰، صص ۹ _ ۲۳.

۲- طرح گسترده اقتصاد اسلامی، صص ۲۱و۲۲.

۳- سید محمد خاتمی، بیم موج، نشر سیمای جوان، ص ۸۲ .

فصل هشتم: شهید صدر از نگاه بزرگان

اشاره

فصل هشتم: شهید صدر از نگاه بزرگان

زیر فصل ها

پیام امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت آیت الله سید محمدباقر صدر

پیام امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت آیت الله سید محمدباقر صدر

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

انا لله و انا الیه راجعون

با کمال تأسف، حسب گزارش جناب وزیر امور خارجه که از منابع متعدد و مقامات کشورهای اسلامی به دست آورده است و [حسب] گزارشاتی که از منابع دیگر به دست آمد، مرحوم آیت الله سید محمدباقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود، به دست رژیم منحط بعث عراق، با وضع دل خراشی به درجه رفیع شهادت رسیده اند. شهادت، ارثی است که امثال این شخصیت های عزیز، از موالیان خود برده اند و جنایت و ستمکاری نیز ارثی است که امثال این جنایت کاران تاریخ، از اسلاف ستم پیشه خود می برند. شهادت این بزرگواران که عمری را به مجاهدت در راه اهداف اسلام گذرانده اند، به دست اشخاص جنایت کاری که عمری به خون خواری و ستم پیشگی گذرانده اند، عجب نیست. عجب آن است که مجاهدان راه حق در بستر بمیرند و ستمگران جنایت پیشه دست خبیث خود را به خون آنان آغشته نکنند. عجب نیست که مرحوم صدر و همشیره مظلومه اش به شهادت نایل شدند، عجب آن است که ملت های اسلامی و خصوصاً ملت شریف عراق و عشایر دجله و فرات و جوانان غیور دانشگاه ها و سایر جوانان عزیز عراق، از کنار این مصیبت بزرگ که به اسلام

و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله وارد می شود، بی تفاوت بگذرند و به حزب ملعون بعث فرصت دهند که مفاخر آنان را یکی پس از دیگری مظلومانه شهید کنند و عجب تر آنکه، ارتش عراق و سایر قوای انتظامی، آلت دست این جنایت کاران واقع شوند و در هدم اسلام و قرآن کریم به آنان کمک کنند... . این جانب برای بزرگداشت این شخصیت علمی و مجاهد که از مفاخر حوزه های علمیه و از مراجع دینی و متفکران اسلامی بود، از روز چهارشنبه، سوم اردیبهشت به مدت سه روز عزای عمومی اعلام می کنم و روز پنج شنبه، چهارم اردیبهشت را تعطیل عمومی اعلام [می نمایم] و از خداوند متعال خواستار جبران این ضایعه بزرگ و عظمت اسلام و مسلمین می باشم.

والسلام علی عباد الله الصالحین

دوم اردیبهشت ۵۹

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

پیام مقام معظم رهبری، به کنگره بین المللی بزرگداشت شخصیت آیت الله شهید صدر

پیام مقام معظم رهبری، به کنگره بین المللی بزرگداشت شخصیت آیت الله شهید صدر

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

در میان چهره های برجسته حوزه های علمیه در دهه های اخیر، مرحوم آیت الله شهید سید محمدباقر صدر(قدس سره) یکی از ممتازین و شگفت انگیزترین آنهاست. هر مجمع علمی حق دارد که به فرآورده انسانی بزرگی چون این عالم بزرگوار به خود ببالد. او بی شک، یک نابغه و یک ستاره درخشان بود. از جنبه علمی، جامعیت و تحقیق و نوآوری و شجاعت

۱- صحیفه نور، ج۱۲، ص۵۷.

علمی را یک جا دارا بود. در اصول، در فقه، در فلسـفه و در هر آنچه به این دانش ها ارتباط می یابد، در زمره بنیان گذاران و صاحبان مکتب محسوب می شـد. اسـتعداد خارق العاده و پشـتکار کم نظیر او، از وی عالمی ذوفنون و ژرف نگر پدیـد آورده [بود]که دیـد نافذ و ذهن جست وجوگرش در آفاق علوم حوزه ها محصور نمانده [است] و هر آنچه را برای یک مرجع دینی در دنیای متنوع امروز سـزاوار است، به حیطه تحقیق و مطالعه کشـیده بود و سـخنی نو و فکری بکر و اثری مانـدگار در آن می آفریـد. بی شک، اگر جوهره علم و تحقیق و این ذخیره تمام نشـدنی انسانی، با دست پلیـد جنایت کاران از حوزه علمیه ربوده نمی شـد، جامعه شـیعه و اسـلامی می توانست در آینـده نزدیک، شاهـد اوج گیری در قلمرو مرجعیت و ریاست علمی و دینی باشد. توفیق و مدد الهی، آمیختگی این فضیلت های بزرگ را با رتبه والای جهاد فی سبیل الله رقم زد. هنگامی که حوزه کهن نجـف در بـوته آزمـایش مـواجهه بـا امـواج بیـداری اسـلامی و انقلابـی قرار گرفـت، این شخصـیت بیـدار و آگـاه قـدم در راه مجاهدتی علمی و سیاسـی نهاد و درخشـش معنوی خود را مضاعف ساخت. بینش عمیق او، نیاز زمان را حس کرد و در راهی که اجـداد طاهرینش به روی پیروان و جانشـینان خود گشوده بودنـد، گامی اسـتوار نهاد و چه زود پاداش این فـداکاری عظیم؛ یعنی محنت و سپس شـهادت در راه خدا را دریافت کرد. شهید آیت الله صدر برای طلاب و فضلای جوان، یک اسوه و نمونه است. درس انسان پروری او با شـهادت جان گدازش خاتمه نیافته است. آثار علمی و شیوه تحقیق او اکنون پیش روی فضلای جوان حوزه هـای علمیه قرار دارد و انگشت اشـاره او، آنـان را به راه عظمت و مجـد علمیِ همراه بـا روشن بینی و جهان نگری هـدایت می کنـد. حوزه های علمیه امروز نیز محتاج شـهید صـدر و هر عنصـر با همت و پرتوانی هسـتند که راه علمی و اسـلام شناسی و جهان نگری او را دنبال کند.

صلوات و درودی از اعماق جان بر آن روح مطهر و خواهر شـهیده مظلومه اش، بنت الهدی می فرستم و رحمت و علو درجات برای آنان و توفیق رشد و تربیت فضلای جوان حوزه ها بدان سان را از خداوند متعال مسئلت می کنم.

والسلام علیکم و رحمه الله

سید علی خامنه ای

۲۷ دی ۱۳۷۹

۲۱ شوال ۱۴۲۱ ه . ق(۱)

شهید صدر از نگاه حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی (رئیس جمهور پیشین)

شهید صدر از نگاه حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی (رئیس جمهور پیشین)

بـدون تردیـد، آیت الله العظمی صـدر یکی از نوابغ دنیای تشیع و دنیای تفکر است. این مسـئله از آثار ایشان هم معلوم است و عظمت و مقام علمی و نیز درک نبوغ و هوشـمندی ایشان نیازی به تشـریح ندارد. به نظر من پیش از آنکه روی بُعد شخصـیتی شهیـد صدر تکیه کنیم، باید روی وجوه خاص و جوهر شخصـیت ایشان تأکید کنیم که ایشان را به اینجا رسانده [است] و آن، دردمندی شـهید صدر در مورد حل مسائل و مشـکلات دنیای اسـلام و تلاش آن شـهید برای پاسـخگویی به مشـکلات دوران خویش بود. اگر شـهید صدر در میان ما حضور داشت، هنگام تأسـیس جمهوری اسلامی و پس از آن [وجود] ایشان خیرات و برکـات زیـادی به همراه می آورد. به اعتقـاد من، اگر نقطه جوهری شخصـیت شـهید صـدر را بشناسـیم، ایجـاب می کنـد که حرکت هـای دیگری در حوزه های علمیه شـروع کنیم. بایـد ببینیم اگر شـهید صـدر اکنون در میان ما بود، چگونه حرکت می کرد. آنچه شـهید صـدر را از دیگران ممتـاز کرد، نگـاه به زمـان بود. او در آن موقع به نقـد مارکسـیسم پرداخت. امروز لیبرال دموکراسی بسیار حساس تر از مارکسیسم

۱- اندیشه ماندگار، ج ۵، صص ۱۷ و ۱۸.

است و بر این اساس، نیازمند شناخت و نقد هستیم؛ یعنی کاری که شهید صدر انجام می داد.(۱)

حجت الاسلام خاتمی، همچنین در کتاب بیم موج، در مقاله سوم با عنوان «درک زمان، درد دین» به تبیین شخصیت شهید صدر پرداخته است. وی می نویسد:

در یکصد سال اخیر، در بسیاری از کشورهای اسلامی و به خصوص ایران شاهد سه نوع واکنش در برابر غرب بوده ایم: تسلیم و پذیرش محض؛ انکار و نفی کامل؛ مقابله از سر خودباوری و استقلال، با نگرش عمیق و همه جانبه و تکیه بر اسلام اصیل. سومین رفتار در برابر غرب، همان بود که می بایست باشد و در میان این دسته از مدافعان اسلام اصیل و عزت مسلمانان، چهره بزرگوارانی، چون شهید صدر و شهید مطهری در دوره اخیر تاریخ اسلام درخشندگی خاصی دارد و در واقع، جهاد فکری این بزرگان باب مرحله ای تازه را در تاریخ تفکر و جهاد اسلامی می گشاید... . شهید صدر، مجتهدی است مجاهد و فقیهی توانا و شخصیتی مسلط بر فلسفه و کلام و معارف و دارای نبوغ و بزرگ ترین شاخصه تلاش فکری و اجتهادی او این است که می کوشد تا با روش علمی و منطقی، در برابر مکتب های پرآوازه جدید، اسلام را به عنوان مکتبی برتر مطرح کند. نکته برجسته دیگری که در اجتهاد علمی و جهاد فکری این بزرگوار وجود دارد و در واقع ثمره دید اول (تسلیم و پذیرش محض در مواجهه با غرب) است، [اینکه او]اثبات [می]کند نه تنها اسلام برای اداره جامعه بشری تواناست، بلکه تلاش برای استقرار نظام اسلامی به جای نظام های صرفاً بشری و در مقطع اخیر، بنیادهای کفرآمیز غربی و شرقی، مبرم ترین وظیفه عالمان دین باور اسلام و مهم ترین رسالت مسلمانان است که جز در دوره های کوتاهی از حیات تاریخی خود، همواره محکوم ستم مستکبران و ستمکاران بوده اند. در واقع شهید صدر مؤید حرکت دوران سازی است که از ده ها سال پیش به رهبری پیشوای والانگر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی به رغم همه

۱- سخنان رئیس جمهور پیشین در دیدار مسئولان کنگره بین المللی آیت الله صدر با ایشان ۱۷/۱۰/۱۳۷۹؛ به نقل از: اندیشه ماندگار، ج ۵، صص ۲۳ و ۲۴.

مشکلات ذهنی و عینی با هدف سرنگونی نظام طاغوت و استقرار حکومت اسلامی و وصول به استقلال و آزادی آغاز شد و با درایت پیشوا و به برکت تحولی که در جان جامعه ایران ایجاد شد، مآلاً ـ به تحقق جمهوری اسلامی انجامید و امیدهای چهارده قرن مجاهدان راه حق و مجتهدان فرزانه در تاریخ خون بار اسلام را به واقعیت خارجی مبدل ساخت. تلاش ارجمند شهید صدر را کسانی قدر می دانند که از یک سو با همه وجود، معتقد به اسلام و خواستار عظمت و حاکمیت آن هستند و از سوی دیگر با اوضاع و احوال پیچیده و پرتپش جهان کنونی و آنچه در عمق زندگی روزگار ما می گذرد، آشنایند... . شهید صدر با تکیه بر فقه پربار اسلام و با رعایت موازینی که حجیت آنها مسلم است، درصدد اکتشاف راه و رسم زندگی از منابع اسلامی و کشف مذهب و مکتب از مجموعه قوانین مدوّن یا قابل استنباط اسلامی برمی آید؛ در حالی که پاره دیگری از مدعیان، سرسپرده مکتبی غیراسلامی هستند و تلاششان بسته به ارائه راه حلی بر اساس آن مکتب است. تفاوت این دو، تفاوت میان کسی است که بر اساس دین و وحی خدا متعهد است، با کسی که برای به کرسی نشاندن خواست خود، آگاهانه یا ناآگاهانه از تأویل و حتی تحریف دین، روی گردان نیست. امروز پژوهندگان مسلمان، به خصوص در حوزه های دینی و بالاخص طلاب جوان و خوش فکر و متقی، بیش از هر زمان موظف به ادامه راهی هستند که بزرگانی چون شهید صدر با شجاعت، شرح صدر و هوشیاری و قدرت، آغاز کننده آن بودند.(۱)

۱- نک: بیم موج، صص۷۷_۸۹ .

فصل نهم: نگاهی به زندگی بنت الهدی صدر

اشاره

فصل نهم: نگاهی به زندگی بنت الهدی صدر

سیده آمنه صدر، خواهر شهید سید محمدباقر صدر، معروف به بنت الهدی در سال ۱۳۵۶ ه . ق در کاظمین به دنیا آمد و ۴۴ سال زیست. هنوز یک سال نداشت که از نعمت پدر محروم شد. وی خواندن و نوشتن را بدون آنکه وارد مدارس رسمی شود، فراگرفت. دروس نحو، منطق، فقه، اصول و معارف اسلامی را در خانه و نزد دو برادر خود خواند. ایشان در فقه، مقام والایی پیدا کرد و بسیاری از بانوان برای دریافت پاسخ مسائل فقهی خود به او مراجعه می کردند. بنت الهدی افزون بر آنکه اشتیاق زیادی برای مطالعه کتاب های اسلامی داشت، کتاب های غیر دینی را هم مطالعه می کرد. ایشان کتاب شرایع و عقائد الشیعه را درس می داد و برای بانوان منبر می رفت و به طرز بدیعی، تاریخ اهل بیت را تحلیل می کرد و بر تعدادی از مدارس ابتدایی و متوسطه و دبیرستان ها اشراف و مدیریت داشت.(۱)

مهم ترین اتفاقی که در طول زندگی این بانوی شهید رخ داد، مبارزه های

۱- رضا استادی، نوزده ستاره و یک ماه، قدس، ۱۳۸۲، ج۱، ص۴۷۸.

برادر بزرگوارش با رژیم بعث و در نهایت دستگیری ایشان است. نقش زینب گونه بنت الهدی در این پیشامدها، خیره کننده بود و مهم ترین آنها در بازداشت سوم شهید صدر؛ یعنی در بامداد هفدهم رجب سال ۱۳۹۹ ه . ق اتفاق افتاد. وقتی نیروهای امنیتی، آیت الله صدر را دستگیر کردند، خواهر ایشان نه تنها جزع و فزع نکرد و برادر را پریشان نساخت، بلکه صبورانه و شجاعانه ــ آن گونه که از شیرزنان تربیت شده در مکتب حضرت زینب علیهاالسلام برمی آمد ــ نیروهای امنیتی را که تعدادشان بیش از دویست نفر بود، مورد خطاب و نکوهش قرار داد. هیبت این شیرزن، چنان نیروهای امنیتی را تحت تأثیر قرار داد که بدون اینکه مانع خطابه آتشین او شوند، هر کدام در پشت اتومبیل یا دیواری سنگر گرفته بودند و نفس در سینه هایشان حبس شده بود. آن گاه به برادر قوت قلب داد و فرمود:

آن گاه که مزدوران بعثی، آیت الله صدر را به بغداد بردند، بنت الهدی به خانه بازگشت و در این فکر بود که چگونه احساسات مردم را بر ضد رژیم برانگیزد و مؤمنان را از خمودی و سکون وارهاند. پس از طلوع خورشید، به حرم امیرمؤمنان علی علیه السلامرفت و خطاب به مولا-یش سخنانی گفت. جمعیت، اندک اندک از اطراف متوجه بنت الهدی و برخی از شاگردان آیت الله صدر

شدند. سرانجام جمعیت کوچکی از حرم شریف به راه افتاد. پس از دقایقی، بسیاری از مردم به آنها پیوستند و رژیم را محکوم کردند و خواستار آزادی مرجعشان شدند. بازاریان و مغازه داران هم با تعطیل کردن مغازه های خود به جمعیت پیوستند و نیروهای امنیتی ناگزیر با مردم درگیر شدند. نظیر این تظاهرات در شهرهای کاظمین، بصره، دیالی و چند شهر دیگر هم اتفاق افتاد. فشارها به رژیم تا حدی بود که سرانجام، آنها با تغییر موضع خود، آیت الله صدر را آزاد کردند.(۱)

همین واقعه باعث شد که سران حزب بعث، نقش محوری بنت الهدی را در تحولات عراق در نظر بگیرند. بنابراین در بازداشت چهارم و آخر شهید صدر، بی درنگ بنت الهدی را هم دستگیر کردند تا مثل نوبت پیشین مردم را بر ضد رژیم نشوراند. میان مردم عراق معروف است که شهید صدر به بازجویان خود گفته بود: «مشکل شما با من است، خواهرم را آزاد کنید» و یزیدیان بعثی گفته بودند: «اجداد ما در کربلا چنین اشتباهی کردند و هم اکنون ما جور آنها را می کشیم».

سرانجام بنت الهدی صدر پس از تحمل شکنجه های وحشیانه که قلم از وصف آن ناتوان است، در کنار برادر بزرگوارش و پیش چشمان او به شهادت رسید و اندکی بعد، برادر هم به او پیوست. امام خمینی رحمه اللهدر پیام خود به مناسبت شهادت این دو بزرگوار، از شهید بنت الهدی صدر، به عنوان

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص۱۳۹و ۱۴۰.

معلم دانش و اخلاق و از مفاخر علم و ادب یاد کرد.(۱)

بنت الهدی،از جمله نویسندگان زن مسلمانی بود که به اهمیت قصه در زندگی انسان پی برد. هدف نهایی و اصلی او، بیان علت رویارویی اندیشه اسلامی و غرب بود و بر همین اساس می کوشید بازتاب این درگیری اندیشه ها را در زندگی همه مسلمانان عصر حاضر نشان دهد. هدف وی از داستان نویسی، دفاع از دین و دیانت بود. هدف از این قصه های کوتاه، مجسم کردن مفاهیم عمومی در زندگی از منظر اسلامی است و این، روشی است که قرآن کریم نیز با بیان داستان هایی از زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله‌آن را به کار می برد.

بنت الهدی پیش از آنکه نویسنده باشد، اندیشمند بود؛ اندیشمندی که در قصه های خود، شرایط زن معاصر را بررسی می کرد و گمراهی بیشتر زنان امروز را در تقلید از اندیشه های غربی و فریب خوردن آنها از مدرنیسم غربی می دانست. از همین رو، در قصه های خود، بر اساس آیات قرآن، همواره به حجاب که مایه سربلندی و سرافرازی زن مسلمان در طول تاریخ بوده است، توجه ویژه ای داشت.(۲)

برخی از آثار ارزشمند وی عبارتند از: مذاکرات الحج، کلمه و دعوه، نساء العقیده(۳) و نیز مقالاتی در مجله الاضواء و نشریه جامعه العلماء نجف اشرف.(۴)

۱- نک: صحیفه نور، ج۱۲، ص۵۷.

۲- ماجده حمود، مقاله «بنت الهدی و زیبایی های قصه»، اندیشه ماندگار، ج۲، صص۳۲_۳۴.

۳- روزنامه جمهوری، ۲۰/۱/۱۳۷۷.

۴- ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۲۰/۱/۱۳۶۰.

زن در اسلام از دیدگاه شهید بنت الهدی صدر

زن در اسلام از دیدگاه شهید بنت الهدی صدر

زن در هیچ یک از فرهنگ ها و تمدن های گذشته، جایگاه انسانی خود را پیدا نکرد و همواره به دلیل جاذبه های جنسی، به او جایگاه می دادند. اسلام، زن را انسانی همانند مرد و هر دو را مکمل یکدیگر می داند و در این میان، زنان در دو زمینه ترویج اندیشه اسلامی و اجرای عملی آن سهم به سزایی داشته اند. در اسلام، انسانیت ارزش دارد و معیار کرامت، تقواست: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاكُمْ.» (حجرات: ۱۳) که هر چه بیشتر باشد، انسانیت برتر و کامل تر است.

اسلام، زن را در حقوق، مساوی مرد، ولی غیر مشابه هم قرار داده است (نکته ای که برخی، از درک آن عاجزند و تساوی حقوق را با تشابه حقوق لازم و ملزوم می دانند) و بر اساس نیازهای روحی و جسمی به آنها حقوق داده و از آنها تکلیف خواسته است. حضور زن در جامعه، به ویژه در عرصه های اقتصادی، در جوامع سنتی کمتر از جوامع مدرن نیست. ازاین رو، با توجه به تغییر شرایط اجتماعی، نمی توان خواستار تعطیلی احکام اسلامی مربوط به زنان شد. اسلام هیچ گونه قید و بندی برای زن قرار نداده است، مگر ذات خلقت و طبیعت او. اسلام، مردی را شایسته می داند که همسر خود را در دیدگاه ها، اندیشه ها و هدف های خود شریک و همراه سازد. اسلام منعی در اشتغال زن در خارج از خانه به شرط رعایت پوشش نمی بیند، اراده زن، در همه حال نقش اول را در شکل دهی و پایداری نهاد خانواده دارد.

از نظر اسلام، زن در تمامی مراحل زندگی حق کامل در تصرف اموال

خود را دارد؛ هیچ تعهد مالی بر عهده اش نیست و مرد موظف به تأمین هزینه زندگی و محافظت از خانواده است. به همین علت است که زن سهم کمتری از ارث می برد. در حالی که در غرب، مرد حق تصرف در اموال همسرش را دارد، مگر آنکه همسر پرداخت بخشی از هزینه های زندگی را بپذیرد.

در اسلام، پوشش، هم برای مرد است و هم برای زن و هیچ کدام حق ندارند با بروز دادن ویژگی های جنسی خود، در جامعه حاضر شوند و از آنجا که جلوه گری های جنس مؤنث بیشتر و قوی تر از جنس مذکر است، بر پوشش او بیشتر تأکید می شود.

اسلام بر خلاف فرهنگ های کهن، زن را سرچشمه گناهان و بدی ها و هدف از آفرینش او را فقط رفاه حال مرد نمی داند، بلکه در حقیقت، هر دو هدف خلقت و مکمل یکدیگرند. بسیاری از فرهنگ ها، فرزند را تنها متعلق به پدر می دانند، ولی اسلام، جایگاه مادر را بسیار والا می شمارد؛ به گونه ای که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بهشت را زیر پای مادران می داند(۱) و قرآن کریم به نیکی به پدر و مادر به طور یکسان سفارش می کند: «وَ قَضی رَبُّکَ أَلّا تَعْبُدُوا إِلّا إِیّاهُ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً»(اسراء: ۲۳) و از کمترین کاری که موجب رنجش آنها شود، نهی می کند: «فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ وَ لا تَنْهَرْهُما». (اسراء: ۲۳)

از علت های عقب ماندن زنان مسلمان و نداشتن پیشرفت فکری و روحی آنان، یکی دسیسه غرب زدگان و دیدگاه های افراطی فمینیستی و دیگری،

۱- مستدرک الوسائل، ابواب احکام اولاد، باب ۷۰.

حمـایت نکردن آنهاست که در نتیجه، یا در دام مفاسـد و انحراف ها گرفتار می شونـد یا بال های آنها به دست واپس گرایان شکسـته می شود. یگانه راه نجات، بازگشت جامعه به اسلام اصیل و حاکم کردن اندیشه اسلامی به جای اندیشه های وارداتی یا عقده های واپس گرایان است که دین را بر اساس هوای نفسانی خود تفسیر می کنند.(۱)

۱- سید مشتاق الحلو، مقاله «زن در اسلام از دیدگاه شهید بنت الهدی صدر»، اندیشه ماندگار، ج۵، صص۳۳و۳۴.

فصل دهم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل دهم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهادهای کلی

موضوع های برنامه سازی

پرسش های مسابقه ای

پرسش های کارشناسی

کتاب شناسی

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای کلی

صدا و سیما هرگز نباید از نقش شخصیت های علمی و مجاهدان راه حق در الگوسازی برای نسل جوان و هویت بخشی به آنان، در عصری که مهم ترین نگرانی آن بحران هویت است، غافل شود. در این میان، شخصیت هایی که در هر دو عرصه اندیشه و مبارزه با طاغوت نام آور بوده اند، در مقایسه با دیگران اولویت دارند و بر رسانه هاست که در مورد این گونه اندیشمندان برنامه سازی کنند.

به نظر می رسد درصد بالایی از مردم ما و حتی افراد تحصیل کرده، با ابعاد شخصیتی شهید صدر آشنا نباشند. برای مثال، وقتی از بسیاری از دانش آموختگان رشته حقوق پرسیدم: آیا از نقش شهید صدر در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و طرح او درباره قانون اساسی آگاهی دارند، هیچ کدام آگاهی نداشتند. شایسته است در روزهای ویژه مانند ۱۹ فروردین، (سالگرد شهادت آیت الله صدر) و ۱۲ فروردین (روز جمهوری اسلامی) به این مسئله بپردازیم.

موضوع های برنامه سازی

موضوع های برنامه سازی

۱. بررسی زندگی خاندان پر افتخار صدر، از عبدالحسین شرف الدین، رهبر شیعیان لبنان تا امام موسی صدر، سید محمدباقر صدر و محمدصادق صدر.

۲. علت های ناکامی ظاهری شهید صدر در بسیج مردم و تحریک آنان برای مبارزه با رژیم بعث، در مقایسه با موفقیت حضرت امام خمینی رحمه الله؛ مطالعه تطبیقی جامعه شناختی مردم عراق و ایران، با توجه به سخن امام در دیدار با معاودان عراقی در سالگرد شهادت آیت الله صدر، مبنی بر اینکه پیش از آمدن به عراق و نجف، شناخت دیگری از مردم عراق داشتم و گمان نمی کردم کارگزاران حکومت به راحتی مرجع دینی آنان را در حضورشان آزار دهند و منزل او را محاصره کنند و مردم واکنشی جدی نشان ندهند.

۳. مصاحبه با سید جعفر صدر (پسر شهید صدر) و همسر شهید که هم اکنون در شهر مقدس قم ساکن هستند.

۴. خاطراتی که شاگردان شهید از ایشان نقل می کنند (که در فصل های پیشین به آنها اشاره شد) سوژه های بسیار جالبی هستند. از جمله خاطرات آیت الله حائری و شیخ محمدرضا نعمانی، از دوران حصر شهید و مشکلات بسیاری که کمبود شدید امکانات، برای خانواده شهید ایجاد کرده بود.

۵. افکار شهید صدر.

۶ . پیش بینی شهیدصدر از سرانجام حزب بعث و شخص صدام و تحقق این پیش بینی.

۷. نقش زینب گونه شهید بنت الهدی صدر در تحولات عراق، به ویژه در

بازداشت سوم شهید صدر و خطابه او در حرم علوی و در نتیجه آن، تظاهرات گسترده مردمی.

۸. اعدام شاگردان برجسته شهید صدر و نمایندگان ایشان در شهرهای مختلف.

۹. رابطه شهید صدر با حضرت امام و پیروی محض ایشان از امام خمینی رحمه الله و بیان جمله معروف ایشان: «ذوبوا فی الامام الخمینی، کما هو ذاب فی الاسلام» و نقش ایشان در انقلاب اسلامی.

۱۰. رشد فکر و عقلانی شگفت شهید صدر به گونه ای که پیش از بلوغ، به مرحله اجتهاد رسید و در ۳۸ سالگی مرجع شیعیان عراق شد. روش او در زمینه تحصیل و چگونگی برنامه ریزی درسی ایشان، الگوی بسیار مناسبی برای طالبان دانش به ویژه طلاب حوزه های علمیه خواهد بود.

۱۱. طرح شهید صدر برای ترور صدام ملعون، به دست خلبان اختصاصی او.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. این جمله از کیست؟ «در امام خمینی ذوب شوید، همان گونه که او در اسلام ذوب شده است».

الف) شهید بهشتی ب) آیت اللّه خامنه ای

ج) شهید صدر د) شهید مطهری

۲. شهید صدر در چه شهری به دنیا آمد؟

الف) قم ب) نجف

ج) اصفهان د) کاظمین

ص:۱۲۰

۳. شهید صدر چند سال زندگی کرد؟

الف) ۷۵ ب) ۷۰

ج) ۶۵ د) ۴۷

۴. این جمله امام خمینی رحمه الله خطاب به کیست؟ «او از معلمین دانش و اخلاق و از مفاخر علم و ادب بود».

الف) شهید صدر ب) شهید مطهری

ج) شهید بهشتی د) شهید بنت الهدی صدر

۵. کدام یک، از آثار بنت الهدی صدر است؟

الف) مذاکرات الحج ب) کلمه و دعوه

ج) نساء العقیده د) هر سه

۶ . شهید صدر در چه سالی به درجه اجتهاد و در چه سالی به درجه مرجعیت رسید؟

الف) ۲۰ _ ۴۵ ب) ۳۰ _ ۵۳ ج) ۱۵ _ ۳۸ د) ۱۵ _ ۴۵

۷. این جمله شهید صدر در بیان ارادت او به چه کسی است؟ «اگر ایشان امر کند که از نجف خارج شوم و در روستایی دورافتاده به تبلیغ دین و بیان احکام بپردازم، این کار را انجام می دهم».

الف) سید ابوالقاسم خویی ب)سیدمهدی حکیم(حکیم بزرگ)

ج) شیخ محمد رضا آل یاسین (دایی شهید) د)امام خمینی رحمه الله

۸ . کدامیک از آثار شهید صدر، در پاسخ به درخواست آیت الله حکیم، مرجع وقت شیعیان عراق نوشته شد؟

الف) فلسفتنا ب) اقتصادنا

ج) الفتوی الواضح د)فدک فی التاریخ

۹. کدام یک از این کتاب ها، از آثار شهید صدر نیست؟

الف) اقتصادنا ب) فلسفتنا

ج) تکمله المنهاج د) فدک فی التاریخ

۱۰. رابط میان امام خمینی رحمه الله و شهید صدر که بود؟

الف) سیدمحمود شاهرودی ب) شهید حکیم

ج) سیدکاظم حائری ج) شیخ محمدرضا نعمانی

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. برنامه حکومت عراق برای ترور شهید صدر چه بود؟

۲. طرح شهید صدر برای ترور صدام چه بود و چرا موفق نشد؟

۳. شهید صدر مشکل اصلی مردم عراق را در راه مبارزه با رژیم بعث، چه می دید و برای درمان آن چه طرحی در سر داشت؟

۴. شرایط صدام برای پایان حصر نه ماهه و فشار بر ضد شهید صدر و پاسخ متقابل ایشان چه بود؟

۵. از نظر خود شهید صدر، او چگونه در سن کم به درجه های بالای علمی رسید؟

۶ . پس از سومین بازداشت شهید صدر، بنت الهدی چگونه مردم را به برپایی تظاهراتی عظیم واداشت و از تلاش حکومت برای قتل آیت الله صدر جلوگیری کرد؟

۷. علت دستگیری بنت الهدی صدر، پس از چهارمین بازداشت شهید صدر چه بود؟

۸ . صدام در آخرین لحظات زندگی شهید صدر از او خواسته بود، فقط چند کلمه بر ضد انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمه الله بنویسد تا از مرگ حتمی نجات یابد. چرا شهید صدر تسلیم نشد و شهادت را برگزید؟

۹. آیا می دانید پیش بینی شهید صدر درباره آینده صدام و حزب بعث چه

بود؟

۱۰. علت هـای ناکـامی ظاهری شـهید صـدر در واداشـتن مردم عراق برای قیام و سـرنگونی رژیم بعث و تطبیق شـرایط عراق با ایران را بیان کنید.

۱۱. دلایـل موفقیت علمی کم نظیر شـهید صـدر و اجتهـاد در ۱۵ سـالگی و مرجعیت در ۳۸ سـالگی را و اینکـه چرا امروزه در حوزه های علمیه چنین استعدادهایی پرورش نمی یابند یا اینکه کمتر پرورش می یابند، بیان کنید.

۱۲. از نظر شهید صدر، راهکار رسیدگی به مصالح اسلام و امت اسلامی پس از به دست گرفتن قدرت چگونه باید باشد؟

۱۳. چرا شهید صدر ـ که خود مرجع دینی مردمان بود ـ از امام خمینی رحمه الله، پیروی می کرد؟

۱۴. چرا حضـرت امام خمینی رحمه الله با وجود شـرایط سیاسـی نگران کننـده عراق، به شـهید صدر تلگراف کرد که از نجف خارج نشود؟

۱۵. خدمات علمی و معنوی شهید صدر را به انقلاب اسلامی ایران بیان کنید.

۱۶. خدمات فرهنگی و اجتماعی شهید صدر در عراق چه بود؟

۱۷. تلاش های شـهید صدر برای برطرف ساختن موانع هم بستگی میان مذاهب اسلامی و اتحاد مسلمانان در مبارزه با استعمار چه بود؟

۱۸. برنامه های شهید صدر برای اصلاح وضعیت حوزه های علمیه چه بود؟

۱۹. شیوه شهید صدر را در رویارویی با افکار غربی با شیوه های دیگر مقایسه و میزان موفقیت هر یک را بیان کنید.

۲۰. اندیشه های اقتصادی شهید صدر را بیان کنید.

۲۱. نظر شهید صدر درباره مردم سالاری دینی، ساختار حکومت اسلامی، شورا و ولایت فقیه چه بود؟

کتاب شناسی

کتاب شناسی

افزون بر کتاب ها و مقاله هایی که در بخش منابع به آنها اشاره می شود و کتاب هایی که در فصل سوم نام بردیم، کتاب های زیر معرفی می شوند:

۱. الفکر الکلامی عند الشهید الصدر، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

۲. سامی العسکری، الامام الصدر و دوره فی الصراع السیاسی فی العراق.

۳. سید محمد باقر حکیم، النظریه السیاسی عند الشهید الصدر، مرکز دراسات تاریخ العراق الحدیث.

۴. سید محمد باقر صدر، جمهوری اسلامی(فارسی)، انتشارات روزبه.

۵. شمران الفجلی، للامام الصدر و علوم القرآن.

۶. شهید الامه و شاهدها.

۷. عبد الجبار الرفاعی، منهج الشهید الصدر فی تجرید الفکر الاسلامی، مؤسسه توحید، ۱۴۱۹ ه . ق.

۸. عبد الحمید صائب، منهج الامام الصدر فی تفسیر القرآن الکریم.

۹. علی معموری، نظام سیاسی اسلام از دیدگاه شهید صدر، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

۱۰. فاضل نوری، الشهید الصدر فضائله و شمائله.

۱۱. محمـد ابراهیـم انصـاری اراکی، جـواهر الاـصول (تقریرات بحث قطع از دروس خـارج اصـول شـهید صـدر)، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول.

۱۲. ________________ ، احیـاء المـوات (تقریرات بحـث احیاء مـوات از دروس خـارج فقـه شـهید صدر)، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول.

۱۳. محمد الحسینی، الامام الشهید السید محمد باقر الصدر؛ دراسته فی سیرته و منهجه، بیروت، ۱۴۱۰ ه . ق.

۱۴. محمد حسین الامین، آفاق المعاصره و التنمیته فی فکر الامام الصدر.

۱۵. محمد حسین جمشیدی، اندیشه سیاسی شهید رابع، وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۶. محمد عبد اللاوی، فلسفه التاریخ من خلال کتابات الامام الصدر و نقد نهایه التاریخ.

۱۷. ________________ ، فلسفه الصدر، مؤسسه دار الاسلام، لندن، چاپ اول، ۱۴۲۰، ه . ق.

۱۸. فصل نامه رفقه اهل بیت، شماره ۲۴، زمستان ۷۹، ویژه شهید صدر.

کتاب نامه

کتاب

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آل نجف، عبد الکریم، «آزادی در نگاه شهید صدر»، ترجمه: عبد الله امینی و مهدی علی زاده، فصل نامه تخصصی حکومت اسلامی، ش ۱۹، بهار ۱۳۸۰.

۲. استادی، رضا، «شجره طیبه خاندان شهید صدر»، ویژه نامه اندیشه ماندگار (ویژه کنگره بین المللی آیت الله العظمی شهید صدر)، ش ۱.

۳. الحلو، سید مشتاق، «زن در اسلام در نگاه بنت الهدی»، اندیشه ماندگار، ش ۵.

۴. امینی، عبدالله و عبد الهادی فضلی، «ساختار کلی حکومت اسلامی» فصل نامه تخصصی حکومت اسلامی، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۰.

۵. انصاری، مصطفی، «شهید صدر و قانون اساسی اسلامی»، اندیشه ماندگار، ش ۵.

۶. ان ویلی، جویس، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، تهران،اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۷. اوستا، مهرداد، امام؛ حماسه ای دیگر، تهران، حوزه هنری، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۸. باغستانی کوزه گر، محمد، «مردم سالاری دینی از نگاه شهید صدر»، روزنامه خراسان، ۱۷/۱۲/۷۹.

۹. تسخیری، محمد علی، «شیوه شهید صدر در شناخت مکتب اقتصادی اسلام وپاسخ به منتقدان»، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۲.

۱۰. ________________، «طرح های شهید صدر برای رفع موانع روانی تقریب بین مذاهب اسلامی»، اندیشه ماندگار، ش ۲.

۱۱. ________________ (مصاحبه)، اندیشه ماندگار، ش ۵.

۱۲. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، قم، نشر معروف، بی تا.

۱۳. جوان شیر، کریم، نامداران راحل، تبریز، انتشارات سالار، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۴. حائری، علی اکبر (مصاحبه)، اندیشه ماندگار، ش ۲.

۱۵. حسینی حائری، سید کاظم، زندگی و افکار شهید صدر، ترجمه: حسن طارمی،تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۶. ______________________ ، مباحث الاصول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۵.

۱۷. ______________________ و احمد علی یوسفی، «اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر»، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱، بهار ۱۳۸۰.

۱۸. حکمت نیا، محمد، «تبیین نظریه منطقه الفراغ»، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۸ ، زمستان ۱۳۸۱.

۱۹. «حکومت اسلامی از نگاه شهید صدر»، نشریه عصر ما، ش ۲۰۶.

۲۰. حکیم، سید محمد مهدی، التحریک الاسلامی فی العراق، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۱. حمود، ماجده، بنت الهدی و زیبایی های قصه، اندیشه ماندگار، ش ۲.

۲۲. خاتمی، سید محمد، بیم موج، تهران، نشر سیمای جوان.

۲۳. دکمجیان، هرایر، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه: حمید احمدی، تهران، کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۷.

۲۴. رجبی، محمد حسن، علمای مجاهد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۵. روزنامه اطلاعات، ضمیمه ۱۹/۱/۶۱ (یادواره شهید صدر).

۲۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰/۱/۱۳۷۷ (آیت الله صدر، مجاهد بزرگ و پاسدار راه حق).

۲۷. روزنامه جوان، ۱۹/۱/۱۳۷۸ (با کاروان علویان).

۲۸. روزنامه سلام، ۱۹/۱/۷۸ (یادمان سالگرد شهادت آیت الله صدر).

۲۹. روزنامه کیهان، ۲۷/۱/۱۳۸۳.

۳۰. ______________________ ، ۱۸/۱/۸۴ (مصاحبه با شیخ محمد رضا نعمانی).

۳۱. صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، خراسان، مکتب الاعلام السلامی، چاپ اول،۱۴۱۷ ه . ق.

۳۲. ________________________، الاسلام یقود الحیاه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

۳۳. ________________ ، الشنن التاریخیه فی القرآن الکریم، بنیاد بعثت، بی جا، بی تا.

۳۴. ________________ ، المدرسه الاسلامیه، تهران، مکتب اعتماد الکاظمی، ۱۴۰۱ ه . ق.

۳۵. ________________ ، المدرسه القرانیه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، بی تا.

۳۶. ________________ ، جمهوری اسلامی، (ترجمه لمحه فقیه عن شروع دستورالجمهوریه الاسلامیه فی ایران)، تهران، روزبه، بی تا.

۳۷. ________________ ، رسالتنا، تهران، نشر توحید، چاپ دوم، ۱۴۰۷ ه . ق.

۳۸. ________________ ، طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه: فخر الدین شوشتری،تهران، بدر، ۱۳۵۹.

۳۹. ________________ ، فدک فی التاریخ، مشهد، مؤسسه انتشاراتی فدک، ۱۳۵۹.

۴۰. ________________ ، فلسفتنا، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، بی تا.

۴۱. ________________ ، نهادهای اقتصادی در اسلام، ترجمه: غلام رضا بیات و فخرالدین شوشتری، بدر، ۱۳۵۸.

۴۲. غرویان، محسن، «شهید صدر و نظریه حق الطاعه»، اندیشه ماندگار، ش ۲.

۴۳. قلی زاده، مصطفی، شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۴۴. کیخا، نجمه، «جایگاه عدالت در اندیشه شهید صدر»، اندیشه ماندگار، ش ۳ وروزنامه ابرار، ۲۰/۱/۱۳۸۰.

۴۵. مردانی پور، آرش، میعاد با سپیده گشایان، قم، سماء، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴۶. مرکز تحقیقات و مطالعات امام موسی صدر، امام موسی صدر؛ نیازها و مقتضیات زمان، ویژه نامه همایش بین المللی سال ۱۳۸۰.

۴۷. «معرفی کتاب اقتصادنا»، اندیشه ماندگار، ش ۴ و ۵.

۴۸. معرفی کتاب دروس فی علم الاصول، اندیشه ماندگار، ش ۶ .

۴۹. «معرفی کتاب فدک فی التاریخ»، اندیشه ماندگار، ش ۱.

۵۰. معموری، علی، نظریه سیاسی شهید صدر، قم، اشراق، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۵۱. منتسکیو، روح القوانین، علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر، چاپ ۵، ۱۳۴۳.

۵۲. موسوی خمینی رحمه الله، سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۵ و ۱۲ و ۱۰.

۵۳. مهرابی، میرزا محمد، «دیدگاه شهید صدر پیرامون قانون مندی تاریخ در قرآن»، اندیشه ماندگار، ش ۴.

۵۴. نجته من الباحثین، محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکره، لندن، مؤسسه دار الاسلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه . ق.

۵۵. نشریه حوزه (یاد نامه شهید احیاگر آیت الله سید محمد باقر صدر) ش ۱ و ۲،۸۰ _ ۱۳۷۹.

۵۶. نعمان، صلاح الحر، حزب الدعوه الاسلامیه حقائق و وثائق، سوریه، مؤسسه العربیه للدراسات و البحوث الاستراتیجیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ه . ق.

۵۷. نعمانی، محمد رضا، الشهید صدر سنوات المحنه و ایام الحصار، ناشر: مؤلف، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه . ق.

۵۸. هاشمی، علی اکبر، نطق های قبل از دستور حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی (ریاست مجلس شورای اسلامی)، (جلد اول)، تهران، روابط عمومی مجلس،چاپ اول، ۱۳۶۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹